گنجینهٔ دستنویسهای پهلوی
و
پژوهشهای ایرانی
۳۷

دستنویس م او ۴۹

بخشهایی از بندهش هندی
و فصلی از
شایست نه شایست

به کوشش

دکتر ماهیار نوابی — دکتر کیخسرو جاماسپ اسا

و با همکاری فنی

دکتر محمود طاووسی

از انتشارات
مؤسسهٔ آسیائی، دانشگاه پهلوی شیراز

ازاین کتاب یکهزار نسخه درچاپخانهٔ دانشگاه پهلوی بچاپ رسید.

۲۵۳۵ شاهنشاهی

سرآغاز

اشارات دانشمندان و فیلسوفانی چون ابوریحان بیرونی و محمد زکریای رازی و شهاب الدین سهروردی به حکمت خسروانی و فلسفهٔ ایرانی، تذکر پولینیوس رومی دربارهٔ استفاده هرمیپوس یونانی از کتابهای زرتشتی، مطالبی که در کتابهای قابل استنادی چون مروج الذهب، مجمل التواریخ و القصص، نامه های پیمبران بنی اسرائیل و احادیث اسلامی آمده است، وجود مراکز مهم علمی در نصیبین و رها و تیسفون و جندی شاپور، ترجمه های بازماندهٔ عربی از زبان پهلوی، پیدایش دانشمندان و فیلسوفان و اندیشه مندان بلند پایه ای در دوران طلائی اسلامی یعنی دوران خلافت عباسیان، از این سرزمین، که شمار آنها از دانشمندان هریک از کشورهای اسلامی دیگر و بلکه از همهٔ آنها روی هم بیشتر است.

وجود سنگ نبشته های پارسی باستان و پارسی میانه و پارتی ، نامه مینوی اوستا، آثار بازمانده

مانویان به زبانهای پارسیک و پهلوانیک و سغدی و ترکی و چینی و قبطی و کتابهای پهلوی (= پارسیک

چندی که تاکنون بجای مانده اند، همه دلالت بر وجود فرهنگ و تمدنی بزرگ و درخشان، از دیر باز،

در سرزمین ایران بزرگ میکند که بر پایه های فلسفه ایرانی استوار بوده است .

علت هر چه باشد، سیاسی یا اقتصادی و یا اجتماعی یا تغییر خط و یا همه آنها باهم، قدر مسلم این است

که بسیاری از آثار مدون دوران ساسانی و آغاز دوران اسلامی ایران از میان رفته است ، و عده ای

که از دستبرد زمانه رهائی یافته اند در موزه ها و کتابخانه های مهم اروپا و بیشتر در هندوستان و در کتابخانه های

پارسیان نگاهداری میشود . اینها میتوانند روشنگر زوایای ناشناخته تاریخ و فرهنگ کهن ما

باشند . و از این رو نگاهداری و چاپ و انتشار آنها و تشویق دانشمندان به مقابله و تصحیح و ترجمه این گنجینه ها

که ما را به شناخت بیشتر زبان فارسی و غنای آن در بیان مفاهیم یاری میکند، بر ما واجب است .

و باز از این روست که هنگامی که دوست دانشمند و ارجمندم استاد دکتر ماهیار نوابی رئیس موسسه آسیائی

دانشگاه پهلوی پیشنهاد کرد که برای بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی خجسته دودمان پهلوی و شادی روان بنیان گذار آن پنجاه نسخه خطی پهلوی را از سوی مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی چاپ و منتشر کنیم. این پیشنهاد را از دل و جان پذیرفتیم.

این پنجاه جلد کتاب پهلوی و کتاب بارگاه رضا هدیه ایست که در این آئین ملی برگزاری جشن پنجاهمین شاهنشاهی پهلوی با فروتنی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر ریاست عالیه دانشگاه پهلوی و علیاحضرت شهبانو فرح ریاست عالیه مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی تقدیم میشود.

فرهنگ مهر -
رئیس دانشگاه پهلوی

دیباچه

مؤسسه آسیائی وابسته به دانشگاه پهلوی افتخار دارد که بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی را، مجموعه‌ای، در پنجاه جلد، از دستنویسهای پهلوی و اوستائی و پژوهشهای ایرانی چاپ کند و به دوستداران فرهنگ و ادب ایران تقدیم دارد.

در تابستان سال دو هزار و پانصد و سی و سه شاهنشاهی، در گروهی سخن از خدمات برجسته رضاشاه بزرگ بدین سرزمین و روز تاجگذاری وی (چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ هجری خورشیدی) میرفت، در آن هنگام اندیشه چاپ مجموعه‌ای از متن‌های پهلوی یادبود پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را از خاطرم گذشت و سپس این اندیشه را با رئیس دانشمند دانشگاه پهلوی جناب آقای دکتر فرهنگ مهر، که از شیفتگان فرهنگ ایرانند و از یاری شناساندن این فرهنگ کهن هیچگاه دریغ نکرده و نمی‌کنند، در میان گذاشتم تا اگر در این اندیشه با من همداستان باشند مراتب را

به شرف عرض شهبانوی فرهنگ پرور ایران، ریاست عالیه مؤسسه آسیائی برسانند
مگر اجازه فرمایند تا مؤسسه آسیائی بدین کار شایسته دست یازد.

جناب آقای دکتر فرهنگ مهر با پیشانی گشاده و آغوش باز از این اندیشه استقبال
کردند و مراتب را به شرف عرض شهبانوی ایران رساندند و دیری نگذشت که فرمان
علیاحضرت شهبانو بدین کار نیک شرف صدور یافت و به مؤسسه آسیائی ابلاغ شد.

شورای استادان مؤسسه آسیائی، با الهام از نام خاندانی، که جشن بزرگداشت
شاهنشاهی آن را، مردم ایران امسال برگزار میکنند، چاپ کردن کتاب یا
دستنویسهای پهلوی را در درجه اول اهمیت قرار داد. کشوری که در آن بیش از هر کشور دیگر میتوان
به دستنویسهای پهلوی و اوستائی دست یافت کشور هندوستان است. هر چند بدبختانه
هوای گرم و نمناک آنجا با کتاب سازگار نیست و کاغذ را زود شکننده و تباه میسازد و می پوساند.

در فهرستی که جمشید کاووس جی کاتراک به نام «گنجینه های شرقی» (ORIENTAL
TREASURES) گرد آورده و به سال یکهزار و نهصد و پنجاه و یک میلادی (دو هزار و پانصد شاهنشاهی)

به چاپ رسانده است. از بیش از یکهزار دستنویس ایرانی و هندی نام برده که اکنون برخی
از آنها از میان رفته است، و این، نه تنها بواسطهٔ آب و هوای هندوستان بوده بلکه بی توجهی
و نادانی هم در نابودی آنها بهره‌ای بسزا داشته است. گردآورنده فهرست یاد شده به نگارنده
این سطور میگفت: «سی سال پس از چاپ آن فهرست گذارم بخانه‌ای افتاد که خداوندان صاحب
چندین دستنویس پهلوی و اوستائی بودند و من آنها را دیده و پژوهیده و نام آنها را در فهرستم آورده بودم،
خداوند خانه بجهان دیگر شتافته بود و چون از کدبانو سراغ دستنویسها را گرفتم، وی آنها را از راه
دینداری و برای آنکه مبادا برگ پاره‌های آنها زیر پا بیفتد و برای وی گناهی بزرگ بشمار آید به آب دریا سپرده بود.»
با این همه، هم اکنون، چندین صد دستنویس پهلوی و اوستائی در هندوستان هست
که تقریباً همه از روی دستنویسهای کهنه‌تر رونویس شده‌اند. بیشتر آنها روزگاری از آنِ کتابخانه‌های
شخصی بوده و رفته رفته به کتابخانه‌های عمومی و موسسات راه یافته‌اند تا بیشتر و بهتر از آنها نگاهداری شود
و کمتر در معرض نابودی قرار گیرند. از این کتابخانه‌ها میتوان کتابخانهٔ موسسهٔ شرقی کاما و کتابخانهٔ
«نخست دستور، مهرجی رانا» را نام برد که صاحب مجموعه‌های گرانبهائی از دستنویسهای پهلوی و اوستائی اند

پاره ای از دستنویسها نیز توسط شرق شناسان به کتابخانه های مهم اروپا رسیده اند که مهمترین آنها مجموعه دستنویسهای اوستا و پهلوی» دوازده جلدی کپنهاک است که توسط شرق شناس بنام وسترگارد به اروپا برده شد و جانشین او کریستین سن CHRISTEN-SEN آنها را چاپ کرد و بر آنها دیباچه نوشت. این کتابها اکنون بسیار کمیاب و چند مجلد آن نایاب است.

برای انجام دادن فرمان، از دوست دانشمندم دستور کیخسرو جاماسب آسا، دستور بزرگ شهر بمبئی و رئیس کتابخانهٔ «موسسه شرقی کاما» یاری خواستم تا از هیأت امنای کتابخانه های «موسسه شرقی کاما» و نخست دستور مهرجی رانا» اجازهٔ عکسبرداری از دستنویسهای پهلویشان را بگیرد و اگر خود یا دستیارانش دستنویسهای ارزنده دارند بر آنها بیفزاید، کار گزینش دستنویسها برای عکسبرداری نیز به عهدهٔ وی واگذار شد تا آنچه را مهم و میسور می داند برگزیند. این کار به دشواری انجام گرفت چه دستنویسها از طرف هیأت امنای کتابخانه ها و خاندان انکلساریا (که چند دستنویس از این مجموعه متعلق به آنان است) تنها به او سپرده شد، و وی، امانت داری را

رنج سفر بر خود هموار ساخت و با دو جامه دان پر از کتاب به ایران آمد، سه ماه تمام از بام تا شام،
در چاپخانه های دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه تهران گذراند و در همه جا با دستنویسها همراه بود،
من و همکارانم از مؤسسه آسیائی نیز همه جا با وی همگام بودیم تا کار عکسبرداری سی و چند دستنویس
بپایان رسید، دستور کیخسرو مجبور شد به بمبئی بازگردد ما نیز برای تطبیق عکسها با دستنویسها و رفع کمبود آنها
در پی وی به هندوستان رفتیم تا این مهم انجام شد. نامه ای نیز به پروفسور آسموسن استاد دانشگاه کپنهاگ
نوشتیم که اجازه تجدید چاپ دستنویسهای کتابخانه کپنهاک را از ناشر نخستین آنها - MUNKS
GAARD بگیرد، اجازه گرفته شد و نامه ها به چاپ رسید .

مؤسسه آسیائی سپاس و درود فراوان خود را به پیشگاه شهبانوی فرهنگ پرور که
با فرمان خود این افتخار را نصیبش ساخته، تقدیم میدارد .

از جناب آقای دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی که در راه پیشرفت کار از هیچ یاری
معنوی و مادی دریغ نکرد سپاسگزار است .

از دستور کیخسرو جاماسپ آسا که با یاری وی چاپ این مجموعه پنجاه جلدی میسور میشود

سپاسگزار است .

از پروفسور آسموسن که اجازهٔ چاپ مجموعهٔ اوستا و پهلوی کپنهاک به پایمردی او انجام یافت سپاسگزار است .

از دکتر بهرام فره‌وشی مدیر عامل ادارهٔ انتشارات دانشگاه تهران که چاپ کردن بیست و چند جلد از این مجموعه را در چاپخانهٔ دانشگاه تهران پذیرفت و چاپ آنها با مشاورهٔ فنی وی میسر شد سپاسگزار است .

از دکتر محمود طاووسی که تطبیق و ویراستن و آراستن هر صفحه از تمام این مجموعه بدست وی و با مشورت وی انجام شد سپاسگزار است .

ماهیار نوّابی

استاد و رئیس مؤسسهٔ آسیائی

پیشگفتار

دستنویس م. او ۲۹، (MU 49) را بانو مهربای ن. دردی به یادبرادرش، شادروان‌دکتر ج. م. اونوالا به کتابخانهٔ نخست دستورمهرجی رانادرنوساری پیشکش کرده است. اندازهٔ آن ۲۲/۸× در ۱۴سانتمیتر، کاغذ آن دست ساخت و دارای ۲۶۳ صفحه است که برهر صفحه‌ای هفت سطر نوشته شده است. پایان نویس ندارد. متنی است آشفته و ناقص از بندهش هندی با اوا نویس گجراتی و معنی فارسی در زیر هر سطر. صفحه‌های ۷۹–۱۴۶ ترجمهٔ فارسی ندارد و صفحه‌های ۲۵۸ س ۷ – ۲۶۳ فصل نوزدهم "شایست نشایست" را در بر دارد. متن بندهش در این دستنویس به ترتیب زیرآمده است.

صفحه‌های ۱–۲۶ س۲. فصل‌های ۱۵ و ۱۶، درچگونگی مردم و بچگان.
صفحه‌های ۲۶ – س ۲ – ۳۵ س ۲. فصل ۱۷، در چگونگی آتش.
صفحه‌های۳۵ – س۳ – ۶۱س ۱. فصل‌های۱۸و۱۹، درخت گوکرن، خرسه‌پا و مرغ چمروش.
صفحه‌های۶۱ س ۱–۸۲ س۲. فصل‌های ۲۰–۲۱، درچگونگی رودها.
صفحه‌های ۸۲ – س ۲– ۸۷ س ۳. فصل ۲۲، در چگونگی دریاچه‌ها.
صفحه‌های ۸۷ س ۳ – ۸۹ س ۳. فصل ۲۳، در چگونگی بوزینگان و خرسان.
صفحه‌های۸۹ س۴ – ۱۵۵ س ۱. فصل ۱–۱۰. زند آگاهی وآفرینش دام، روشنایی و وظیفه آن، حمله اهریمن به آفرینش، جنگ با گاو نخستین، ستارگان و اختران، حمله اهریمن‌به آسمان و آب و زمین و درختان.
صفحه‌های ۱۵۵ س ۱ – ۱۵۸ س ۱. فصل ۱۱، در چگونگی زمین.
صفحه‌های ۱۵۸ س ۲ – ۱۷۱ س ۳. فصل ۱۲، در چگونگی کوهها.
صفحه‌های ۱۷۱ س ۳ – ۱۷۹ س ۱. فصل ۱۳ در چگونگی دریاها.
صفحه‌های ۱۷۹ س ۵ – ۱۹۷ س ۱. فصل ۱۴ در چگونگی پنج نوع جانور.

صفحه‌های ۱۹۷ س ۲ – ۲۰۴ س ۶. فصل ۲۴، ردمردان و جانوران.
صفحه‌های ۲۰۴ س ۷ – ۲۱۵ س ۴. فصل ۲۵، اندرکار دین.
صفحه ۲۱۵ س ۴ – ۲۱۵ س ۷. فصل ۲۶، اندر اندازه ها.

صفحه‌های ۲۱۵ س ۷ – ۲۲۷ س ۷. فصل ۲۷، در چگونگی گیاهان.
صفحه‌های ۲۲۷ س ۷ – ۲۴۶. فصل ۳۰، اندر رستاخیز.
صفحه‌های ۲۴۷ – ۲۵۲ س ۳. فصل ۳۲، خانواده پوروشسب.
صفحه‌های ۲۵۲ – س ۳ – ۲۵۶ س ۶. فصل ۳۴، اندر هزاره‌ها.
صفحه‌های ۲۵۶ س ۶ – ۲۵۸ س ۶. زد و خورد آفرینش با اهریمن.
(سنج. متـون پازند از آنتیا ص‌ص ۵۹ – ۶۰ س ۶...)
برای متن به مقاله مری بویس (Mary Boyce) بنـــام Middle Persian Literature در Handbuch der Orientalistik Iv, ii.1 (Iranstik) Leiden/Köln چاپ ۱۹۶۸، ۴۰ ببعد و ۳۹ با یادداشتهای مربوط و برای فصل ۱۹ "شایست نشایست" به The Supplementary texts to the sayest ne šayest از ف. م. پ کوتوال (F.M.P. Kotwal) چاپ کپنهاک ۱۹۶۹، ۷۶ – ۸۰ و ۱۱۰ – ۱۱۱ رجوع شود.

ماهیار نوابی

حقیقت کیومرث

[illegible]

بنام دادار اورمزد

[illegible]

અમરનેદ દીન પવન મરદોમાંન ચશ્મની મદમ

بر چگونگی مردمان در دین گوید

[illegible]

બના તોખમ ચહીરશની બના દેન ગાઈઓમરદ ઝાગા

که کیومرد اندر بکندشتن تخم به

[illegible]

બના ખુરશીદ રોશનાની પવન તોખમ ઓઝ દાબૂનત

داد آن تخم به رفتن خورشید به

[illegible]

દાશાત નગારશ નેરીઓશંગ બહાર ૨ પાલફ

داشت نگاه نیریوسنگ بخش دو صاف شد

[illegible]

૫૬૨૨ત

و بخش سپندارمد پذیرفت چهل سال

[illegible]

શેતર ૧૫ શાસ્ત્ર [illegible] ઝરપ [illegible]

نهال صورت یک ستون پانزده سال

[illegible]

અમાઉ મન મનૂનીઆંન મશ્ન વરગ મદમ પંજ

پانزده بلند برگ مشی مشیانه از زمین

[illegible]

૨।।ન અમાગ કુમાનાઉ ઇયવાન ઊમનદ રોશન મદમ

بر رست اند مشال که اوشان

[illegible]

ઉંદ અો અઇઉ અઉનીમનાદ રખાર દોશ પવન દુદમન

دست به دوش باز ایستاد یک و دیگر

[illegible]

ઊમનદ નવનાન દ્રમીશઉ દમવશન પતોશાન

پیوست ناهمراه همت بوده اند

[illegible]

નાઈતઉનાન મદમ ઙ દો ઝનાં મીઆંને અમનશાંન

از ایشان درمیان ۲ دو دست بر اورد

[illegible]

પેશાઝ વા અમાગ ઊમનદ બૂદ ઉઝરયેશાં મદમ અયવાન

طاهر نه . که اند بوده همراه بلند

[illegible]

નઉ ઝદાંમ વ વઝેદ ઝદાંમ વ નઝેર ઝદાંમ અમાગ

که کدام مرد و کدام زن و کدام آن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و خره هورمزد باز نیست چون گوید که

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کرام بشدار خره یا تن اورا کفت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هورمزد که خره پیش تن داد پس او

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آن داد الستید اندر تن داد و خویشکاری

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بیداکرد و تن به او خویشکاری داد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ازاو گذاردن این که روان پیش داد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تن از او هر این اورمزد صورت به او

[illegible]

~~[illegible]~~

[illegible]

~~१ तेम्होर ... रनीमीरीआसनांम्प्रादमीछे ... रेम्यतेज्योरेछे ...~~

مردم صورت گشت اند ان خره مینوا

२ रेथ्यऊं अने आदमीनी ... रेतेरे ... ताछुतां

[illegible]

... कलम शोभांन आवीत ... परमेश्वर ... दातार

خره اوشان نوید است روان انگون په ان

~~... पेदामीथ ... मीनो ... अपेज्योछे~~

~~[illegible]~~

[illegible]

अवन ... रोशन ... दरखत ... गोरीछे

پیدا کرد درخت بالا رست الستید کر

~~... रतेल ... स्थाप ...~~

[illegible]

आरे ... गोथ्याल ... मरदुम ... १० ...

یک مردم کفشش خورفرد او

~~... नांमदातारे मरीमरीम्यां ... पेदाथाउम्यो ...~~

[illegible]

... कुमनेह ... मरदुमशीमन ...

ستیهشیان که مردم هستید پدرش

~~... आदमीछे~~

[illegible]

... मीनशीनी ... अवम ... कुमने ...

کیهان است مینید پر نشستن بلند

~~दातार ... रेसीखूप ...~~ ... ~~... नांम ...~~

~~... रानीम्पा ... ती ...~~

[illegible]

... मीनशीनीरी ... दीना ... दादार

داد کار انصاف پر نشینها کنید

~~... तेछे हीनतां ... मरजम ... मनरी नीऊजरे~~

[illegible]

अथाहमीअटोबीज्ञानजु

હુવરશ્ત પતમનૂનેઈ હુખ્તપમીનેઈ હુમત હુમતેઈ

ستید همت اندیشید و هوخت گوید و هورشت

દો ફના પરમોરશા ઝરીનેઈ અમ્મો શેહુંન પરીનેઈ

کنید دلوان نه اقبا کنید روشان ر

દુ અમો ઈઈકુ શાન અમાના માનીઈ ગોમદ પરદોમ

اول این اندیشید که ایشان یک او دیگر

ઓઈદમદ અમણશાન અમીન મરદુમ અમરગાશ રામીનેઈ

رامش کنید کو او مردم هست زرشان بخت

અમણશાન હુમઈ રપત વના અમમદ કરઈ ગોમદ કુનેદશાન

کردید این کس که به رفت هست ازرشان

ગોમદશાન પરદોમ અમણશાન હુમનદઈ માવ્ઝઈ વના

به شانشید هست زرشان اول گفتش

ઓમીજ માઅમા દાઈ અમનહોમા અમાના ગોરદદ ગોમદ

این گفت که ناورزد داد آب زمین

و اورور و گوسپند و ستاره و ماه و خورشید

و تمام نعمت که از اشوی ظاهری

بیخ بر ازشان پس بیتیاره یعنی دیو به منشن

بر دوید ازشان منشن به خراب کرد

ازشان درایت یعنی گفته اند که گناه منو

داد آب و اورور و گوسپند باقی چیز

با گفت آن دروغ گفتن به موافق

~~અરદાવીરાફનામુ~~

[illegible]

ફોરફ્ગસ્તાન નશ્તિ મહોનદ ગનાહ ગોયત શકાન

دیوان کفت گناه میو تخت

[illegible]

દરોગ ઓશાન ઇન ખ્વેશ કરદ ... મન

از اوشان این خویش کرد په آن دروغ

દેવોનેઓનેશરગાંઆપ્યા

[illegible]

ગુફતન હર ... દરવંદ બુદ હસ્ત ઓશાન

کفتن ... بر ... دروند بود هست اوشان

[illegible]

રવાન તા તન પસીન અંદર દુઝખ ઓશાન શુદ

روان تا تن پسین اندر دوزخ اوشان شدی

[illegible]

روز ... خوردی شد بود جامه سیاه پوشیده

[illegible]

پس از ... روز په داشت فراز رفته اند

[illegible]

او ... لایق شد رسید اند اوشان

پیدا شد

دتان شیر از پستان دوشید که ایشان شیر

خورده بوده اند منی او

مشیاک سختی کو من از آن کمس نه

سختی مرا شیر آن بود خورد

سخت من اکنون هست که من خورد من پ تن

بد آن دودیکر دروغ گفت دیوان

او چه بلند رسید ازشان میوه خوردی ب

બના બહીર અહુ બહીર ૨૯ મન અગ્ગ અવીન

ابرد شناند و از ضد حیصه یک حیصه پ

દ્સૂરતાંફૂતાં

અટો દહીઝાર શબનાંન બ્યમ રઉ પવન અથહર બાંનદ

باند پس په سسی روز شبان دو دیگر رو

અનબીનાન ... કુમનદ મદ ગોશંદ

کوسپند رسید اند بزرگ سفید اورواز ازشان

શાજેદગુબરવઝરાંતે

શામશાર ઉનાર દારે મન અનબીનાન કુશતે બના

ب کشتید از او از درخت کنار پیاز

પચર શોઇરા બહુ થઈ મારતાં

દ્યાનશ મદોનદ ઓઝાંન નમુદાર્રશ પવન

پ نمودن ... مینو آتش

અનશ દાર દો ઉના વરમોશાંન ઓ મમન રમીનઝાન

افکنند چه او اوشان هر دو درخت آتش

રઝઝ્રગોશાનિકૂરતાં

આતશ પોમમન પવન અનબીનાન કુમનદ દાદારતર

دارنده تر اند ازشان پ دهان آتش را

... આતશને કૂઉતાંફતાં

[illegible]

કુનદર કેહેકે ચીબા [illegible] આતશાન ઇઅરશેખત

હુરમાંઝોતમાંઝોતની بزم تخت ازشان افروخت

[illegible]

આતશાનશેઓ મોરદ ખ્રેરમ પેશો કેનાર

ازشان سوزید مرد خرما پیش

[illegible]

આતશાન [illegible] ગોરીઅદ

ان گوسپند سیخ کرو ازشان [illegible]

[illegible]

ગોમત શેઓનત આતશ ગોશત મશા મોશત

گفت هیأت آتش اندر گوشت اندازه گشت

[illegible]

દીગર [illegible] મન આતશ બહેર ગોમત આગ

دیگر ان از آتش حیصه این که

[illegible]

ગોમત આગ ગોપત રવાદ આશમાન ઓ પારહ

[illegible] که گفت بت آسمان او پاره

[illegible]

કરકશ મોરૂંગ પેશ મઝ ઇઝદાન બહેર

کرکس مرغ پیش از ایزدان حیصه

[illegible]

حقیقت مردان

[illegible]
[illegible]
بلند رفت که او به برد چون

[illegible]
[illegible]
اول کوتت سک خورد ازشان تحت

[illegible]
[illegible]
جامه پوستین پوشید پس به دشت

[illegible]
[illegible]
آن جامه به

[illegible]
غاری
[illegible]
گرد گفته اند ازشان به زمین مغ

[illegible]
[illegible]
به کندید ازشان تا بین به یافت ازشان

[illegible]
وتاوه
[illegible]
پ سنگ به زد ازشان آوتابه به

کارد ازاو به زد ازشان درخت از او برید

آن درخت از آن دمال یعنی مکان آراست از آن

نیک سپاهی [illegible] کرد دیوان ستم کار

بوهم اند ازشان خود به خود

آن بد حسد بر برد یک به [illegible]

دیگر بلند رفت هست زند

و گذرد [illegible] بس دیوان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از تاریک بانک کرد که مردم هستید دیو

[illegible]

[illegible]

ایزید تا شارا ارتنگ دیو نشیند ستیی

[illegible]

[illegible]

په رفت و شیر کاو دوشید او او اختر

[illegible]

[illegible]

پیش اور ریخت په آن دیوان انجمن تر

[illegible]

[illegible]

بود اند ازشان اوشان چهر گو ایدون

[illegible]

[illegible]

خشک زنگ بود اند که ایشان په

[illegible]

[illegible]

پنجاه زمستان یعنی سال مراد په آلودگی

[illegible]

[illegible]
અનાઈ કરદ કુમગોમેન્દશની ... અમત ...
نه بود که ایشان آلودگی کرد ایدون

[illegible]
પવન ઓનજાન બા ઉરજુનશની ફરજંદ શાઈ
ایشان فرزند زادی نه بود په

[illegible]
ખાહેશને મે પે શનત પનજાહ તુમામી
تامی پنجاه سال په عرق خواهش

[illegible]
મહરીને આહર વ મહરીહ નન્શીત મદ ફરાજ
فراز رسید تخت مشی و پس مشیان

[illegible]
અમત આપાગ મહરીને ઓ મહરીહ વ ગોપત અમત
چه گفت و مشی او مشیان کو کر

[illegible]
બાલા મરી ર ... અશાનઅમ ગોબમ રઉ ગોમત
این تو کویم بنیم آن جهان که بالای

[illegible]
બરાદ આપાગ ગોપત મહરીને આહર ખેઝેદ
خیزید پس مشیان که گفت برادر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مشیان که آن تو گویم ~ بینیم

[illegible]

[illegible]

آن من گویم درفشید پس اوشان

[illegible]

[illegible]

مراد او هم رسید که ایشان مراد گذارش

[illegible]

[illegible]

زادن کرد زیدون بر اندیشید کو ما آنچه

[illegible]

[illegible]

پنجاه سال کار این بود از اوشان

[illegible]

[illegible]

زاد په نه ماه دوخت مرد زن

[illegible]

[illegible]

از ششپیش فرزند یک مادر از یک پدر

جدائي جفت پس هورفرد شيرين فرزند از اوشان

باز ستانيد تا فرزند پروريد و فرزند به

نابي ازشان هفت جفت از او بوج

اند مرد زن برادر همشيره زن

بود اند ازشان هر يک پ بچاه

سال فرزند ازو زاده اند و خور

پ صد سال به مرده اند از

كدا

આરદમીઓના બીજાં જોડા

હેતુનાંમ-દશાક-નાંમેજેછે

આ હફત જોડાં મશ્યાગ ... મરદ નામ ...

آن هفت جفت یک سیامک نام مرد

و زن ازشان نશાક جفت ارش زاد که

زرواک نامનો ... فرواک زن مرد

نام بود هست ازشان پنجاه پانزده جفت زاد

هست که هر جفتی چهارا سرده بود

دنیا پیوند پدوند ازیشان پرورش یعنی رفتن

ازش بد از هر پانزده سرده

[illegible]

دیوان نه سرده پ پشت کاو

[illegible]

سرسوک آن پ پرانگرد زرهٔ او دریا

[illegible]

آن شش کیشور خوادیگر کذارد انجا

[illegible]

بود هست و شش سرده مردم پ

[illegible]

خنرس از آن اند مانده شش سرده

[illegible]

جفت مرد تازه و زن تازه نام بوش

[illegible]

هست دشت تازیکان شد هست

جفتی هوشنگ مرد و زن [illegible] نام ازشان

ایران از اوشان بود هست و جفتی

مازندران ازان بود هست پ

آن پ شهران آن پ دروند شهر

آن پ تورشهران آن پ سلم شهر

هست روم آن پ سند شهر آن چین

آن پ دای شهر آن پ سند

حقیقت مردمان

شهر آن به هفت کیشور تمام از پیوند

فرواک سیامک

هست چون ده سرده مردم پانزده سرده

از فرواک بود بیت پنج سرده تمام از

تخم کیومرد بود هست چون زمینی

از ورکوش ورچشم یک پای انجه از

که پر دارند چون شابیغ درندگان

زادن بر چکونکي دارند تن

گويد پ دين که زن که از دشتان

ب ايد تا ده شب که اورا او نزديک

شوند پس ابستن بود که از

دشتان البسند شويد که ابستن

زمان رسيد است تمام حکم

[illegible]

[illegible]

قوت نیرومندتر پسر که آن زن نیرو

[illegible]

[illegible]

مندتر دوختر که هر و رالت تخم دو

[illegible]

کانه ـــ کانه

[illegible]

کونه سه کونه ازان بید اگر تخم

[illegible]

[illegible]

مرد بیش آید او ماده افزاید ازان

فروا [illegible]

[illegible]

بید اگر تخم ماده بیش اید

[illegible]

وزارش [illegible]

آن بید ماده ازان گذارش تخم ماده

[illegible]

[illegible]

سرد و تر تیز رز بهلو

شیخ و زرد و تخم مردان گرم و خشک تیز

از مغز سر سپید گونه تمام

تخم مادگان پیش به اید اندر

کره کاه بنجان گیرد تخم مردان بالا آن

به الیستد آن کره کاه پر به

گیرد هر چه زنان به باقی ماند

باز او پیش سپید به ریزد مادگان

انرر شود پ وقت که به زاید شیر

بید ازان پرورید چون تمام شیر از

تخم مردان بید ان ان مادگان اینی

چهار چیز نر ماده گوید آسمان یوخشت

باد آتش نر هرگز جدتر

نه بید ان آب زمین اورور ماهی

ماده هرگز جدتر نه بید باقی

[illegible]

[illegible]

پیدایش چون ببید او ماده و نر آن

[illegible]

[illegible]

ماهی را گوید که به وقت فرزند

[illegible]

[illegible]

خواهشنی به آن رود آب یک

[illegible]

[illegible]

فرسنگ دراز که هست چهار یک

[illegible]

[illegible]

فرسنگ چهار به آب بلند رود و باز

[illegible]

[illegible]

اید اندر آن امدن شدن عرق

[illegible]

[illegible]

کالب بلند ساینید ازان عرق

[illegible]

[illegible]

آیین یعنی طرح میانه ب اوفتید هر ۹ آبستن

[illegible]

[illegible]

نبید بر چکونکی آتش گوید ب

[illegible]

[illegible]

دیبن کر پنج طرح آتش پیداکنم برهینیده

[illegible]

[illegible]

گوید چون آتش برزه سونکهه

[illegible]

[illegible]

آتش پیش هورمزد خدا زیادشود لوینروشن

[illegible]

[illegible]

آتش وهوفریان آتش آن اندر

[illegible]

[illegible]

تن مردمان و کوسفندان آتش او روان است

[illegible]

આતશોનીકીમત

[illegible]

આતશ ઉરવરાંન દીન જો આતશ
આતશ ઉરૂઅરની અંદર તે આતશ

[illegible]

(શાખીઆેન પહારદ અવર પવન જો આતશ વાજ્શત
(રશાક
(શાખોજા મોઝાબેળવાળ્લ માંહે તે આતશ વાજ્શત
(રદેવની

[illegible]

શાપડેનેશાત આતશ જેનીમુનેદ ઝોઅશાંકન પવન
શાપેાશાત આતશ ફીતોરેદેય ઝોશેશ માંહે

[illegible]

ઉાર ચશ્ગેઝાંન પવન જો આતશ
ઝાંમ માહેફનીઆં માંહે તે આતશ

[illegible]

પરમોશાંન મન વહારાંમ આતશ દારીનદ
તેનાવો થકે બેહેરાંમ આતશ રાખેય

[illegible]

હો ઝના ઝુરેશનય મીમા અંફુઝ આતશ પનાહ
(બેફ ખાંણસ્થા-પાંણી અેઝ આતશ પાંચ

[illegible]

અફ્ઝ મરદોમાંન ત્ચને દીન જો યગાન વશાતમૂનદ
(ફ્ઝ આદમીનાં તન માંહે તે જેમ ખાફ્ય

આતશોની કુમીઝત

[illegible]

મગીહ પસ્તગ્નેદ ના ઓરૂહીહ પશ્તગ્નેદ મીઆ
જેમ આતો નથી આંગર આદિય પાણી

[illegible]

આતશ પ ઉર્વેદ મીઆ પથહ મયહ ઓરપરાહ દહીન જેકે
આતશ અને જીવેય પાણી થી કે ઉરૂઆર મોંદ તે

[illegible]

પશ્તગ્નેદ ના મીઆ ઓરેદ ઓરૂહીહ અજુંકે
આતો નથી પાણી આદિય અગાર કેજ

[illegible]

દારીનદ ઝાર પવન શતર પવન જેકે મગીન
રાખેય ઝાંમ મોંદ દુનીઆમાં મોંદ તે જેમ

[illegible]

મીઆ ના અજુંકે પહારાંમ આતશ
પાણી નહી કેજ બેહેરાંમ આતશ

[illegible]

આતશો મગીહ પુરશીન ના પ પશ્તગ્નેદ
આતશકેજ જેમ આંગર નહી અને આતો

[illegible]

દહીન જેકે બેરેજે શકીઅંધ જેકે પહરાન
મોંદ તે બેરેજે શંગા તે બેહેરાતજો

[illegible]

[illegible]

[illegible]
અનફ્રોમા જુનદહશન મન મનદોમ અવાંની ઝોય • અમીક
ફ્રોરમજદની શરૂઆત થી ચીજ બીજી [illegible] અમીન

[illegible]
પારાયાંની પવન પરમોશોન મો દાબુન ગાદમ[illegible] પગીન
પારાબાંની માંહે તેનાવો તે આપેમા [illegible] એમ
[illegible]

[illegible]
મોરેદ [illegible] હઇન પપરશીદ હમા ગોહોન પનાહુન પ
પાદશાહી માંહે فرون તમામ કુનીઆંની [illegible]

[illegible]
તોના પોશતે પવન મરદુમ માગ તહમુરસ્પ
ગાવ પીઠ થી આદમી ઇમાને [illegible]

[illegible]
ઝેરાવર આપાંની મો ખુનારસ મન શરરશામોક •
મુલઝમો તમામ તે ખુનરશાવાં થી શરરશોકે

[illegible]
જોર મઝોનાર સેલીમા કુમનાદ પદારદ હમા
જોરેહેનો દરમીઆંન રાતનાં છે ઉઝનેલા તમાંમ

[illegible]
મવનક ગારા ખાતન ગારૂ આતન
ઝેતો ગાહ આંદર ગાહ આદર

अातशोनीहुम्रैकृत

[illegible]
તોનાં પોશ્તે પવક પાગીઈ બનરોઈ દાદિ આતશ
ગાગુની પાક થા જેમ હોઈ તેમો આતશ

[illegible]
રોતમનુવાદ મયન જીનીમૂનોઈ કરદ જીનાકે ૩ પવન
શાથે પવન જે છે ગ્રહેના જગો માંહે

[illegible]
પરમોશોન વપસ્તનશીન મો બના આતશ
તેનાંથો પે ગ ન આતશની

[illegible]
ગારા જીનાકે પવનગારહ ૩ પાગીઈ આતશ ૩ કના
જગાહ માંહે પુરેજેતરાગ જેમ આતશ તરાગાહો

[illegible]
વખશેદ કમા તોના પોશ્ત પવક આતશ
રોશનથાઈ તમામ ગાગુની પાક થા આતશ

[illegible]
મરદોમાંન જે બનરોઈ બના રોશ પદ હુંમનદ
આદમીઓ તે થાઈ રોશન તો છે

[illegible]
ખોદાઈ દાદ જેમ પ પરીશનદ રખાર જેરે પવન
صاحبی وجنبیدانه کزرد પાછાં દરીઆમાંહે

[illegible]

આતશોનીઝીફ્રીકુત

[illegible]

૩ ઝન બરસ્મોરીઆંત આફ્રીનાગાન બરન ઝરઝ ફ્રમાઝ

ઈ ,, તેનાંવો ઈઆરી થી ઝાંમ તમાંમ

[illegible]

૬૨૬ ઓ આતશનસ્રોખન અઓન ઝરઝ અબારત અવતશ

داد او آذرفروباه تેને بسیارتر کرد આતશની

[illegible]

ઈતીખુનશન આરઅન રબન ઝોય ફ્રમઈ ગાહમન રબન ગાઝ

کاه و خره منز و کوه થી خوارزم نام شهر نشست

આરઅન-પાદ્યાનાંમઝે

[illegible]

ગહમજી મન અમ ગાહમન ઝરીનીદ અના અમ મખનશાંત અનીમૂનીદ

که و جمشید خره کرد و جمشید તેનાવોઝે ઈ

[illegible]

અરાધ ૬૯૪ بوجید આતૂનસરોબા ૬૬૨૭.

પાદશાહી માંહે ઝોહાકમા آذر فروبا ضحاک

~~ઓઝાતનેતેરાતમીધીતેહે આદરસ્રોબાહીઠીઓ~~

[illegible]

મઉ હીન મન બેહાની રબન મનઝા પરતારીય

થી હીન થી બેહેરાથી થી પાદશાહની کشتاسب

[illegible]

ઝરથસ્ત ઝાવલશાનાંન રબન ઝોય રોશન ઓ આરઅન

ઝાબુલ ઝાવલશાતાંન માંહે પાદ્યા રોશન તે આરઅન

[illegible]

જતરૂનેર તમમન કનસ ચગીન ઇતીબ્રુનશ્ત મતા

રૈહેચ તેજગો ઇવડા જેમ બેઠા ગાંમ

[illegible]

ઇરૂ પવન કેઅશરારોઇ ઓહાઇ પદ આઇતરગોશશાય

તે માંહે خسرو પાદશાહી લગી આદરગોશશાય

[illegible]

અમન ઝરદ ઇમાઝ ગેહાંન પનાહશ અજુઇને

કે ઝીઇ તમાંમ દુનીઆંની پناهی آمدن

[illegible]

ઇમા યેયેશાત પરે [illegible] અોઝ્દહાનરગોશાતનામછહ્વઇસયેશાતપરજેઉ

તમાંમ صحبت [illegible] કેઅશરારો

[illegible]

તરર પ નશેશન શોશણા જુની મો મહમ ઝરદ

تار و شت اسپ ઞીઠ તે ઊપર ઝાંઘો

[illegible]

آزرجان પદ ઝરદ બના રોશન ઓદ બના તોમ

تاپان તો ઝાંથી ~ રોશન زر ~ تابان

અોન્દહાનરઇમાનેમેયેશાતપર

[illegible]

આતરુ કોય અરશાનઇપવન તમમન ઇમ પશ આપવરઇ

آدر اسپندکوه بہ آنجا ہا اورند بہ

[illegible]

અ્તીગેઠીઝ્રીઝ્રુત

[illegible]

આવન કુતીઅ્નસ્ત દાદગાશ્ર અ્ો અના ગોશ્રશ્રયે

આદર બેઠ દાદગાદની તે માંહે ગોશ્રશ્રયે

[illegible]

ફ્રમ શ્રદો વશ્રતાશ્રય ઓદાઈમ વદ બુરજનમહર

ની શાહની ગોશ્રતાશ્રય પાદશાહી લગા બુરજનમેહેર

[illegible]

ફ્રમા પનાહેશ્ વજીદ ફ્રમા ગેતીંન દહીન અહૈદને

તમામ દુનિયાં ની તમામ દુનીઆં માંહે તરફે અ્સતીઆરઆરકીધા

[illegible]

નઈતગુનદહીન નરતોહેશ્ત અનોશ્રશ્રોબાંન અમત કરદ

ઓરદ અર નરતોશ્ત અનોશીરોઆન કે કીધી

[illegible]

વશ્રતાશ્ય કરદન અવેગોમાંની દીન રોબાગ પવન

ગોશ્રતા કરવાને બેગુમાંની દીન અચારવાને વાસ્તે શ્રયને

[illegible]

ફ્રમન દ' બજુનીઅ્નાદ ગેહાંન દીન પવન્ પનહ્દાન વ

છે ફૂલેલા ફીદાંની દીન માંહે ઝરહંદોહે અઠ

[illegible]

આગ્ર રેવનાદ ઝોર પવન વશ્રતાશ્રય

ઈઆનો રેવનાદ પાહ્યા માંહે ગોશ્રતાશ્રયે

स्यातरोसनीयुईक्गत

[illegible]

દાદગાહ મો અનતેર વશતાશ્પાન પોશત

દાદગાહ તે કેડેય વાશતાશપાંન પોશતે

[illegible]

ગાતશ આતરાંન ઙ્ભુ પરમોશાન ફ્તીબૂનસ્ત

આતશ આદરાંન વરાગહો તેનાંવો બેઠા

[illegible]

શતા મરતર અમત તપન ફ્રમાઙ વહારામ

دنیا آتش که تن تمام બેહેરામ

[illegible]

انگوشیده મહ્મ્રાંન પ્દશ ગુદમન અને મસઢશાન

پیدا کرد تمام તેમો ... તે તેનાંવોથ

ازان

[illegible]

અમીતર ઇપશકોમન દશન અમત મરહમાંન તપને

માહિનાં પેટ માંડ કે માદમાહ તન

[illegible]

ઉતીબ્રવોદ દશન મહીનદમન રોખાંન ઓનવોદ ...

એશે માંડે મીનો થી રવાંન ફોઈ બૂલંદ

[illegible]

અને અમત રાઈનેદ દશો જીવનદ્દપદ તપનઅને મયન

તે કે ... તે જીવત લાગતન તે કે

॥૯

پیدائش دریایی هوم

[illegible]
ગોમાન્દ જ્મીક તપન ઓ તપન જ્મીત્નેદ પરોદ તપન
મલે જમીન તન તે તન મરે નીચે તન

[illegible]
પજ્રૂનેદ મહોનદ ઓ રખ્તાર રોષાન
જાઈ મીનો તે પાધ્રૂ રવાંન

[illegible]
જાત્નેદ ઝરીત્નેદ દરખત ગોકરદ પતગાશી મદમ
કેડેલ પઠેલ درخت هوم چکونکی ઉપર

[illegible]
ગોગારદ ઝપમત નખોશત રોજે ઝમાગ દીન પવન
گوکرد કે પેલે روز ઈમાનદીન માંહે

[illegible]
પરાંઝરદ જરેદ દીન ઝરીત્નદ દરખત
પરાંઝરદ જરેડ માંહે પઠેલ درخت

[illegible]
જુની મૂનેદ રોશન ગર જરર જુ પવન
ایستید છે ઉગેલો کوه زرف તે થી (ઉંચો)

[illegible]
મમનશ આવાદ દીન રરશાગરદઝરદારી પવન
શું જોઈંદ માંહે ઝમાંમત માંહે

پیدائش دریائی ہوم

[illegible]

ગનાઝમહોતદ વેરાથીતદ ઇઅનશ ઝઅનોરરગ

ગનાહ્યુમાળાે آرائید નથી بیمرکی

[illegible]

મામા જજર જજે દધન દઈત ડમેશાતાર આો જજે

ધાંણીક્ષ્ટ તે ? માંહે કુદરતની તે તે

[illegible]

જ્ઞાનીમતીદ ઝરીનાદ દઈન ઢમેશાતાર આો પજાો

છે આધારો માંહે કુદરત તે હું ઝરમબ

[illegible]

રખાર ૫ [illegible] પનારીગતદ બના હોમ જજે ઝસરા

પરદાો [illegible] ? ડોમ તે ઉમાત

[illegible]

૧૦ અનહોમા રા પજાા જજે દારારનરાની

૨૨ ડોરમજહે નો દેડઓો તે રાખેલાં

[illegible]

મધ્યન જ્ઞાનીમતાદ દરબ્નનાત તમમત મરહારીમેનર

કે છે આરાધે તેજાો [illegible] [illegible]

[illegible]

ગારહીતદ હમા ડમવાર હોમ જજે પેરામ્નો

રહેમ તમામ ડમેશો ડોમની તે આરાધાશ

پیدایش دریانی هوم

[illegible]

રોઇશામ માહીઉ ત્જે મન ઈથ્રુઉ ફ્રમા. વદ

શાર માહી તે થી એક તમામ તો

[illegible]

માહીગાંન ચરમોશાંન વન્ગા ફ્રમવ વન્ગા અને

માહીઓ તેનાંચો દેડજો [illegible] و [illegible] તે

[illegible]

ના ચોરશૈન શરાંન અાગ (ફ્રમનાદ ચ્રુશીગ મદોનાદ

નહી ચાંગ્રુ તેનાંચોનેઈમ્યાઉ [illegible] خورش [illegible]

[illegible]

કોમ્યશાશાન વયુન ઝરશીગારદ વદ ઈયાયાઈદ

જુદાઈ માંહે ઝમ્યાંમત લાગીનું લોઈદ

[illegible]

માહીઉ ત્જે જીનાઉ ઈયથત ત્જુનીમ્નદ

માહી તે જાગો છે છે

[illegible]

ચમીન ત્જુનીમ્નદે નવશાન ઈયાચ્રે અરેઠ

જેમ છે ચોડોરુ [illegible] [illegible]

[illegible]

દાંમાંન ઈયનાહોમા ત્જુ મહશીન ઈઆગ ત્મરનેદ

ચેદાહીશા હોરમજદે તે بزرگ ઈમ્યાઉ ઓઇસ્ય

મહોનદ ગાનાઝ ન્ઝુ મહુશાત માહીઝ ન્ઝે

મીનો ગાનાઝ તે મોટી માહી તે

પરમોશાંનમહુાન મવન નોજર નવન પવનવનગા ન્ઝુ

તેનાંવો દરમીઆનજે ઊડાં તન માંહે દેંકો તે

ન્વીદ મેહીનદ બન દામોન દો જના મન બ્હદ દહેલ

ન્જી નેશાતજરે ૮ ખેદાઝિ બેકુ દર થા છે માંહે

વાશોપંમાશાઇમરાન મવિન મવન માહીઝ મઝુઝ ન્ઝુ

واش یجمدوا ران

છે ઝે માટી ઉઝ તે

મ્આગ ન્મેનરનેદ ગોમનમ

ઊઆંછ ઝેઝેમ ઠ વારાંપરાદઉમ્રાંન માટીનુનાંમરછો

દરાજે દપનદર મારાહો મવાન માહીઝ ન્ઝે

ان ابدر ستار

માટી તે

મારાસહીજા તરુ શોભેન દરાવ નેજર

الیداں سوزن آب زرف

परंगीलीतारवीतीर्थान्मोर

[illegible]

آب ازان به افراید یا

[illegible]

که کاید داید

[illegible]

را طاری

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ગોમનમહરવશ્ત જરથ મહ જે મન શાત્નુનેદ ત્વા
કે نام صورت بزرگ તે થી જાહે નહી

આવાંનીજ દાંમાંન શોહારશ્ન જે ઈમાન જાનનેદ
પરાગીની પેદાઈશ શારદારી તે ઈમાનો જેકેય

મરુંનો તોખમજુબદ પદ જોપંદ મમન રરહેશાત
દરમીઆંનતોખમ ધાગાં તો زير ریز بسیار

તોખમેમન્દ્ જેનામ્નુનેદ રોશાન પરશાંજરદ જદ
તોખમ તેહ છે ગોળાં જરદેરાંજરદની

પરારેશ મબદ મબઈન પદશ મોરવરાંન દુરવરાય
નેક કે છે તેથી ડુરવરો તમામ

મબદ મબઈન બન્શાજ તોખશાદ મપવમબઈન
કે છે طبيب ઓશોશ કે છે حكيم

મોથીઓદ નેપૂનો દહીન જાનનેદ બન્શીજ દ
ايها ان ابدا કેંડેમ ડકીમી તમામ

ઇહિદ

[illegible]

ગોરેશ્નો. સપેમેનદ . ઈસ્તાન ફ્રીરતેદ ફ્રેરેનેદ

پاسبالي آن البتّد برد

[illegible]

10000 ૯ ૯૦ ૯૦૦ ૯૦૦૦

દશહજાર નવ નેવુ શો નવ હજાર નવ

[illegible]

પાંચની ગાર ઓજે હોમ નાવદેદ10000 બેવરે ફ્રના

પારાવાન પાહરુ તે માંહે થાહી દશહજારદશહજાર હર

[illegible]

રપ્તીતમમહમહ મીમા આગ ઓજનીમૂનેદ દારૂનેદ ઈસ્તાન

માંહે તેઓથી પાંણી ઈમાહે છે આપેલ ايا

[illegible]

ફ્રસતકેશવર ઓ શારતનેદ પતાન ઓજે

ફ્રસ્તેકેશવર તે સાબેય ભુગદ તે

[illegible]

ફ્રસત પાતાનુ ઓહ્ર મીમાનુ ફ્રમાઉ પગાન ઓજી

ફ્રસ્ત માંહે દરીઆઓ ب تમામ જેમ ઓહીન

[illegible]

ફ્રસ્તમ તમમત મહ મશીમે ઓમાહ કેશ્વર

રહેણો થી આમીન કેશાવર

સાફ્ટે

[illegible]

જરૂર મકાન મારા જમનદે રા પાગારમઠ વળતા

જરૂ દરમીમારુઈમારુ કેદેસ નો પગાનાં તરાર

[illegible]

પશામ ૩ લગારમન મરજ જરૂનીમનેદે પરાંકરદ

મારુ તરાપગા તેથી છે પરાંકરની

[illegible]

તપછ મહ્ક રારોમછ ર ગોર [illegible] રાણદ રારા

[illegible] બેઠ [illegible] નવ [illegible] છમમ

[illegible]

અફલૂબન મછિત ખોરરજ મહોનદજ રાપીદ

મરશો છે ખરનાર માનોઈ રરરેદ

[illegible]

પશામગારરા રપછ ર પશામ ૮ જરૂ મળજ

પશામનીજગો માંડેબેંડ માંમ છામ તો તેથી

[illegible]

કોરાંનગારા રપછ દો રોડરામછ બાળપરાતો રપછ દો પ

[illegible] માંડે બે રારની ચુળંદી [illegible] બેમનો

[illegible]

તરવાનેદ કુમછદી રારૂ પશામ ૮ જરૂ રપછ

રારલેપ [illegible] પશામ છે તે માંડે

તારાકી

[illegible]

~~ખેરતખાતાનીહકીકત~~

[illegible]

૩ શરૂ પપ૪ ૩ ઉગુરદ ૯ ભુજે માઇતનેદ

ચાગશર મોટુંચાગ મોટોયાં નવ તે મારેમ

[illegible]

૩૪ા પરૂાનુજ નીમજે અ૪દ્રનો પપ૪ ૩ જેરાન પપ૪

ઠેર پہلو طرف اندر મોટુંનરાગ મોટું આંધા

[illegible]

જેરાળ મ૪દ ફળદ અળનુ મરાર کرہ અદ ગુરુદ

ભોંયો જેટલાં તેજ اندازہ کو જેટલા મોટોયેરે

દાર

આંધાઓભમાંઓમતાં

[illegible]

જે અનીતનદમમતમઈજ જના પાદ ૩ ભુજે પદ

મેલેપાં જે ભંગ ઠેર پائی નરાગ તે તો

[illegible]

અમતમેશ રગા ચંદ ભોજ પપળ ભમરનેદ

کو فند જે ઠળાર જેટલાં ભોલ મોટું ایستد

[illegible]

નગારચંદે ભોરદ્દર ભરતનદ રરોદ ગારદ કીતીનુનેદ

પગર નાંદીયો اید کردکرد فرود ستید

[illegible]

રગા શરોશાઆ રોતમન ગબના રગા ફળદસંદ

ઠળાર ગંઠોદોડો શગાપં મરદ ઠળાર જેટલા

[illegible]

[illegible]

ગોશ હૈ ભજે ૫૫ન પદીનીનેદ [illegible] ગોરહી

જાન છે તે ન ઉતરે તેમાંહે તેથી [illegible]

[illegible]

[illegible]

અમેજ તે ઝરે અરદ તે જે [illegible]

[illegible]

[illegible]

તેઉ ઠળર તેથી [illegible]

[illegible]

[illegible]

ઘારા ધે [illegible] ધે ધે ઉગોળા

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ને તમામ શરુવ તે માંહે [illegible]

[illegible]

[illegible]

ન મોર બહતર ખરવશતર જોરોશ

[illegible]

खोरेतलातानीहझाक़त

ઓરૂ દઈ ફમના ઓજે અમત તબલ્લનેદ બના ઓનેદ તબલ્લનેદ
ઓરૂ માટે ખર તે જે તોડે ય મારેય

ફમાઝ આરશામીદ બના ગોરીન ઓરેનેદ બના ગારદન
તમામ આરશામાંને માટે ઝંખ રાખેય પ ઈ
પોરોયેલા

પનાહીનેદ બના પનાહીઆંત પવન ઓરૂપરઝંઝરદ મીઆ
હીબચે ય હીબચેઆં માટે ઓરૂઝરાંઝરદનાં પાંની

ઝાબા અમત ઝતાંન ઝુશ્તે બના
بانگ دان طرف شنید یہ
જે

દામાંન અનઝીમા પઝદ આપાનીક દાંમ ફમાઝ પાઝુનેદ
પેદાઈશનીઝોરમન્દની માટે પાંનીની પેદાઈશતમાંમ ઝરેય

આપાન ખરપશાતરે ફમાઝ ઓનનેદ બના અપોશાતન
بی! ખરવશાત્ર તમાંમ શાદી ય આબાશાતન

બના રીઝુ પરામઝુનદ ઝરસા ઓજે અમત આપોઈ
ય રાંતાશોય પોઝરર તે જે اپنا

ऐरत्तलातानीहुशीरुत

[illegible]

જરૂ મીમા કુમાઝ માલ્લે જરૂ દહેન મમત રમીત્નદ

હીમાબાંપાંણી તમાંમ પાશાબઝરે દરીઆ માંહે જે નાંખે

[illegible]

કુઝતજેશવર પવનુ મહબ ભનનેદ બના ઇમ્નોઝમદાશાર

દરતેજેશાવર માંહે જે થાઈ ય પરાઝ

[illegible]

મીમા ય ... કુમનાઇ કુમાઝ મમત મીમ જેકે પવનમ જનીઝ

પાંની માંહે ખર તમાંમ જે ... તે માંહે જીન

[illegible]

મદ ઝપાગ જમનનેદ યગીન મીજનદ મીમા દહેન જમનુનદ

મગરહીમાહ જેટેય હેમ પીશાબઝરે પાંણી માંહે પાંહોસે

[illegible]

(કુમનદ દાબુનત લા મીમા બના નાગરમહઉ કુમનાહે

હોતે આવેલો નહી પાંણી માંહે પગલાં તરાણ ખર

[illegible]

મરુઝ મોમીબન મયશાનેદ જરૂ પવન મીમાદ ઉપશાય

હેઝ ... બરાબર દરીઆ માંહે પાંણી તમાંમ

[illegible]

મો મહમ ગનાઝમહોનદ જમાદન્દુર ઇમ્નોઝશાનાર

તે ફેપર મીનોગરનાહ ... ઝોરીશ

[illegible]

ખોરતલાતાનીઇઝીજત

[illegible]
અનહોમા દામાંન મરગ પવન જુનીમૂનેદ દહરૂનત મીઆ
ડોરમળ્દ્નપેદ્દઇશાનોમોતાનેવાસ્તે છે સેઈગાઉંળોપાંગી

[illegible]
હુમતા આઈમારઝ પવન જેદ મન મીઆ તેશતર
અરની ઈમારી થી જેહ થી પાંગી તેશતર

[illegible]
હુમબારત ગોરશગુનેદ અવીરતર ૫ રમનઉ
ستارہ بسیار تر ہم بلند નાં પગ તારા

[illegible]
અઈતિ ઘનગરગઉ હુમતા سرگین અનગ પેદાઉ
છે પગાનોલગા અર ઇગાહ ઈમાનો

[illegible]
આખુરીય અઈ પોરશાન અહોનદ ઝબહ અદ મમ
રર પછી છે આરાનાર મીનો ઘરગો અનાર રર

[illegible]
તપન ઓ રૂબા પવન અઈ પરવરશ નમી જે
ہے نم پرورش آب پہ روغن او تن

[illegible]
રમીતૂનેદ રમાર શરગાન کوہ پવન વહરેનેદ
નાંખ્યે પરહો آواز بلند کردن દર જાહિય
سرگین

ખરેતલાલાનીહુઝીશત

[illegible]

શીરશીરપઝ   કિ   ઙુઅઈદઈઅસોશી   તોના

گاو   هدیوش نام گاو   که   سریسوک نام گاو

[illegible]

પરહુમ   વૂનદકુશનરો   પવન આગ ઓમનરોદ   ઝીતનદ

આદમી અવળપેદાકુશ   મોટે ઈઆરને ઝેઠેય   પરહેય

[illegible]

ઝેશ્યે: વીરાગરઈ   પવન ઝુમનદ   ودار   ઝેશવર મન

مرگ   قیامت   در   منر   گذار   મોસઝ   થી

[illegible]

દસ્ત પઅ ઝેનદ   આગ ઓમનરોદ   વેરાઈનદ   અનેશ.

دست   بہ   زند   ઈઆરને ઝેઠેય   શરમારે   તેથી

[illegible]

ઓઈદ શરપ   શોર   પવન   મરદ   આગરે   આને

شب   سر   بہ   مرد   اگر   آن

[illegible]

પેરામુન   દરોપરીતે   વિશી   હનજેમન

گرداگرد   درشتی   بیش   انجمن

[illegible]

અફદી   ઝરશીગરઈ   અનદી   ઙીરીતઈ   ગરઈ

قیامت   اندالعینا   الیتید   گرد

سواد

ચમરૂશમૂરગનીહુઝારશ્ત

૪૯

[illegible]

ભગ્નજદ રા મોરૂન ચમરૂશ અપદઈઅદ

بایر تا جروشن مرغ را گوید

[illegible]

મન ઝબદ શરત ઉ ઝના અલબોરઝ-શર પવન અત

થી ઘણો વરશો ચારા ટેર અલબોરજનાશર ઉપર ઈઆને

[illegible]

વજેનતન પવન ભાતનદ ગારદ અો મતાઆન અનેરાન

ભવાન વાશતે انیر گرد ને શેહેર દરવંદોનાં

આવેચ એજડા

[illegible]

ભઈતગોનશન ગડાન ભડાન મતાઆન ઈરાન અો

વારવાને دنیا زبان શેહેરઓ ઈરાન ને

[illegible]

ભતન વુરજ આશૂન ઝરદન ગોશાન વનાશશની

ایزد برزو ایدون ઝરવાને ફનીઆને نرابکردن

[illegible]

ભગનઃ ઝાંમ અરૂગ રોશતાઝ બ્ઝર બ્જ મન

આવ બુણદ اورنگ ભગગ ઉડી ને થી

[illegible]

પવન ભઝનીઝુનો પાપા મોરૂન ચાંમરૂશ ભઝશ

થી દેઓ ઉપર મુરગ ચમરૂશ ને

મરશરાયદનીહકીકતથા.
ગાદ્દિમાહીની

[illegible]

હુમાઉ જેકે વલંદ બુલંદ જેકે હુમાઉ બાલેશાત
તમામ તે ઊંચા બુલંદ તે તમામ બુલંદી

[illegible]

દાનક મોરેન પગીન પાનેદે મતામાંહ્મનેરાંન
દાનાને મુરગ જેમ સૂનો શીહેરનાંને દરંદ

[illegible]

અનીનાશાત મોદા માગ જમનોદ રા ઝરશાયદ
જાનતોતો શાખુન ઈમાને કેડુંમ નો ઝરશાયદ

[illegible]

રોબાઝીનીદ દદરેનત પરેજમઝરદ મો દીન ગોપતન
જારીઆથી લોહીથી પરંજમઝરદમો તે દીને બોળવા

[illegible]

જમનોદ મોરેનાંન હોજુમાંનપવન મયશાતા તમમન
બોસેમ મુરગો જુવાન થી મયશાતા તેણો

[illegible]

જાવનોજરદ દહીન માગ જમનોદ રા માહીઝ નોના
હોકે દરીઆ માટે ઈમાને કેડુંમ પાશેને માહીને ગાયવ

[illegible]

મયોશાતન માહીગાંન હુમાઉ પાગુનોદ પાંગ મમત
હુમેલદાર માહીઆ તમામ ઝરે પોઝાર ઝે

[illegible]

પરંદાંનીહકીકત

[illegible]

બના રાદજ આવી પરવશાતરાંનો કમાઝ જાનરદ

ન બસ્યાં પાંગીપરવશાતરો તમામ થાહિ

[illegible]

દો બબા પાન પવન શોબાઝ શાળગ્મોરેન જાનરદ

دو در خانہ ماہی مرغ [illegible] بید

[illegible]

અશારોજેશાત મોરોઇ જાનવર કર્દ ગાંના

استوزنت مرغ بود کرد کانہ

[illegible]

શોઝનમારા મોરો પકમન ય જોબર મોરોઇ કે

[illegible] مرغ [illegible] و زبر مرغ کہ

[illegible]

દોજુમાં પવન અવશાતા માગ ગોઇદે

જુબાન થી અવશતા ઇમાને گویند را

[illegible]

અને શાકાન જાનવર માગ જીનીમંનો દાબૂનત

તેઉ દેશો કેડ્રુસ કે છે અંપુણ

[illegible]

નાખન દદરાનદ પા બના જાનાઝ જોકે વસરજાનદ

ناخن [illegible] جای [illegible]

[illegible]

પરંદાંનીહકીકત

[illegible]
બાઈકઝાંન શાકાંન જૂનીમુનંદ અપરશુદ ના અમત
બાઈયાં દેવાં છે. પરેન્દાં નહી કે

[illegible]
શશાતરનંદ મોરૂન જકે અને દુમાનાક તીર જોશાજુનદ
انازید મુરગ તે ને મીશાલ તીરની લેઈ

[illegible]
અપરશુદ અમત નાખુન મોરૂન જકે રા જૂતરૂનંદ
પરેન્દાં કે નખ મુરગ તે ને મારેલાં

[illegible]
અગ્ર પશાતમુનંદ જોશાગુનંદ જૂનીમુનંદ
ઈમાન ખાઈ લીઈ છે

[illegible]
ના અમત ઝરમાઈનંદ ના ઝાર શાકાંન પદ
નહી કે ઝરમાવે નહી કામ દેવાં તો

[illegible]
શાકાંન પશાતમુનંદ ના જૂનીમુનંદ અ..શરૂત
દેવા ખાઈ નહી છે પરેન્દાં

[illegible]
દદાંને આપાંની કોતાબાઈ ઝરદ પદ પનાર
درندگان باقی શાકે કરી લેથી ماند

مرغی

પરંદાંનીરુજીઆત

[illegible]

ખરવશ્તરાંન ઙમેશ્તારશ્ન પવન ઙમાજ મોરુર્ગાન

ખરફસ્તરો કુશ્તમની માટે તમામ મુરગો

[illegible]

અમન અગ્ન બ્બન્દ્રનો સગોન બ્બુનીમુનેદ દાદે

જે ઈઆહને ગ્રેડ્રે જેમ છે આપેલાં

[illegible]

ખરવશ્તરાં[illegible]મેશ્તારશ્ન ઙમાજ દદાન મોરવાંન

ખરફસ્તરો કુશ્તમની તમામ مرغان درندگان

[illegible]

ભાર ઙમાજ મોરુન અગ્ન બ્બન્દ્રનો ઓમેવ બ્બદુગાન

با زور મુરગા ઈઆહે ગ્રેડ્રે કે ભાદુવા

[illegible]

રા શાહીદ બાજ બ્બન્દ્રનો બ્બેશ્તર વરાગ

ને باز سفید થાય બલેરગત્ય زاغ

૭૫

[illegible]

જાશંગાન ગ્રનરુનેદ પર પવન મારશે અગ્ન બ્બન્દ્રનો

کاشکین મારેલ ૪ થી શાંઇ ઈઆહે ગ્રેડ્રે

પાશે

[illegible]

ઙમેશ્તારશ્ન બ્બો પવન બ્બરુનેદ મળખ મોરુન

કુશ્તમની તે થી મારેલ છે મોરગા

[illegible]
માનશાને રહમાન કરબુરશો જેનીમુનેદ દામુનાન
باشد بیر کرکس છે આવેલ

રૈહેનાર
[illegible]
દાદ રા પશાનમૂનાન નશા કરકાશ અશાન
آیا پیشاروی جلال ن کرکس است
આપેલો વાશાતે અવાર

[illegible]
તોનાઇ શારેગાર વરાગે અદ્દુનામ જેનીમુનેદ
کار سارکر زاغ અરવેશી છે
ગાસલાદ

[illegible]
આર દમાજ દદાં અબાબાની પાણ દગોરવાજેન કોરીજ
શાય નમાઝ درنگان આજી خانه کور بازون کوهی

[illegible]
નપઠ શાગાન આબાનીજ અદ્દુકમ પશાનમૂનાદ
વાશ્તે کان આજી હરવેશી આદિમ

[illegible]
પાનગી શારદગાન ગારગા દમેશ નરશ
પાશાનાની જાતની کرکس કીશામની

[illegible]
રોપાદ જેનીમુનેદ દામુનાન રા ઉરદબ ગારશાપબાદ
روباه છે આવેલા વાશાતે ઉરવાબ ગોરશાંદાની

[illegible]

૦૦

પરંદાંનીકુઝીઝત

[illegible]

જુનીમૂર્નદાબુનાં શાદા ખપ કમશાતારી: ૫૫ન
છે આપેળો દયો નુ કુશામની માંકે

[illegible]

ખરવશાતાઈ આપાંનીજુ ઝરજ કમેશાતારે ૫૫૪ ૨૨ર
ખરવસ્ત્રો બાઝી [illegible] કુશામની વાસ્તે [illegible]

[illegible]

પરગ વ મશાઝ આદુકુ૪મ જુનીમૂનોદાબુનત રરાઝ
[illegible] વ મૂશાઝ દિરયેશી છે આપેળો શરાખઝર
નારાંની

[illegible]

દાખુનત ઝરજ કમેશારારરૂ ૫૫ન
આપેળો [illegible] કુશામની વાસ્તે

[illegible]

મોરદાંનેઝર કમેશાતારર ૫૫૪ નોઝ જુનીમૂનોદ
દાનેઝશાઝીરીની કુશામની વાસ્તે ઝાંટાશાળઆો છે

[illegible]

આ નાજુનો પાઈ૪ જુનીમૂનોદ દાબુનત
ઠીઆઠ ઝેટેસ નેમ છે આપેસ્તો

[illegible]

મીનોદ મોર ખાંને દઈને મપન નાપર ઝના નોઝ
પીરાાનઝરે ઝારીના દાર માંટે તે [illegible] ડર ઝોટાશળઆો

પરંદાંનીફ્રજીસ્ત

[illegible]
દાંનેજી અમતરે જમીજ નુજતરેનેદ બના મોર રગ
દાંનેજીશ જેતે જમીન મારે ને જીશ ૨૦૦૦

[illegible]
જોજ અનતરે (પાગેનેદ બના રરરાજ શાનરનેદ મદમ
જંરારાનૈ જે જરે મ (રરરાજ્ય ચાલે બુલંદ
સ્લાઅ ૧)

[illegible]
પરરેનેદ બના મનરે રરરાજ શાનરનેદ મદમ
જોઈ મ તેથી રરરાજ્ય ચાલે બુલંદ

[illegible]
રયન આવી બયરો જાનરનેદ રોતમન રારાત
યારે તે રારોઅરની ચાહે રારશે બરાબરમનો

[illegible]
જાનરનેદ મીઆદવીન દેવે ફ્રમેરારારર
ડોએ પાંણી મોટું દેવફ્રે ફ્રરામની

[illegible]
અરાગ ગોમન અનાદેદ જનીમૂનેદ :ાદ
ઓઝ્યાઠે ફ્રે [illegible] ઇ આરેલો

[illegible]
(અફ્રેજ જના માહીગાંન મોરયાંન દદાંન ફ્રમાજ
ફ્રે ઇર માણીઓ ભુરગો ચરનારાંન તમામ

[illegible]

પરંદાંનીફઝીલત

[illegible]

જુનીઅઝેદાનુનાન ખરપરાતર કમપરાનારશ પવન
ઇઝ આયોનાં ખબરાતરની ફરામની વાસ્તે

[illegible]

પરવાજ બુલંદતરઅજે મઠ આગબાજનંદ રા જરજારા
فروازی ‏بولંદી તે થી ઊંચાને જેટલો વાસ્તે ગરદનો
پرواز

[illegible]

અશાનદ બીજુ પવન બશારીઆ મશા મૂશ્ક અમત
બોઈ બીનબીઅર ગરોશાન انداز مُنت જે
અંદાજે મુઠીને

[illegible]

જુનીઅઝેદાનુનાન પર અજર મીશુક બોઈ આનદ
ઇઝ આયોનાં پر زیر مُشک بوی તેથી

[illegible]

નરીના ગાનદગી જુરદન નરીના પસઇઆદ અગા
નરીની ગાનદગી ખાદેશ નસા થી અગર ઊંચાને

[illegible]

ગાર પર અજર શાર નાનંદ આનદ
પરદું પરની નીચે માથું આવે તેથી

[illegible]

શીરીઆદ આરશાઅંદ રખાર વાગનંદ
(ઠારો) ساید પરદો જર

નારીઝ ફોજમા મદ ઝાગ જમનશેદ રા તાજઝ
ઉનધારી રાતે આપઈમાવે ઉઠેય વાસ્તે તાજને

અશીરાનેદ મદમૂનેદ જમીઝ પવન નાઝ મોઉ
જોઈ ચારુ જમીન ઉપર ઝટકો બાલનો

જાફેરાન શારાંન ઉમેશીતારશ પવન મસ્તઝા
જાફેરાની દેવો ઉશામની વાશતે મૂરગોર

મગીન ઉમઝાર ઝબાના રોતમઠ જૂની મૂનેદ દાવૂન
જેમ ઉમઝાર શરાની શાર્થે છે આપેલા:

જે દામાંન શારા મન માગ દીન પવન જમનશેદ
તો પેદાઈશ ... ઈમાને દીન માંઈ ઉઠેય

ઉમઝાર શરોશી રાતમન જદારશે દરૂ પવન
ઉમઝાર શરોશીની શાખે મારવા દરૂજને માંઈ

માગ જમનશેદ ગોમઠમઝબાના વ મખઝા ઉમનદ
ઈમાને ઉઠેય છ શરા અને ... છે

પરંદાંનીહુઝાત

[illegible]

ફ્રમના દાદ ના અમત્મ આમોખતવીનારદ ના

نہ آراست آموخت کہ من نہ دادہ بود

[illegible]

ઉળબા પરોગેરાદપર રાવાર્દ ગ્રળબાર્દ

રાગ પરોગેરાફ્રોરૂન ગોવાલીઆનો રાગ

[illegible]

પવન બખનનેદ મમન વીરાફ્રોરૂન બ્જે માંનાાન પવન

માંરૂ ઉત્રૈપ રર વેરાફ્રોરૂન તે દારરેવાનાં માંરૂ

[illegible]

દાદ્રેમ બઠીતરો પવન બ્જે પવન ગ્રળબાં આગ દીન

આદમી [illegible] માંરૂ તે માંરૂ રાગ ઈઆરાવેદીન

[illegible]

પગાઠ બદારી દરૂન અદ્દુઠ ગોરાપઠદાંન બ્જે

બેમ મારનાર દરૂન ફ્રીપેરો ગોરાપંદો તે

[illegible]

બન મમઠ પવન આગ બખનનેદ મમન અમોરર

ન રાગ થી ઈઆઠ ઉત્રૈપ રર ازروش

અગારનોરશી

[illegible]

પાંગ મમન અશરારોરાનાંન દ્રમાઝ બ્જુનારોનેદ

પોઝાર જે બેંગરમાન તમામ મારેપ

[illegible]

પરદેહની ફઝીલત દર્દ

[illegible]

બશરીરમા મરદની બઝતરૅનોદ બના દરદ પાઝુનોદ

ઓરૅરાત તેથી મારે મ દર્દ ઝરેય

[illegible]

અજુન બના મરદીમાંઠેમન દરદ પ રોજ પયઠ તળબા પ

મારવું ન આદમી થી દરદ મોત થી મરવી અને

[illegible]

અવશ્ય મનદીમમ અનદીમા બશરા બેહન બના

ભરાળકરવું દીરમન્દ બુશરીઆબમારવ ન

[illegible]

દાબૂનત શેરદગારી પયન ૩ ઝના મમઠ આયરૅદ

આપેલો فایدہ થી ... ઠર શર اوریہ

[illegible]

અનીરૅનોદ પા યીમ અમનશ બઝનીમૂનોદ

ળને ન چیز ઝેતે છે

[illegible]

પનનોદ મમનશ બુનહેદન આયાદુદ દરાતુરેશન

લેકો કું શરત پرسیدن ળોઈ دستوران

[illegible]

ઠેમા દેરુઠ મયાગ મયાપરીદ અગુદનો ગૌમઠ પયઠ બોઝ

તમામ દરૂઠ ઠીમાદ اوریہ ... ... થા حوض

પાંચ તરેહ

[illegible]

રોદખાંચાંણીનીકઝીરૂ

[illegible]

પહના રોદીકા ચગરનશ મદમ જ્જુતરુનેદ જજે

માંડૂ رود ક્રેટ્ઝ્ડિક પાશ્તે મારેય તે

[illegible]

અબજુરમન ઝ્અવાખતરનીમે રોતમચ દો ગોમચ્જમનરનો દો.

البرز થી અવાખતરનીતર રાથે ... ડ્રેટ્રેય દીન

[illegible]

આગ ઓરથાઈઓ અજુર (તનદ) ખ્નાર ખોરાશાન

ઈમાથિ રેવરાથે તે ... تارید ... خراسان

આકિમગારવ

یغ مشرق

[illegible]

આગ ખોરાશાન ઓ અજુર અરનાગ

از رود ... رود بسیار ... ખોરાશાન તે ... عرب نام رود

شرق

[illegible]

જાન ... રોતમઠ ૧૮ પરમોશાંન આપુર

... کاریز ... از ... રાથે ... તેનાવો ...

[illegible]

મઠ મીમા આવાનીમાગીન ... (તનદ) પનાન

થી પાણી ... છે ... અરુંદ

[illegible]

(તનદ) પનાન ... પરમોશાંન

... અરુંદ ... થાણાં થી તેનાવો

મુલ્ક

[illegible]
જદ જદ અદ્દુન અનગઅનરનો પગીન ઝેનીમ્ હેદ
(હુવાબ શીવાબ દિરવેશો ઈઆતે ઝેંડેય એમ છે

[illegible]
કુમનદ તનદ બના ઓ આદર કુદ મન અદ્દુ
છે ચાલેછ સ તે પછી બીજા થી ઉઝે

[illegible]
પતશરા મન અશામપક અમ ગબના પગીન
રાઝ થી અશોમવોહુ જે મરદેજ એમ

[illegible]
ઓ રખાર મીઆ દુમાઝ પરઓરીંન અમશ્રેહે બના
તે પરદુ ચાંગી તમામ તેનાથો ઝેટે સ

[illegible]
રોદ અગાર અવીત કુમનદ ગોમીખત રોદ ગોમઝ
રોદ અગરગા છે છે મસ્લેસી રોદ કે
ઉાંઝેરોદ

[illegible]
ઝનારગાહ હો પદન હી ઝના પરઓરાંન રોદ પેદ
ઝીનારો બે થી એક ઝર તેનાથો રોદ પેદે

[illegible]
દુમાઝ પદારીનદ ... ગારદીનદ દુમા ...
તમામ ... દરીઆ ઝરેમ તમામ જમીને

[illegible]

રોદનીઇઝુગેઝુલ

[illegible]

અપાકુર નહોરશે નજે મન વશાતમુનેદ કેશવર

پس ખોડોસી آن از خورشید کشور

[illegible]

હુમ ઓ પરાઝરદ નરેહે ઓ પવનદો ઝુનાર

هم او پرانگرد زره او په در ما

[illegible]

નાંનત્રનેદ અપાકાન બુન ઓ રપતર નાનત્રનેદ

رسند ઝુસ્તઝ بن او باز رسند

[illegible]

નાનત્રેશ અગાન ઝુમનદ નરેદ બના અપશ અપાકર

گوید چون هند رفت به ازاو کو

[illegible]

અપાખુરસરપવન રોશની ચગાન અપાગ દીન પવન

البرز په روشنی چون کو دین په

[illegible]

આપાઇ ચશ્મેનો બના અપાખુરસરપવન નાનત્રેદ ઇઈન

آب شود به البرز په آید اندر

[illegible]

બનાઅપાખુરસરપવન નાનત્રેદ બના અપાખુરસર પવન

به البرز په آید به البرز په

شوید چون گوید که مینو

از هورمزد خواست که اول اروسپ

آگاه دادار که وه رود نیکی

از او به خواست که به ده پس

به مرکی به ده مینو وه

رود از هورمزد ارغ نام رود را گوید بیرون

خواست فرمان یاری یک اندر دیگر

રોદનીઝરુત

[illegible]

[illegible]

را پی همزوری فراز رفت اند چون

[illegible]

[illegible]

پیش از مهر دشمن اگر ایرش فراز

[illegible]

[illegible]

بود بند و که دروج به زنید

[illegible]

[illegible]

باز بود آن چهارده رود

٩٥

[illegible]

[illegible]

ماده نر چد از ارگ رود وه رود

[illegible]

[illegible]

پیکران رودها از اوستان به رفته است

[illegible]

[illegible]

آن نام بنام تر گویم ارگ رود

રોદનીરુઝીઉત

[illegible]

ઉરીત્નગ દદગોરેમ રોદ દેઈરેદ રોદ વેહ

خوانند ◉ દદગરદમ رود દેઈરેદ-નદી رود وه

નરનાંમ

[illegible]

દેદ રોદ દદગાંન રોદ દાઇતે રોદ ફરાત

દેદ رود દદગાં رود دایتی رود فرات

[illegible]

હુતમેનદ રોદ મરવ રોદ હરોય રોદ

હેતમંદ رود મરવ رود હરોઈ رود

[illegible]

નેશામેનદ રોદ નાવદા રોદ અખશીર રોદ

નેશામેનદ رود નાવદા رود અખશીર رود

[illegible]

મેહ્રયા રોદ બલખ રોદ પલવંદ રોદ

મેહરયા رود બલખ رود પવંદ رود

[illegible]

રોદ શાયિદ ઉરીત્નગદ રોદ હેરુઉશ રોદ

رود શાયેદ خوانند رود હીરુંઅ رود

[illegible]

પતિ ઉરીત્નગદ ઝાહરેમે મયત રોદ રદ

પરેદે خوانند ઝાહેરેમ رود રદ

[illegible]

રોદનીરૂશ્નીઆત

[illegible]

રોદ અરવન્દ ખ્વાનીનદ મેશારગાનેમ કે રોદ

رود અરવન્દ خواند મશારગાનિ که رود

[illegible]

દાઇત રોદ પ્અનાઈનોદેશ રોદ વેહરોત

દાઇતી رود પ્અનાઈનોદેશ رود વેહરોત

[illegible]

રોદ રોદ રોદ

رود રોદ رود

[illegible]

અનરાગ્ અરીઓઝાન અલવશાન રોદ રોદ

رود موجرشت رود رزشان دوکانه گویم

[illegible]

બના અલબુરઝઅન આગા ગોફ્તન કે રોદ અરદ

ب البرز از کہ گفت آن رود ارد

[illegible]

શાગમેઈ અખન બુમ ફિરાક પવન અનતરેદ

شاگمیء که بوم عراق سوراخ یعنی ب زبان

ઇરાક શેરેહરનામેઆ

[illegible]

મેશારગ અખન બુમ શાપેતાએશ પવન ખ્વાનીનદ

مشارگ که زمین شاپیتاشا ب خواند

مصر

નેવ રોદ વમ્મુન મન્ચ વહીરેદ બના ફ્રાનેદ
خوانید ب کذرید ازاو انجا رود نیو

વહીરેદ બના ખોરાસાંન પવન રોદ વદા ફ્રાનાફદ
خواند وه رود پ خراسان ب کذرد

અવો હિન્દોસ્તાંન પવન વજ્ નેદ બુમ સીનદ પવન
پ سیند زمین شوید پ هندوستان او
સીનદ

ફ્રાનાફદ રોદ મેહરા વમ્મુન મન્ચ રપેદ ઝરહ
زره روید ازاو انجا مهرا رود خواند

પવન અરુમ બ્નામનદમવન ખોરાસાંન રોદ ફ્રાત
فرات رود بن دریا که کوید روم پ

રોદ દેહીરેદ અવો વશાનમનદ શોરસ્તાંન
سورستان خورند او دیهرید رود

ખારશાન ઝમીગ મહમ અવાગ મના ફ્રાત મન્ચશ રવેદ
روید ازش فرات این که بر زمین خارش

રોદની ફ્રઝીલત

[illegible]

આનોશગાનઆર આઆતબૂત અતૈ અગ્રા પેદાજ વાર્ફ્નદ

گیرند ظاهر کو آن بن دریا الوستیار منوچهر

[illegible]

અંજાઈ અઈક અ્યો રબાર હમા આબા કુનદ

کنند آب تمام باز او یک جای

[illegible]

રફાદ ઈશ્વરીનામ અગ્રા અઅરેદ ચગાન રફીતુનદ

فراد نیرم کو گوید چون افکند

[illegible]

રવંનદ આપ રા રોઆંત ખ્વદ મઘન માહીક નેર

روند آب را روان خود که ماهی نیر

[illegible]

ખોરશીદ સતાનંદ આબ આનોશગાનઆર

خورشید آسان کند ستاند آب الوستیار

[illegible]

ચમન ... અના શારમાંન મન રોદ દબીરેદ

به آید از سرمان نام شهرت به رود دبیرد

[illegible]

રોદ દાઇતી રેજેદ જરેહ અઓ નહીસ્તાન

رود دایتي ریزید زره او نهستان

કોહે પદન ઓરનૈદ અના ઈરાનવેજ રોતમન

رود ایران‌ویج به آید په کوه

با

ખરફસ્તર રોદ હમા મન પચશ્વૈદ પનચેસ્તાના .

پنجستا شوید از تمام رود خرفستر

રોદ દાઇતી અહાગ ઓરનૈદ સપેદ ચગુન વીશ ઓખ ઈધન

اندر آن زیاد چون سپید کو دایتی رود

ફરદ ઈધન પદન રોદ દરગાહ ખરફસ્તર પુર

پُر خرفستر درکال رود په اندر فایده

વઝીરેદ પનચેસ્તાન કોહે પદન રોદ મનદ

مند رود په کوه پنجستا نام کوه لت گذرید

રોદ મરો રેઝેનેદ રોદ મરો ઓ રબાર

باز او مارو نام رود رود رینزرید مرو رود

હિતોમંદ તનેદ અપા ફાર અપારસીન મન

از اپارسین کوه به روید هیتمند

રોદોની ફેહરીસ્ત

[illegible]

અપારશીન મન આબાન્ધ્રૂત અવેશ્ત શશ્શતાંત પવન રોદ
અપારશીન થી દરી (આ) ૬૬ તેથી શશાતાંત માંહે રોદ

[illegible]

ચરાશીઆવ જે મન બ્લીદ ગોમન ગાર
ચરાશીઆવ તે થી જુદી દ ચાહ્યુ

[illegible]

જરામનદ
જરામંદ

[illegible]

ખેઝનાદ ઓ રખાર શોગાદ તુશરાન પવન રોદ
ખેઝંદ તે પાછી શોગાદની તરફ થી રોદ

[illegible]

શામરઝનદ મહાંન પવન રોદ ખનદ નીબેદ રોદ
શામરઝેંદની દરમેઆંઠથી રોદ ખનદ નાંબેદ રોદ

[illegible]

રોદમ અબેશ પઝેનદ બના પરગાન
રોદ તેથી ચરદીમ પરાગાનદે

[illegible]

રોદે રોદ મરવ ઝરાનદ અરીરાદ
રોદે રોંદ મરવ પરવેજ અરીરાદ

[illegible]

અપારીશન મન ખોરરશાન: પધન ખરેહ્મેનદ

અપરશીન થી ખોરરશાન માંહે ખોરેહમનદ

પાક્યાન્ત્રનાંમછે

[illegible]

ઓરે અપારીશન રોદ બલખ તન્દ બના ઝાર

ઓહ્ડો અપારશન રોદ બલખ પાસે મ પાક્યું

[illegible]

રોદ વહા ઓ બના બત્ત્રેદ બના બાત્નીગાંન

રોદ વેહે તે આવે મ

[illegible]

આત્તરબાદગાંન પધન રોદ શાહેદ રેદેદ

આદરબાદગાંન થી રોદ શાપેદ નાંખેય

[illegible]

આફ્રમન મન અર્દેસ્ત-ફ્રીતુ દરાક ઓગા બનદ

ફ્રેમન થી મોરાદ બોરાક ઈઆઉ કેહેય

[illegible]

ઓફરેમ અપન રોદ તોરત પારીસ રતામન

ઓફરેય અે રોદ તોરસ પાદી હિન્દુ

[illegible]

કેશઆશોરે બરહે મન કરેનદ

કેહીઆશોરે બરેહે થી પઠેય

[illegible]

[illegible]

રેજેદ વેરગા જરુ ઓ ગાલ્દેદ બગા
રેજેય વેરગામો જરેહે તે આરવે ય

[illegible]

બગા આત્રણપાદગાંન રોતમન જે જહાપઈદ
ય આદરબારદગાંનની શાચે તે જહાપઈદ

[illegible]

જરુ ઓ પારશ પવન ગાલ્દેદ
જરેહે તે પારશ થી આરવે

[illegible]

હોશરતાંન પવન શપાહાંન મન પાંનાફ્રુન રોદ
હોશરતાંન માંહે અશપાહાંન થી દરીઆનાંઠરે રોદ

[illegible]

અજ્જી રેજેદ રોદ દઈરેદ ઓ પનાહ વહીરેદ
(તેહે) રેજેય રોદમો દઈરેદ તે બુલંદ (ઝુજરેય)

[illegible]

ઝરીતજદ રોદ મિશરઝા શપાહાંન પવન
પરહેય રોદ મેશરઝા શપાહાંન માંહે

[illegible]

પાંનાફ્રુન અજ્જ નબરેશતાંન પવન રોદ અરજ
દરીઆનાંઠરે તેથા નબરશતાંન માંહે રોદ અરજ

[illegible]
વદા મા રબાર રોદ તિરેમિહ દમાવનદ ગોપે મન
વેહે તે પાછી રોદ તેરેમેદ દમાવંદ પાડ્યુ થી

[illegible]
પારસી ભરૂ રોદ વેનદેરીરા રેઇન્દ રોદ
પારસી તે રોદ વેનદેરીરા રેડેય રોદમાં

[illegible]
રપન રોદ ઝારાઝ ઝરીતનેદ શીરીતાંત મપન
થી રોદ ઝારો પરઠેય શીરાતાલ કે

[illegible]
અબ્રી ભાતનેદ બના શેરત તશન રપન ગ્રાન
તેથી આવે મ શોઠેર તશન થી ગ્રાન

[illegible]
ગોમન હમ ઝરીતનેદ રોદ ઝરાય તમમન
ایز هم ایز પરઠેય રોદ ઝરાય તેઓને

[illegible]
શીનદ પવનય ઝરીતનદ ઝારાઝ તમમન પશ ~ રોદ
رود وس اجا کاشک خواند سپه بند

[illegible]
રોદ મેઈડન ફેદાઝ. ઝરીતનદ ઝારાઝ
રોદ મેઈડન کاشک خواند طار

[illegible]

રોદોની ફરઝાત

[illegible]

દારદ ફ્રંગાદેસ માંહે તે પતરોમેહીમ્હુન

[illegible]

અનાગર પોરોશીશીપ મંને મયનશી ઇરાંનવેજ પયન રોદ
ભાય પોરોશરાશપ મઝાંન ફતે ઇરાંનવેજ માંહે રોદ

[illegible]

મીઆ ઊમર અરમાંની ગાવરના બાર પયન ભરતોશત
પાંગાલેશ્વરબાઝી હોતી ફમેલ માંહે ભરતોશતનો

[illegible]

અર્દુફ બુન પરમોશાંન મન ઇરાબ ફરશા હાંનીઝ રોદ
ફ્રીઝ બુન તેનારવો થી છે ઝરંગ ચુહૈનાં રોદ

[illegible]

શામ પયન ગનાઝ ગનાઝ શાહુન શરતર પયન અર્દુફર
નામે માંહે ગનાઝ ગનાઝ શોહેર શોહેર માંહે ફીરવેશો

[illegible]

અરાગરશ ભાનરદ રર પોરોશરશીપ ફરીશંરગદ. શામ
હીઆરતો જેરુપ વરશતે પોરોશરાશપનેપ રોઝ નામ

[illegible]

બના બાંનીઝ રગ ફઈમનશીફ જરહે દાઈન
૮ હર ૬૦૦ ફરમાંનશીહે જેરહે માંહે

[illegible]

[illegible]

તોનાઃ જહા જેમના જહા શોશમાં શપોરદ

ગાવની જાગો ઉઠની જાગો ઘોરાની શોઝેસા

انداز ہ انداز ہ

[illegible]

ખાંનીરૂ ઝરાય મરાય જહા ઠમના જહા

ઠાર નાંધેસી મોટી જાગો ખરની જાગો

અનદાને انداز ہ

[illegible]

જાહનેદ રોદ હેદમેનદ મયવ જીયમદ અહાંને

ઝેહેય રોદ હેતમંદ રે જીવમંદ દરમીઆન

[illegible]

મીમા હરત રોદ પમઇને دریا મજેશ

પાંરી શાત રોદ વસીન ~~[illegible]~~ તેથી

نام رود

[illegible]

ફિતીજુનતે મરહોમ શરપોરદ જાહ હમ દહન رود ۱۲۹۸

બેડુ આદમી શોરીમાં દામાની માંહે ~~[illegible]~~

[illegible]

મીમાસ્ગીનો જાહનદ મીમા શરદદ હરત હીન પયનુ ઝરદ

પાંગીજેમ ઝેહેય પાંરી જતનો શાત દીન માંહે ઝરદે

[illegible]

(જો દરીગાર ફિતીજુનેદ ઓરપરાન મદમ અકુરૂ

તે નાણું બેશોય ઉરવસોમાં જુપોદેજ

تمام

VV ૭) ચંગાની દુજ઼ીતુન

[illegible]

જેકે શાગિર્દ રોહીડા અધીન નાજરાની ગારીન

તે ચીઝ઼ી રોદો દેવે બજા પારંગી

[illegible]

આયાની અરમીશત જેકે ચહુરીમ ઓમ્ય વારેની

બાકી અરમેશાત તે ચોખૂ ચંગી વરસાદન

તારામ

[illegible]

ગોરીયંદાન શગેશારે પનોમ રામ્યશાની

ગોરાયંદો મળી ચાંયગ નામબતાંમ

[illegible]

મરદોમાન યુ ગોરાયંદાન ગોમાલશાશીમ મરદોમાન

આદમીઓનો ગોરાયંદો નેરંગ દબુ આદમીઓની

[illegible]

ડશાતોમ મરદમાન યુ ગોરાયનદાન ઉં ડશતોમ

આઠમુ આદમીઓનો ગોરાયંદો પશણો શરતમુ

[illegible]

મરદુમાન યુ ગોરાયંદાન જૂરતા દહીન જેકી ઓમ્ય

આદમીઓનીજ ગોરાયંદો પીઠ માહે તે ચંગી

[illegible]

પૂણ દકુમ મરદોમાન ગોરાયંદાન અરશા

ખોકેટો દશમું આદમીઓ ગોરાયંદો [illegible] નાચમુ ર.

૨૨૦

[illegible]

ગોરીયનીઆન દઇન રોગાન ઇઅનાઈહઅમરદોમાન ગોરીયનદાન

ગોરીયંદો માંઈઓગીઈ અગીઆ આદમીઉન ગોરીયંદો રમ્

[illegible]

દોઆનઇહમ ઝાંમે અખાન દો ઝેના દઇન મરદોમાન

બારમ્ મોરાદ દુનીઆંબેક હર મોઇ આદમીઉ

[illegible]

પદરા પૂરા મપ્પ મરદોમાન ગોરીયનદાન પોઇ

તેઉ ઝરઝંદને કે આદમીઉનો ગોરીયંનદો પરીનો

[illegible]

ઇખાતરા નીદ પપ્ન રરરાઝ ૧૩ પરવરીનદ

ઇખાતરાની નીચે થી વરાર તેરમૂ પાલેપ ઈઆનેદા

રૂસ્વા-અરઝુ

[illegible]

૧૮ પદરા પેરા અંગોરાત મહાર

મઉદમુ તેથી આગાળ આંગળ પોઆર

[illegible]

પવન હરવરીય ગોમન મરદોમાન ગોરીયનદાન

ન તમામ એ આદમીઉ ગોરીયંદો

[illegible]

દઇન રખાર ઝરદદ ફોના અકૂપ વખરા

માઇ પાદશ ઝોઇ ગાવ ઈઆ વરથી

મીનોની ઉરોદની હુઝાઝત

[illegible]

જરદક તધને જે મનમ ગોમીને ગારશ મરશ

ઝાધેલ ગાવ તે શર મસે ગા મોદ

[illegible]

આગ જાનવેદ ગોમન અંધી અફુપ દો કુના પખશાશ

ઈમાન કેડેસ એ છે ઈજ બેજ ઠર વધવું

[illegible]

મરવં રોદ અરજ અપીન રોદે તસતા ગોમન

મરવ રોદ અરજ છે રોદથીમા તરાગ એ

અરોગ નેનહી

[illegible]

કુમનદ જાનનત અબુનરોદ રોદ સપીર રોદ

છે થરકુથી નાખુશ રોદ વેદ રોદ

[illegible]

દરજીદ સા શાતો દથીન આગ વરમેરીયાંન અહોનદે

પાસે નહી દુનીઆં માટે ઈમાન તેનાવો મીનો

[illegible]

આગ અશીતનદ અરમેશીન ગપશીનમઝુ

ઈમાને નેકીસ જાઆંન પરાવ બોલાવ ઈજ

[illegible]

ગોઝાંનપદ જાનતા રહેશ અબીખગાહી દથીન શાંન

દુનીઆંતરે કુતી તેથી દુશમની માટે તે

મીનોની૰ડ્રોશની૰ફ્રજીક્રત

[illegible]

દાબ્રુતમ બના આગ-નમૂદ બના જરદોહસ્ત
કે અદાજૂ ઈમ્બાવે ડુઓ ઃ જરતોશતને

[illegible]

પાગ્રુનેદ રખાર દરોસ્ત રેહેન્દ કુબ્બરા બોર
જરેશ પરદઝ દરોસ્ત રેહેશ ખૂબી બોર

[illegible]

મીમ્ય ઞાગ બમનેદ ગોમત્પુબમસ્નેદ બના પઙ્રેજો
પર્ણાળી ઈમ્બાઉ જેટ્રેશ કે જેરે પરહેજ

[illegible]

મદ પાશા બોર પાશા બોર પમત
પોઞ્પેરુ ભઆદે બોર ભઆદે બોર જે

[illegible]

પબ્રુનેદ પ્રુનેહાંત ઓ રખાર શસ્ત ક પપન બ્રુનીબૂનેદ
બાકી દ્દીઆળાં તે પાદશે પરશી ક છે
ઙઙઓ

[illegible]

મદ મદમ રારાત દો જના બોર પ પપત
પોટ્રે સોળો બુળેદ બરાબર બે કુ બોર અઉ બુરો કે
હેહેર

[illegible]

બમતનેદ રખાર શસ્ત ક પપન બ્રુનીમૂનેદ
પોટ્રેશે પાદઝ પરશે દ્દશઅ છે

મીનોની-ગુરોદની-ફ્રુજ્જર

[illegible]

૨૨૮ ૯ પવન જમ જોર ૫ વીશ અશાર મવન
વરશી નવ થી જમ જોર અને જઆદે વૂરો જે
ફેરે

[illegible]

પવન રોફશન ઓરવરાંન નમત્રેદ રખાર
થી ફ્રીગળ ઓરવરાંન પોહોચે પાક્ષો

[illegible]

આરશીન અફ્ફુન અંદ બુન ઓ નારૂ અફ્દને ગોમન
આશ્નાદિરવેશી હોઈ બૂન તે કઉિમત નરેફે છે

[illegible]

રખાર પદમાંન ગોમન પવન વાઝનેદ અફ્ઝૂવાંન
પાક્ષો અનદાજ છે થી જરે અશોવો

[illegible]

ર૧ નાવદાઝ રોદ નમત્રનદ નપશમન ઓ
વરશીતે નાવદાંનની રોદ પોહોચે પોતે તે

[illegible]

અરા બના ગુરેફ ઝરાશીઆવે આગ નમત્રેદ
તેઠેને ૮ ગુરજી અઝરાશીઆવઈઆને જેટલે

[illegible]

અશાય નમ ત્રેદ ખુરશીદગાર મવન શાયોરદ
ધોરો પોહોચે ખોરશેદગાર જે શોરી ચાં.

ગોસરાવોની ઇઝશ્નીત

[illegible] ૮૨

જરૂ સરામીકી ઓમનદ્બેદ રશ્માર જુદાઓ

જરેહે સરામાવો પોહોઁએ પરછો જોગીઓ

[illegible]

મદમ અણા કશ્મારીકૂ કશ્મારીકે

ઉપર કે કશ્મારશ કશ્મારીકે

[illegible]

પર ગોઅવઅમાગ દીન પવન ઓમનદ્બેદ પરેહા અગીની

પર કે ઇમાઇ દીન મોટુ કેટેય ગોસરાવોની [illegible]

[illegible]

અવન ફ્રમનદ મદ પેદાઝી ઓ અવાવાંન સરામતે

કે છે પોહોઁચે જાહેર તે પાગીનાં સરામાં

[illegible]

પાઅન મરદુમાંન સરામે અનદાજે કરીતનેદ પર

તે આદમીઓ સરામાંનો અનદાજે પહેર્યે પર

[illegible]

સેશરાત પર અગીન ફ્રમનદ અવાવાંને સરામતે રાન

સેશરાત પર જેમ છે પાગીનાં સરામાં નાવો

[illegible]

ઝેરનદાન પર પારઅમ પર રોઇવરર પર

ઝેરનદાન પર પારઅમ પર રોયવાર પર

>>

ગોજારાવોની ઉજારત

[illegible]

હોશારો પર આશોગોઅશાન પર અરેનમેનદ પર

હોશારો પર આશોગોશાન પર અરેનમનદ પર

[illegible]

દોગાન અબ્શોાન ઓરોદશા પર શાનપેદશા પર

બેવડે તેનાવોઉ ઉરોદશા પર શાનપેદશા પર

[illegible]

ગરમ આવનપાદગાન દઈન પેદપશાન પેરે અનગમ

ગરમ આદરબાદગાનમાંહે પેપશાતે પર એક

[illegible]

અનગેઈ પા દઈન અંનપર મનદોમાઅ પેશા અવાદ મીઆ

હોઈ નહી માંહે અંનપર મીઅ આબાર અહદો પાંણી

[illegible]

અજુનીમેનોપતોશાન પરાંઝરદ અરેર આ ખૂન અબઅશા

છે મલેસી ઝરાંઝરદમો અરેર તે ખુન તેથી

[illegible]

રાશ્નીમન પયન ખૂમ શીતન મદમ પયન શોપઆર પરે

શાર માંહે અમીનશોરેર ફીરર માંહે શોપઆર પર

[illegible]

બહુરર શતદ આગાં અનગેઈ પગાન તશા એરે

૧૫. ૧૭ ઈમ્આને કેટ્રેપ તેમ ઉશા પહુંચાં

ગોરાવાળોની રીઝા

[illegible]

અલ્લી રાદી અવલાદુશાની શાપીર ફુયશાંતે
તેથી શાખાવતી (જઆદતી) ત્રસી નેજસરામ

[illegible]

અનંતેદરા પારબ્રમ પરે જીનીમનેદ દાવૂરાત અના
ક્રેડેય વાસ્તે પારબ્રમને વર દે આપે

[illegible]

જીનીમનેદ દાવૂરાત અના અલ્લી (અલીજી) પ. ૨૨૬
દે આપેલી તેઉ નેજી સહ શાદીઓ

[illegible]

અવલાદુશાનીઝ તોબાંતાગરે પારશાતુ અરશાશાંવંગ
પદ્ધવૂં તવંગારીન બતાંતો અરશશાંવંગનો

[illegible]

શરશાગાંત પવન રરબદાન પરે હોરીસાપમની
શરશાતાંવમાંહે શરબદાન વર ખુશી

[illegible]

ખુલાદૈત ગતદીઓ અબ્દુલ્લાન રરબદાન પરે અનંતેદ
(ખુલાસાં) સાચ અશો રરબદાન વર ક્રેડેય

[illegible]

રબાર અબ્દુલ્લાન રા અગત 'તકદેરવ રસીનેદ
પાછો અશો નહી ડે કબુલાઝરે તાંપે

[illegible]

[illegible]

દઈન મનોમ જરફ પવન જુને જે રમીનનિદ બકુન ઓ
મારું સાચ જેદે માંહે બૂન તે બાંધે બાહેર તે

[illegible]

જરેનમેનદ પરે જનીનુનેદ પતારેશત ખૂબશ
જરેનમેનદ પર છે મસ્તેરી ખુબી

[illegible]

પેદાક રા ઇસપારગોઅશાત પરે હુમદાન પવન
જાહેર વાસ્તે અશારગોશાતને પર હુમદાન માંહે

[illegible]

હુમપાદ ઇસરાત અશ્વનશાતો મીમાદ ઇસપાગ
શુમાર છે જહીન રાજશાહિત પાગી ઈમાઠે
ઈમારનોજ

[illegible]

રેરેઝોમેનદ રોશન અપાનતનદ હમા જરફ દઈન
બજેરગામેદ રોશન જરી તમામ જેદે માંહે

[illegible]

ઓ પવન ખુરશેદ આગ જાનનેદ પગીન
તે માંહે ખુરશેદ ઈમાઠે જેતેસ ભેમ

[illegible]

જે દઈન દીદ રા આશોઅશરત પેરે મદ
તે માંહે દીઠો વાસ્તે અશાવશરતોને પર પોસે

ગોઝરાયોનીદૂઝીઝન

દએન રા પેરરાશતને રેહીત ઝરશીગારદ પવન મીમ્મા
માંરૂ ને શામારવા પોટ્ટોયે મૂવેલાંને ઝમ્રાંમત માંરૂપાં(ન

પેરે ઝરશાંગા મહાર પવન ફ્રોશરો પેરે આવાઆમેદ
વર ઝરશાંગા મેમ્મર માંરૂ ફ્રોશરો વર જોઈદ

મહોન પવન નવશાત જેઓ શતોદૂશી પેરે પેયશાત
દરમે માંરૂ લખેગ્રા તે શતોદૂશ વર પેયૂશાત આંન

આગ જઝનીમૂનેદ પોતાજ જેઓ પરાંઝરદ જાર
ઈઓમાંઠ છે દરીઆ તે જરેદૂઝરાંઝરદની

આનરા ફ્મવાર મવન ઝઇત જઝરે ઝમદોદાંન પવન
તેથી ક્મેશો જે છે ઉઠી ઝમણદાન ને

મન જ્વીદ રમીતૂનેદ દએન મનદીમવન ઝના જાનનેદ
થી જુદ નાખેઠ માંરૂ મન જે કરૂ ઠોકી

ફ્રુવશી જોઆવર અમતશી પહીવેદ વા અવરા જોઆવર
નેઓ જોઆવર ઝેતે ઝેણુગઝરે નહી તેઓ જોઆવર

ચે

[illegible]

આરાગ અનરનેદ મરદોમાંન દદરનેદ જરોદ રમીત્તનેદ દહેન

હીમાને કેડુ આદમી સેહીજાહ નીરે નાખે માંહે

[illegible]

ઉરોદ્દશા પરે આહિત પદશા મશામઝે દોશાંન મન

ઉરવદ્દશા વર છે તેથી પશામો દોજખ થી

[illegible]

પગીતશા મદમ ઓસનદ ફોગરે પોશાત

ફીપર બૂલંદ ફ્રોઝર ચીઠ

[illegible]

અનશા ગદમન અમતઅ આગ અનરનેદ પદશા કપી

તેથી ઉર કે અશોદહીમાહ કેડેય રાય અઉ વાંદર

[illegible]

પયન શાકામે રા શાદા ઓમે પજનાત બના

માંહે દેવાન વાશતે દેવોની દેહીત જાહ ગાઠો

હીમાહહે

વરકરતનીકરતનો

[illegible]

પયન બૂદ આવતમનર મપનામે પાઇનત નેશામની

માંહે ઉતી બેઠેન કે પઝરી ઉરતન

અતઅશો

દાબેદોન

નામ અજ દર

ઝૂપીમ અનશીતન દાબૂનત શાદ મો નેશામની

વાંદર તેનાંચાહે આણી દેવનો તે ઉરતપનાઃ

[illegible]

[illegible]

જન્નત અન્ગ્રી શાદદ નેશમની હુમત્મનદ ખશરીય
શાહિતાં તેકે જાતનાં ઉતરતી પૂછ્છીશાદયેનાં રીય અહિ

[illegible]

ખોદાઈ દિન અનજદદારૂ આગ જનરજ ગોમન ફુમનદ
પાદશાહી માંહે જેદારૂ ઈમાદકેર્દેય કે હશે

[illegible]

ગાબના ગોરેન અને શૈરોનીદ મદમ શરુ જન ગોરશન
મદદ જોઆઈ મેસી ઉપર દેવ ઉતરતે જોઆઈ

[illegible]

મો કીદદ પવન અન્ગ્રી શૈરોનાત પરીરૂ મદમ
તે જહેરી માંહે તેનાંવાડે મેસીઆ પરીની ઉપર

[illegible]

જની જેદાને અર્ઉક જે મન રદદ મરજશન
ઉતરપનાં જ્વાન કીરૂ તે થા રૂદ્દા મુસ્તકો
જનાઝારી

[illegible]

રીફીન અમત જન્નત અન્ગ્રી પોશન
ફરેફીન કે હુની તેથ્રી શોકો
શૈકોપોશનઈમાનેહુષ્ટી

[illegible]

દોજારેશત. શરુન અહરીમન મન પરઅરેશકેન આ મદ
દોજાખેઆ શૈહેર ઈરાન થા તેનારખાવે તે પોતાસો

[illegible]

[illegible]

હોમાર ફરેશ જરર ફ્રીખ્તનત નરહ જનારજ પવન ०
શતન હુપે ઝોઈ બેહજ ફ્રીઆઉંઝીનારા માંહે ०
પેહ્રેઝપકા

[illegible]

ગોમેઝંત શત્ર અષીરાન ઓ રખાર તાજગાંનાં ०
મલેખાં શેહેર ઈરાન તે પાંછાં તાજવોનાંકે ०

[illegible]

અનહોમા દાદાર પવનશામે હુમનદ
હોરમજદ દાદાર પનામે છે

[illegible]

બૂનદહુશાની મદમ નજદશત આગાશી નાદમન
બુનદહુશને ઉપર અવલ ખબર માંહિનીથી

[illegible]

મદમ આરૂર ગનાજમહોનદ પનીઆરે અનહોમા
ઉપર પછી ગનારૂમીનો ઘાતનોકરનાર હોરમજદ

[illegible]

તપહેપશન ઝરજાંમ બૂનદહીશને મનદાંમ પઝનશ
તનપશેન આકબત શરૂઆત કે પેદાયશીનાસુખોપરા

[illegible]

અનહોઆગરેદાજ અપા મશનદશનાન દીન મદસ્તાન
હોરમ ઈઆઉ નહેરે મદનદીમ દીન કે નેમ
નદ શનાંન

[illegible]

શાબદરી ઉ આગ્રાહશરા ફ્રરવશ્ય પવન બાલશાતન
ન જાગાર્હી અગ્રાગ્રહી ફ્રરવશાય થી બુલંદ

[illegible]

જીનાઉ ગાશ રોશન ઓ બુદ અહ્રમ રોશનશ દૂન
જાગે નામત રોશન તે કુતી હમેશ રોશની માંહે

[illegible]

ફ્રરવશાય જાવેદ રોશન અશોએ મયન અહીત અનહોમા
ફ્રરવશાય કેટ્ટે રોશન અશર કે છે હરમઝદનુ

[illegible]

અહીત અનહોમા અબોહ શાહરશા અગ્રાહરી
છે હોરમઝદ હમેશ નાગાર્હી અગ્રાગ્રહી
અશરગ
ઘર

[illegible]

ઓ અઉ પનારશન દો ઉના દીન જાવગ દીન મયન
તે કે ઉજારદુષ્ટ દર દીન કેટ્ટે દીનમાંકે

[illegible]

અનહોમા અગન ફ્રમન અજુનારે જાંને અહ્રમ
હોરમઝદ જેમ છે બેઝનારે જાંનો હમેશ

[illegible]

દમા અદીલ જાવગન અનહોમા જાંન દીન જાદારશ
હમેશ છે કુતો હોરમઝદ જાંને દીન જોગાહ

[illegible]

[illegible]
દાંનશ આહૂર પયગંબરાંગી દબીન દારમન બનવીદ
અઝુલ પછવી કે ઝનથારા માંડે કેરેમન કેરૈ

[illegible]
બનવીદના મયગમબિન બનવાનીબેયાઝ દમગી બદાર ય
(કેમ) નદીકે છે કતો ઉઠો તમામ મારનાર અછે

[illegible]
અબીન(બ)નાઝ તરીગારા બેકે હુમ બદારી બેકે ય
છે બનો ઝનથારૂ તે ની મારવૂ તે અછે

[illegible]
તનરૂરાગી અઝાંન શાંગઅમાબનવદતારીગર અથર અવન
તનરૂા દરમીઆંતેનાંવોકે કેડ્રેય તરીકી અશાર કે
કૃયનાને

[illegible]
યદશા ગોમેબ્રશાન કેન અયગબનવાદ યાદ અયગઅબીન બનરનાન
(તેકે) મસવૂ કરે કે કેડ્રેય ડુવા કે છે કોતો

[illegible]
ગામન અઝનારકુમંદ ય ઝીનાકુમનદ યદ અયમરો કેના
શર અઝીનઅરેમંદ અને ઝીનારેમંદ લગો ઉપરવેઉકર

[illegible]
(બેકે) બનયાઈ બેમનવદ રોશની અશાર બેકે બનરવેશ
તો ઉકે કેડ્રેય રોશની અશાર તે બનવંદ

[illegible]

(અહુરૂ ખ્વનાઈજ મજ્દાન શાન અગર તારીગ અશીરે

ઉરુ ઉખ્શાો દરમાઅઈતને ઈમાઉ તારીગી અશરર

[illegible]

દા ઝુના ઉઇ ૫ જેઝુનીમૂનીદ પતોશત પા ઉઇ રોતમન

એવી ઉર વાનેમઉ છે મળેળાં વહી બાળે શાથે

[illegible]

ઉઇ ૫ ફ્રમનદ ફ્રમનદ ઝુનાર નપશામનતન પવન મહોના

વાઇમઉ છે અંદ ઝીનારે એરશ્તન પોતા થકી મીનો

[illegible]

મનોમહી ઝુના રા મનદ્રોમ અગાગાશ ઉરવશ્ન

ઉન એક નો ઉરમજ્દની અગાગા ઉરવેશન

[illegible]

અનારઝુફ્રમંદ ઝુનારઝુફ્રમનદ અનદ્રોમ દાબૂનશાને દઈન

અઝીનારેમંદ ઝીનારેમંદ ઉરમજ્દ અગાપની અંદર

[illegible]

પદમાંદ મહોનદ માં ઝુનાદો દઈન એક ગોમઝમન ।

અઉદાણે મીનો તે એક માહે તે ઉ શ ।

[illegible]

દાંમે પાતોખ્શાઈ ખુનદ ઉઇ અનીરાદ

પેદાઈશની પાદશાહી શામ રાગો બાળે જાગીશ

[illegible]

[illegible]
કુમા ૫૬ ઇપઈત અનેય ગનનેદ તવનપશન પવન અનહોમા
કુમેશીતો છે તે કોઈ નનપશીન માટે હોરમઝદ

[illegible]
પવન હોરમઝ દાંમે વ અજુનાઝુરઝ્મનદી રોબશની કુમા
મોટે હોરમઝની પેદાઈશ અને જીનારેમનદી પાલન કુમેશી

[illegible]
ગનનેદ તવનપશન મવન અપદીનેદ અના અમાંન અને
થાઈ તનપશન જે ખરાબથાઈ પખત તે

[illegible]
પવન અનકુમા અજનારગાર અઈત અનેય
થી હોરમઝદે એજીનારી છે તે

[illegible]
ઝઈતી હોરમઝ આગ અનીરનશાન ઇપાગારીશા હરપશીપ
છે હોરમઝ જે ગનાઈ આગાહી હરપેશીપ

[illegible]
૯.૬ ગોમેઝેદ દીન ઝાંમે રશાઝ પવન અનદાઝેદ મમન
તો મલે મોટે મોરાદ અહેમાઈથી અનદાઝો રર

[illegible]
કુમનેદ મોક અપઈાર અંદ પવન રરગાંમ મમનઝરગામ
છે જોર કુથીઆર જેરના થી અાઝ રર અાઝન
બત

[illegible]

દરીન અવનાર જે પવન દામે જે મદીનદીદા આનશ
મોડે ડૂથાઆર તે કે પેદાકીરતે મીનોઈઓ તેથી

[illegible]

મદીનદ દીન રસ્ત ફીરગ અરદીનીદ પનાહ આવાકીશાન
મીનો મોડે વરશી ૩૦૦ પેદાઆધાં બુનદ જોઈએ

[illegible]

ફ્રુમનીદાર ફ્રમનદ બુનદ અગર ફ્રમનદ જુમીઆનાદ
ને જવમાશનાર છે થાઈઓ છીઆરઠ છે ઉતેપરો

[illegible]

રા દાનશરની આદૂર ગનાઝમદીનદ અગારસ્તાર નવન
ને અજરતનાં પછી ગનાઝામીનો બેગીરસ્તાર વન

[illegible]

મન આદૂરપ જનરૂત અગાગારશી પા અનહોમા અપદી મન
થી પછીમેં ફ્રતી અબર ગદૂ હોરમજદીદરાતી થી

[illegible]

મનશા મદ રોશન વદ દીનઓ પેજદ જોપાકે જે
તેઓ પોતે રોશની લગી મોડે તે ઉઠેઆતો ફીડાંનથ તે

[illegible]

પવન અગારસ્તાર રોશની અનહોમા જે અશાનદ
કે અગીરસ્તાર રોશની હોરમજદ તે જોઈએ

[illegible]

પવન રા ગવારશી અરશેઝ ગ્રાંમે જ્હાર દરૂન

થી પાસ્તે ગોશોઝરવો અદેખાઈ ઓરાદ્નો મારનારૂ દરૂજને

[illegible]

યારી અશાવૂનન અજ્હા હોવારશીદ હરીન મરોષ્નીદન

ગાસેબ્ના જોઈએ તેઉ દોઝખો માંહે ખરાબઝરવા

[illegible]

નારસુમઓ રખાર નપશમન જ્હે મનઝરેદ અપરવેઝ

ધાન્નીદ તે પારશો પોતે તેથી પનોરગી ખારસેશી નપોર

[illegible]

દાંમ દરૂજ શાહા ઝુબાદ નગરીનીદ હોબારશીદ

પેદાઈશને દરૂજ દેવો ઘાણાં જોઈએ દોઝખો

[illegible]

મપનશ ઝનકોમા અરગૂનદઓ ખારસ્ત મરોચાનીદાર

ઓતો હોરમજ્દ તરફ તે ચાકુઆ ખરાબઝરનાર

દની પેદાઝયા

[illegible]

શરતાઆ પોતે શકુમઝુન દાંમ હીદૃ ગનાઝમહોનદ દાંમ

બુરી ખરાબકરાંમની પેદાઈશ જોઈ ગનામીનાઈ પેદાઈશ

[illegible]

અ.રકોમા દાંમે આદર મોનશીન મદમ બુરજ્હશની લા અજ્હા

દાર પેદાઈશ પદશ જોઈએ બુનેદ લાઈઝ ના તેથી

મજ્દની

[illegible]

દ-મે ઉઅદ મૂનસ્તે મદમ અશાત્નત ગનાઝમદોનદ

પેદાઈશ્ની ચાશ્ની બુનદ દીથી ગનામીનોઈ

[illegible]

મદમમૂનશત બૂરજશાની અનેજ પૂનશાદી દાંમે

ચાશ્ની જાકિ તેથી પૂછ્યુ પેદાઈશ

[illegible]

અનહોમા દાબૂનશાય દાંમે અનહોમા જે બૂરજીદ

હોરમજ્દ પેદાઈશ અને પેદાઈશ હોરમજ્દ તે લાકિ

[illegible]

ઓ ઝાર ઝરવાંમ અનારવસ્તે (અઈદને મમન રોશમન

તે ઝાંમ આખર મેસે તરેહે શ્ર શાસ્થે

[illegible]

મદમ અશાતી અનેશ વજૂનત ગનાઝમદોનદ પદારહ

ઉપર શરલેહ રોહ ગાહ ગનાહમીનોની મુઝાબલ

[illegible]

આશીઆરી દાંમ ઓ મદમ ગનાઝમદોનદ ગોમત દાશાન

ઠીઆરી માહા પેદાઈશ્તે ઉપર ગનામીનોને ઝહાઈ રાખી
રીતે

[illegible]

પાદદહશાન જે પવન વાઝુનદ શનાઈશાન દદરૂનદ

બદલા તે થી ઝર શનાઈશાઝરદ્ જેહીન

ૐ

[illegible]

અજશી જાન્નેદ — અજરમાંત અમરગ

(તેઉ થાઈ — પગારજ્રુપે બગારમોતે

[illegible]

આઈઆરશી પજ્રુપામ બજા આગગજાઝમદોજદ દરાઈદ

ઈઆરી થાઈ નહી કે ગજારમીનાઈ ઝહાઈ

[illegible]

રઝ રોતમ જાઉઝ મજદોમપવજ પાઝ્રુજમજા રઝ દાંમે આ

તાહારશાપે જેઝ પીજ થા ઝરૂ નહી તારીપેદાઈશ તે

[illegible]

પઈ મરોપીજમઝા દામે જાન્નમ બા ફમદાદશતાંજ

તો ખરાબ તાહા પેદાઈશ થાઈ નહી — રાજ

ઝરૂ રોજો

[illegible]

આ રઝ દાંમે દરપશાપ બજા રોબશાની ફમા ફમા

તે તાહારાપેદાઈશ તમાંમ જારી ફમેશે ફમેશે

[illegible]

અશ્રી પાઝ્રુજમબૂપશામજ દોશતી રઝ દોશતી આં

તેથી ઝરૂ પોતાની દોશતી તાહારા દોશ્તા તે

[illegible]

એ દાશાજ રપજ ગજાઝમદોજ ઇઆગ ગોઝપપજારશાજ

ફિમરાખશે ~~[illegible]~~ માંદે ગજારમીનો ઈઆઈ દુ ઉજારપૂ

નહીરાખાઈ

[illegible]

૨૨ અના અશોત અચારે ઓ દહીઁ અનાહોમા અવાગ
દૃસ્ત્રાવાશત છે બેચારો તે માંહે કોરમનદહીઆઠ

[illegible]

૫૫૧ અજ્રશા મઝદરનાત લા દદરુનેદ અવરશાની
માંહે તેથી જગ્નસ્ત્રઝાઈ નહી લેહીનોંઈપશ્ચલેહ

[illegible]

લા આગઅનહોમા ગોપત અજ્રશ દદરુનાત મદમ શતેન્દ
નહી હીઆઠ કોરમનદે કહીએ તેથી લોહીગ્રુ બુલેંસ્તની

[illegible]

ઝરદાર કુરવશાય કુમનેદ કુરવશાયઆગારા
ઝરની તમામ છે કુરવશાયઆગારુ

[illegible]

મરોચીનીદમ તોબાંન લા ૨ આગાત ગનાઝમદોનદ
ખરાબઝરવો શકે નહી મહુત હીઆઠ ગનાચીઓની

[illegible]

આગર ઝરદન તોબાંન લા કુફન ૨ દાંમે અપત
હીઆઠ ઝરવુ શકે નહી દરવેશે માહાવેદારી ના

[illegible]

અાહુર બાંમતનદ લા ૨ બપશામની ઓ રઅવર
પછી ચોડોમે નહી માહારીશવરરરી તે પાછ

[illegible]

અનીતૃનત હરવશ્પઆગાશી પવન અનહોમા
નાંગાહ હરવશ્પઆગાહી થી હોરમજ્દે

અગાનશા દાબૂબમ વા જરરજર માંન અદ અગા
હરવેશીતેહોઠ આગ્ર નહી લડાઈ કું અગાર હીમાઠ

નપશીમન્ મો અનીડુન્ નેઆન ૨ દાંમે કરદન તોબાંન
પોતે તે જાન હાંન મારાંપેદ્રીહ કરદ્ શક્

ગોમીજશની કનસ્ મગીનતોમાંન કરદન
મલવા માંડે આદમી દપડાં ભિમ શકે કરવું

અગા પરઝંદ વેશા અબાઝૂની મયન ઉમજદ કુબદ
હીમાઠે આખતી ઘાગી ઝુરાઈ કે દો ઘાગાં
(આરજર

ગાન કમદોઝદ મો અનહોમા ગોપત અજશા પરાઝૂની
ઠાનામીનોઠેતે હોરમજ્દે કહી તેહોને નેકી

મો ગોમીજશન પદ્ જરરજર ચાગૂનદ જમાંન અગા
તે મલવા થી લડાઈ કરે વખત હીમાઠ

[illegible]

આગ્ર અનીરૂનસ્ત અમતશ્ર શરત રગ ૮

ઈઆઠે બીનીઉ કેતેને વરશ નવકુગર

[illegible]

ગનાઝમદોનદ ઝઈશ અઝાર બાગુનનબઆંન ગોઅન પવન

ગનાઅીનોદ છે નઝારો ઝરવો વખત ઠ થી

[illegible]

પવન ૨૨ અઝરનને અવાનજ ગનાઝમદોનદ અગીન

થા ને નાદાંના નઝીબેનારંગનાઅીનો અેરવેદી

[illegible]

અફ્રીન નગ્નન ડમદાદરરતંન પદમાંને બેઝે

ફ્રીવશ્રે થાફ્રે રગબ અનદાન તે

[illegible]

પનાબ બઆંન મપન ડમઝોખરરાશન ગાખવાદો મગીન

બુનેદ વખત કે ઉઝડીનડાઈલો મરદ બે બેમ

[illegible]

પાગુનમ ઝરરનર વદ બપગવડમાંન આગ વાગનદ

ઝરાઈ લડાઈ તો દાડી ઝસાંને ઈઆઠે ઝરે

[illegible]

આગાશ્રી ડરવશ્રય પવન ઉેગમન અનડ્રોમા

અગાગાડ્રી ડરવશ્રય થી ઠ ડ્રોરમબ્દે

[illegible]

[illegible]
રગી ૩ શસ્ત રગી ૮ ગોમનદઈન આગ અની રનશ્ત
૩૦૦૦ વરશ નવ હજાર એ માંહે ઈઆહે ગંનાગી

[illegible]
રગી ૩ શાસ્તનેદ અનહોમા ઝાંઝે હુમાઝ શસ્ત
૩૦૦૦ સાલે હોરમજ્દની મોરાદ તમામ વરશ

[illegible]
આહરમન વ અનહોમા ઝાંઝે ગોમાન્દે દઈન શસ્ત
હોરમજની અને હોરમજ્દ મોરાદ મલેલી માંહે વરશ

[illegible]
ગાસ્તનેદ અઝાર ગનાગ્મહોનદ અવહોમ શસ્ત રગી ૩
થઈ નાઝાર ગનામીનો છેલ્લાં વરશ ૩૦૦૦

[illegible]
આહુર દારશ્નદ રબ્બાર પેતીઆરે હોમ અન
પછી રાખ્યો પાછી ઘાત પેદાઈશ થી

[illegible]
ઈમ-ઈ આગ શાઝેદ પનાહ અહોનવર અનહોમા
ઈમ-ઈ- ઈઆહે પઢેઆ બૂલેદ હોનવર હોરમજ્દ

[illegible]
બના મરાગ અકુ ૨ ધેરીઓશ્ન / અકુ
૨ શશ્નુનની ઈઝ વાશ ઈઝ પરીઓ- અકુ-

[illegible]

અઝારશી નપૂશામનપવન રરણંમ ઉપળ્શી ગોપત

અઝારરઝરવો પોતા થી આઝમત તેથી બોલેઓ

[illegible]

રેશાતામેળ શરફ઼ુંન અવશનીદન ગનાઝમદોનદ

રશતામેળ દિવોને ખરારબઝરવા ગરનામીનોને

[illegible]

ડુમા ડુમા વદ દાંમ અપતફારેઈ તવનેપશીન

ડમેશે ડમેશે લગીપેદાઈશ બેધાતે તનપશીન

[illegible]

અઝારશી મવન ગનાઝમદોનદ ઓ બના રોબશની

નઝમો કેતે ગરનામીનો તે જો જારી

[illegible]

ઉશાતનાત બના શરફ઼ુંન અપશીનીદને નપશામન

જોઈતી ન દેવોને ખરાબસારવું પોતે

[illegible]

બાનવપલૂનશત તારતોમ ઓ રખાર બાનગત શતર

પરેઆ ઘણાંકનધા તે પોછો થાકીઓ બેદોશ

રામો

[illegible]

અર્ફુઝ ૩ ઉમતશ આગ પેદાઝ દીન પવનસગીન

કિઝે તરાગ કેતે ઉમ્માદે જોરુરે દીન મોઈ એમ

[illegible]
દર્શન તવન બીમ મન ગનાઝુમદોનદ નાન્નન ગોપત
માંડે તનની ૮૨ થી ગનાડ્મીનો ઉકું કહેલું

[illegible]
રવન નાન્નેદ ગોપત બેહૂરે ૨ સમતરી અોનદ
થી [illegible] કહેલો હીરા બે કેતે ગીઆો
ચરફિઓ

[illegible]
નાન્નન ગોપત દુમાઝ મમતરી વપલ્નરત દર્શન નાંન્ન
થાહિ કહેલો તમાંમ કેતે પેઆો માંડે ગોકુલ

[illegible]
અનહોમા દાંમાંન રવન નાન્નનસ્કાર શતરદ
ડોરેમન્નનીપેદરશ માંડેથાદિઆો મ્નઝાર બેહોશ
નઝાંમ

[illegible]
શાતરદી રવનશરત રગ ૩ ઝરદ મનાઝી
બેહોશી માંડે વરશ ૩૦૦ ઝરવી રંગ

[illegible]
બન્નેનીદ રનાજ પુમન નન્નદરાવ દાંમદાદ આદરમન
પેદાઝીદાનુલંદ બદ્મઓઓમવન પેદાદિશમ.ની ડોરેમઓન

[illegible]
બુદ રનાજ અનહોમા દાંઝે રોમાઝીમ મપન્નશ
થાઈ બૂલંદ ડોરેમન્નનીપેદાદિશ નરી કેતેહ

અફ્રોમન આહૂર મીદોખત નજ્દીસ્ત ગનાઝમદોનદ
અંઝોમઠ પછી મીદોખ્ત અવલ ગનાઝમીનોઈ
નાંમનોદેવ નાંમનોદેવ

દપાશીમાંન ખરૂમ શાતા દાંમ મન દએનહોમા દાભૂનાત
આશા અવલ (દુનીઆંના)પેદાઈશથી ઓરમજ્દે પેદાઆયો
માંન

પનાહ રોશની રોબશની બેઉ મહ્નપ્રકુમન દએશ્શી
બૂલંદ રોશની માલવૂ નેઝાથી બાઝઠ તેથી

માઝીદીમશાનાં શાપીર દીન મવનદ્ બરહેનીદ
માઝ્દીઅશની નલી દીન જેતે પેદાઆયો.

ગંમતનાદ દાંમે ઓ બેઉ આગ ગોમન બન્દાત રોતમન
પોહોચે પેદાઈશ તે તે ઈમાને ઈ (કુતી શાથે

દએરદપરુશાત આહૂર દએનીત્નસ્ત દએશ રશાઝદ
અરદીબેહેસ્તાત પછી બની તેથી રશાતાબ્જ

આહૂર ૫ શાપનહોમદ આહૂર ૫ શાનીવર આહૂર
પછી અનેશાપઠદારમદ પછીમહેશાહરેવર પછી

[illegible]

ઇપક્રોમન તારીઝ શાંત મન આઠરમં અનુનાહદ પુનાહદ

મનઝોમઠ મંદારી (ફુનીઆંથી ફેરેમન અમરદાદ ખુરદાદ
નામનોદેવ

[illegible]

નારન તારન આહુર અઝાઈત ઇપાકર શાવર આાકરપ અંદર

નરાય નામેદેવ તારીક નામનોદેવ પછી તરીમતના મનોદેવ પછી શરવલ નામનો દેવ પરર નામનો દેવ અને અંદર નામનોદેવ

[illegible]

દહીગાર આશમાન પરદોમ શાતા દાંમે મન ઇપનાફોમા

નાન આશમાન અવલ (ફુનીઆંનાપેદાઈશથી ફોરમન્દ

[illegible]

પનાોમ ઓરવર ચહારમ નમીઝ શાદીગાર મીમા

પાંચમ ઉરવર ચોથૂ જમીન ત્રીજ પાંચી

[illegible]

બરેહૈનીદ પનાજમદમ મર્દુમ શશરમ ગોરપંદ

પેદાઝીધા બુલંદ ઉપર આદમી છઠ્ઠુ ગોશપંદ

[illegible]

જમીઝ દપાશમાન અનાદરગા દપનાફોમા રોશનાન

જમીન આશમાન માંફે ફોરમન્દ રોશન

[illegible]

પા જુઝ્ય અખતરી શતરાન બરેહૈનીદ રોશનાની

નહી ત શીતારા: શીતારા પેદાઝીદ રોશની

[illegible] ૨૦૬
અગીન ખુરશીદ આફુર માહ આફુર અખતરીઝ
જેમ ખુરશેદ પછી માહ પછી શેતારા
તાજ

[illegible]
શાતરાન અજશ બરીહીનીદ શાપહાર પરદોમ જમનગમ
શેતારા તેથી પેદાઆઇઓ આશમાનમાલ કેફ઼ુ

[illegible]
ગોમત્રમાદેવર કુમનદ ગોમાદ્ફ પહશ અખતરીઝ
ડિ જોરાં છે મેલવા તેથી શેતારા

[illegible]
શેર ઉરઝંગ દોપેંઝર તોના વરેહ શામે મપન શર
શાહી ઝરઝ મેથૂન વરખ મેખ નાંમ કે બાર

[illegible]
હોય વાહી વીમારાય ગાજુમ તરાજ ખોશાઝ
ઉંન મઝર ધન પરશાયઝ તોસા ઝનેઆ

[illegible]
૨૮ પપન જુનદેહેશાન મન શાંન મપન માહી
અહાવારા થી શાહેદેહીશ થીતેનાપોઝે માન

[illegible]
શામ મપનાશાન ફમારશાન બોરદેહે
નાંમ તેનાંપોનાંઝે ગાહનાં શેતારાઓમાં
નોનબેતર

[illegible]

[illegible]

રોહેની ઉરતેજા જરની અશાવની

[illegible]

અશાલેપ્યા ચૂશા · ચૂતરપશર અવાકૃદરા મરેગારશર

[illegible]

ખાત્રા ઉષ્ટ્ર મોતરા ચૂરવા મઘા

[illegible]

મૂસા નિશ્રાટા અનોશકંઘાવીશાત્મા શવાતી

[illegible]

ધનેશરા શરવન અલીબ્ન મોચારશાર ચૂરવારશાર

[illegible]

તેથઝી ફ્રેવતી મોતરાલદરપદ ચૂરવાલદરપદ શાતરેમા

[illegible]

જુનદરશીનાન

(ઝીઠુ) ચ્ચૂવા રેહેનારવેહુનીઆતાં ચેહ્રાઅેશ નઆંમ

[illegible]

કુમેમાલે પતકારુઝ નામસ્તોદ અઈબિગાદ વદ (કુમનદ
(કુશાસન ખરાબઝ પોઠીએ પૂરતોરથી નો છે
રનાર આણેકેરો મન

[illegible]

પતકારગાંન વરમોશાંન મન દાંમાંન ઝોરીનદ નપશામન
ખરાબઝરનાર તેનાચો થી પેદાફ્રિશ ઝોશેશાઝરે પોતે

[illegible]

ઓ મવન મનદ શીપાક અનદાનેક બોખતીનદ
તે કે કેટલો શીપાકીનો અનદાનો ખતારાશઝરે

[illegible]

મવન અખતરે ઝના જોનીમુનીદ ઝરઝુનત ઝરરનર
કે શીતારા ડરૂ છે બખશીદ નાંઈ

[illegible]

૮૦૦૦૦ ૫ ૪૦૦ ૫ ૬૦૦૦ વરમોશાંન
કોશોદ હજાર અને પેઆરશોમને છહજાર તેનાચો

[illegible]

બરેહીનીદ પનાહ આઈબારશ પવન શીતારઝ ખૂરશેઝ
પેદાઅંદબૂલદ ઈબારી માંદે શીતારા નાંદેના

[illegible]

શાપાહૂબદ ૪ અખતરાન વરમોશાંન પવન (કુમનદ
શોપોકીહા પેઆર શીતારા તેનાચો થી છે
નાર

[illegible]

શપાહુવદાંન ગોસ્મારદ ઝોશતે મહાર રપણ
શોપેહેરારસ્તાર મેલમ્મા તરજ મેમાર માંહે

[illegible]

ઝૂબદ ગુમારદન શપાહુવદાંન વરમોશાંન મદમ
ઘાઠાં મેલવા શોપેહેરાસ્તારો તેનાંવો ઉપર

[illegible]

(ઝુશતેર રપણ નાંમચેશની શતારઝ ફોશમાર
તરજ થી નાંમબનાંમ શેતારા શમાર

[illegible]

નારુ હુમનેરી રપણ ગોમારદ(ઝનાઝ (ઝુશતરુ
ઝઉમત જેરમંદી વાસ્તે મેલેઆ જાંગે તરજ

[illegible]

ઝપણ જમનલેદ મગીન અખતરાંન વરમોશાંન દાદ
ઈમાને ફ્રેહેમ જેમ શેતારાવો તેનાવો અતો

[illegible]

શતેશ અને શપાહુવદ ખોરશાંન તેશતર
શતવેશ તે શોપેહેરાસ્તાર ઉગમનનો તેશતર

[illegible]

શપાહુવદ નાર-રોજ વનંદ અને શપાહુવદ ઉરવરાંન
શોપેહેરાસ્તાર દખ્શનોવનંદ તે શોપેહેરાસ્તાર અરૂમાઝનો

[illegible]
શમે શપાઉદ અવાખત્ હઝતોઝરેગ ઓ
મોટી શોપેહેરાલાર ઉતરનો હઝતોરેગ તે

[illegible]
આશમાંન મહાંને શમે મવન ઝરીતરનદ ગારશ
આશમાંન દરમીઆંન મોટી જે પરહેઝ ઓગ

[illegible]
નીમરોજ હોમશે મદ અહીઆદમંરવીનદ જમરનદ
રપીતન હમેશે પોરોપોજોરમંદગાના જે આ તો જેહેય
હામીનો ગલ

[illegible]
અમુઝશપંદ રોતમન દપતહોમા રપતવીન ઝઈતે વુદ
અમશાશપંદો શાથે હોરમજદ રપીથવન છે થાકીનો

[illegible]
શાખત પતાજ ઈવ્રશન મહોનદ ગારશ રપાતવીન પવન
ઝાદ વુનદ ઈવ્રશને મીનો ઓગ રપીથવનની માંહે

[illegible]
જદેશ પવન અપતાર ઝના ઈવ્રશન દહીન અદર
મારવાઉનશે હથીઆર હઉ ઈવ્રશને માંહે તેથી

[illegible]
રોતમન દાનુનતનપતા અપવાકુશાનદઈને નતહીરઝ
શાશે મારવ ૮ જોઈએ માંહે ઘાતનોઝરનાર

ાા

[illegible]
મરદ ફ્રોશાઝારદ અનશાતાઝ્રાંન ઝરોદુર બોદ
અઝ્યા ... આદમીઓ ઝરોદુર બોદ

[illegible]
દદરૂનત પનાહ મરદોમાંન પવન ફ્રવશાપઝ્યાગાશા
લોદોગારુ બૂલંદ આદમીઓ માંહે ફ્રવશાપઅગારુ

[illegible]
મદમજુ શરદફ્રમનાતર ઓઝતાંન ઝદાર ઝ્યાગ ગોયત
નીદ
પરૂઠી ઝરદેમંદતર તમો ઝાડુ ઈઆઠ ઝહુઠી

[illegible]
ઝરદદાતપન દાપુનમ શાતા ઓ બનાતાંન મપન ૦
ઝાદું તન આપૂં દુનીઆં તે માંહે તમો જે ૦

[illegible]
બના દરૂન ઝુશેદ બના દરૂન રોતમન ૦
ન દરૂન ઝોરોશા ન દરૂન શારથે ૦
ઝરેય

[illegible]
રઅાર દરોશાત ઝરનંમ પવન અવદાં અવશાનદ
પાદશે દરોશાત આઝબત માંહે અઅઅર બરાબઝરે

[illegible]
શાતા ઓ રઅાર ઝરનંમ પવન ઝ્યવદાંન વેરાદીનમ
દુનીઆંતે પાદશાં આઝબત માંહે અઅઅર શાઆરે

[illegible]

અવેપેતીઆરે અજરમાંન અમરગ હમગીહા દરવુનામ
બેધરાત બેબૂડાપે બેમરગ નમાંઝોઈઆરૂં

[illegible]

અઈબગાદ તન પાંનાગી હમીશહ તાંન અહુન જાવેદ
ગનાહગીનોથી પાકીજાની હમેશો, તમુને ઈઆ થઈ

[illegible]

પવન મેહોમત પતફ્રેહ દહીગાર ફરદમ આપાદ
૩ મેહોમતનાં પેતીઆરો આંજ કરવું જોઈએ

મનોદેવબૂરી
મનશ્નીબોઆપનારતેબઝમનોશમન

[illegible]

અહરમનદરુજ મન અનાઝી હરવશાપઆગારી જુ
હેરેમન દરુજ થી રંજ હરવશાપઆગાહી તે

[illegible]

અજ અવદોમ જામતનેદ પદશા શાતા દહેનુ
હમેશાળ થી આખેર પોહોચો તેથી ફુનીઆં માંહ્
ફુશમન

[illegible]

બુદન રપાર અનોશોહ દરોશત પતફારજ મન
થરવું પરછે અનોશોહ દરોશત આતનાંઝરનારથી

[illegible]

રા રોવશાની હમા હમા પદ તનપશીન પવન
નો જરા હમેશો હમેશો લાગી તનપશીન માંહ્

[illegible]

કુમનદ જાનનાત કુમદાદરીરતાંજ રાતા ઓ વકઝૂનતન પવન
છે થાકીતો (રાજ) દુનીઆંતે થાવૂં

[illegible]

દીન પવન જાનનેદ દાંમ ઓ અદીબીગ્રદ દોવારશતન મદમ
દીનમાંડે કેડેય પેદાકીશતે પૂરજોરદીમા દોડવૂ ઉપર
જોડેરેમન

[illegible]

અદમૂનરાત નપરામનઅઝારી અમત ગરનાઝમહોનદ ઇપાર
ચાકરી પોતે નઝમુ એ ગરનારુમીનો ઈમાને

[illegible]

રાતરદ ઇપરાતરનાત અરુઝ ગાવના મન રારુાંન
જોડીશ દીશું અશોગ મરદ થા દેવો

[illegible]

જો દહીન મદમમૂનસીત રાતરદી પવન રસ્ત ૩૦૦૦ બરદ
તે માંડે ચાકરીઉ જોડોશી માંડે વરશ ગાજુજોઅયાકી

[illegible]

દરાબીદ જાદજાદ રારુાંન ઝમારાન રાતરદી
ઝરેલુ ગુંદૂ જરદૂ દેવાકી ઝરૂઆગાજબેડોશી
અરાજેડેરેમન
બોડોશાપડીજો દુતાતેકેમાંશ્તઆગ

[illegible]

જો દહીન રોમવમમન રોમનઅલ ખોજ મદમ આગ કુમનદ
તે માંડે કમે શં કમારો બાય ઉઠ બુલંદ ઈમાને છે

[illegible]
અનહોમા જે પાઝનામ ઝરરનર દાના
હોરમજ્દ તે જરૂ રુધાઈ દુનીઆ

[illegible]
જાનેદ અન્ગ્રી અનાઝી વ તાગી ઇપમુસ્રાયન દાંનદ
થાઈ તેથી રંજ અને તાગી અમશાસ્પંદોએ

[illegible]
હોરામઝદ દોગાને નપશામન દુશ્રાઝોનશાની જદીદ જદીદ
ગાની બિહતરેહે પોતાની ખુરીઝોનશાની જદી જદી

[illegible]
ગનાકમહોનદ દરવંદ વઝાન રામાઈશાન લા અન્ગ્રી:
ગનાકમીનો દરવંદ તે ખૂશાલીઓ નહી તેથી

[illegible]
લા ઝરદન મદમ રોદ્રામન રા ઇચકલ્નગાવના બીમ
નહી ઝરદ ઉપર શાર નો અશો મરદ કર

[illegible]
દરાઈદ અન્ગ્રી શરત ૩૦૦૦ બુનદગી પદ તોબ્ઝીનશાત
ઝદીઠો તેઓ વરશ ૩૦૦૦ તમામ લાગ શકેઓ

[illegible]
શાતા દબીરે મમન રોમન અવ એક મદમ ગનાક મો
દુનીઆમાં દીકરો શ૨ દમારો બાપ દ્વિઠ જુદ ગનાકે તે

[illegible]

[illegible]
અમકુશાર્યહાન ઝાનહોમા પાઝુનમઝારનર નજ
અમશાશાર્યહાનેઝોરમન્દન ઝરૂ લ્યાઈ તે

[illegible]
બ્લીદ બ્લીદ અન્ધ નાન્હીદ અન્ધી અનાગ્નીય તંગી
જુદી જુદી તેથી થાઈ તેઉ રંગ અઢે તંગી

[illegible]
મરન્ધ હોશમરદ દોગાંને નપશમ ફુશાઝોનશની
તેઉ ગાગાઈઆઢે બેમરતબે પોતાની બુરીફૂોનશીની
ઝેટ્ટી

[illegible]
પારશન પા ગનાઝમહોનદ દરદંદ મો રામીનીદ પા
ઉદેઅરો નહી ગનાહમીનો દરદંદ તે ખુશીથઈઉ નહી

[illegible]
ફુદ રા ઈયઝુબ ગાબના બીમે મન શાતરદી જુ મન
બીજુ ની અશો મરદ ડર થી બેહોશી તે થા

[illegible]
રોઝ. ન અબ એક મહમ અયામ દરાઈદ દરદંદ
ડમારોબારપ ઉઠ બૂળદઈઆઢે બોરોઝ દરદંદ

[illegible]
મહમ બેશો નંદ ગોમનઝારનર જુ દબીન રે મમન
ફીર આનર ઝેટલો ઈ ઉઝ લ્યાઈ તે સાંઝે ડમે શક

[illegible]

(ઉનશીને આગ શોઓનામ વરના (તુમાઇ વ અહુનૂઅ ગાબના
ઓલ ઇશ્નાઠ તોઈ એતીનો બાબદ અઠે અશો અદદ
શાજી

[illegible]

બના ગાહમન અજ્શાન આવાઈદ બા જીવનદગી રા ર
ન જર તેશાંતોઈ નોઈદ નદી ઓનદગી (માહુરાઈ

[illegible]

અનાનશા બેશોમ ઓરવર બેશોમ મીગ્મા બેશોમ (મરોઉનમ
અતીાનો આતશ (ઉરવરનો અતાશર પાંગ્રીદેઅતાશર અરાબ
રહેઠ દેઠ દેઠ જરૂ

[illegible]

અનઈ ઇઅનહોમા દહશાન ઉરવશાન બેશોમ અનહોમા
(તેઈ હોરમજ્દની બેહદાદિશા તમામ અતાશરદેઠ હોરમજ્દના

[illegible]

હોશામરદી હોગાને પઘમ અપાન(ુશાઓનશાની જે
જદી બિરવેશાની ફરવેશી ઉરીઓનશાની તે

[illegible]

શાતરદી જે મન રામશાદ બના ગનાઉમહોનદ રાગ
બેહોશી તે થી પ્રુશાથાતિ ન ગનાહમાનો ઇઝ્નાઠ

[illegible]

રીમની ગોમન બનશાદ મદમ શારેશી જશાન જુદાઈ
રીમની કે બેઠો ઉપરઝરી મંદુ જેઓ જુદાઈ

[illegible]

ળેનૂરેદ પેદાકુ દશાતાન રવન ઝરીતૂળદ દશાતાંન
શાહિ ળાકુેર દશાતાંન માંહે પહેચ દશાતાંન

[illegible]

અળ્શ દાબૂળમ પદત ઝાંમે તમમન આગા દરાઈદી
તેકુ આપૂ તોતરવે મોરાદ તેળ્ગો ઇમ્નાબો ઝહૂઉ

[illegible]

પદ ઝાંમે ગબળા આગા ગનાકુમહોળદ મો દરાઈદશ
તો મોરાદ મરદ ઇમ્નાને ગનાહમીનો ત ઝહૂઉ તેહેને

[illegible]

પળ્ગ શતીવંદશ કુરપ ગનાકુમહોળદ દાબૂન ર મો
દેકુશે ઝાળ ગનાહમીનો આપ મહને તે
બૂદ.

[illegible]

મોશ શરત રપ ગોશાન ગબળા અળ્શ કુરપ
તેકુેને વરશ પંદર ળ્વાંન મરદ તેથા શરરન

[illegible]

આકુર દદકુેનત પૂબી મીનશાની ળ્ઝશ નઝુદ
પછી લોઈગીઠુ ફુળ મનશાની તે દેખાડે

[illegible]

મો શાકુંન અદમશાદ શોતમન ગનાકુમહોળદ
તે દેવો પાહીઉ શાશે ગનાહમીનો

[illegible]
અશાવનત અન્ઘ: ફ્રમનઘ વન્ગુનત રોશનાંન પહીરકે
જોઈએ તેકે છે ગડુલા રોશનીની મોજુદગી

[illegible]
મહમ વગા ઝાંમગાઢા અરદશુ અન્ઘશાંન આરશમાંન
ઉપર દોડતુ મોરાદો અહેમાઈની તેનાંચોની આરશમાંન

[illegible]
જેનીમૂનાફબના અઈફ ૩ આરશમાંન અંદરૂન મન દદરૂનત
ઉતાર ઈફ બાગ આરશમાંન અંદર થી લોઈનીમા

[illegible]
દમીરુ ઝમનેર ઝારશમાંન ફ્રમાનારુ મારા અન્ઘા
જમીન નીચે આરશમાંનની મીશવાસે અન્ઘદાનીતેથી

[illegible]
દોવરારીશાત ઈઈન ઝનકેમા જખમ ઝરઘરદીન બીનાઃ જશાત બના
દોરેમા માટે દોરમન્દે રોજ ઝરઘરદીન મદદનો ડોકેમા

[illegible]
શાકુશાત અન્ઘશા અદફુન આરશમાંન અન્ઘશા નીરઃરોજ
તોરેમો તેકે ફિરવેશો આરશમાંન તેકે દયાનીતર

[illegible]
મીમા મો બના ગોરગામય મારા મગાન તરશદ બના
પાંણી તે માટે ઘરુ છ બજરી જેમ ડરેમો

ટૂંકિ

[illegible]

અનેશ જીવીઅનાદ વીનારદ જમીગ ગોમનઅજર મદ

તેથી ઓળખો દોરેલો જમીનની કે નીચે પોમેર
શમારેલો

[illegible]

આકર ભતનત દર્જ તફં જમીગ ગોમનમરાંન આકરુ

પછી આરડ માંહે ઝરેરી જમીન કે દરમીઆન પછી

[illegible]

ગાદીઅોમરદ અો આકર તોના આકર મદ અોરવર અો

ગાદીઅોમરદ તે પછી ગારવ પછી પોમેરુરવરઅો તે

[illegible]

કુઅનાગ અગાશ ચગીન અરદુન મદ આતશ આકર

ગીશાલ આખની જેમ ફરેલો પોમેર આતશઅો પછી

[illegible]

ગોફાંન અનેશ દોબાંરેશત બના રૂશન ફરવશ પવન

ફુનામાં તેથી દોરેલો પેદાયશ તમામ માંહે

[illegible]

પવન ચગીન ઉરદ બના અોશાનતોમ અવીન નીમરોજ પવન

માંહે જેમ ઝીણે હાગીજઆમી દખાર સ્રવૃ
લાગી

[illegible]

પરવશાનઃ જમીગ અનેશ કુઆનાઉ નાર હેસ્લીઆ

પરર જમીન તેથી ગીશાલ ફનાયાસી રાત
શાતર

[illegible]
ગાન્હુમ ફ્રમાનાઉ માર પગીન ગાન શેઝોનત મદમ
વીદ્દ મીશાસે શાંપનીઓમ ઝારનાર મેલેઆં બૂલંદ

[illegible]
લા ખરપશાન મનતીમ શોજન દપાગ વજન ગારપાઉ
નહી ખરવશાતર થી તલવાર શોઈ ઉંચાઈ દેડજો બાલાણ

[illegible]
ફ્રમાઆંન શેઝોનત મદમ દાર ઓરવર મન્શ માંનદ
તેઓ વખત મેલાણ ઉપર જાડ્યા ઝરવર તેથી કે છે

[illegible]
શરઈશ્મરાઉ દરદ નેઝપાન ઝપાન મન્ઝ નાઈનીદ આંપ મના
શરઈશરાઉ દરદ નેમાર્ગ માર્ગ તેથી નાશ્મો તો ~

[illegible]
પનાન ગઈમોમરદપ તોના પવન બૂદાશાપ વ વરૂન વ
બુલંદ ગાઈમોમરદ અને ગારવ મારૂ બૂરશાશાપ અને વરૂન અને

[illegible]
મહોનદ ઈપનદ્રોમા તોના મો મતને મનરવીન શોઝોનત
મીનો ઝોરમંદ (નાય) તે મેહેર થી આતાણ મેલેઆ

[illegible]
પવન મામા મો ઝરીતનદ ઇપઈત મવન
થી ચાંગી તે પરેમ છે છે

૧૨૫

[illegible]
મનવદ ઈશ્નાન શહદ બના ચશામ પેશ પનાહ બોરદંજે
(કે) નો ઈમાઉ ગાહરૂગીહ આંખની આગળ બુલંદ થાજે

[illegible]
ડમુજ્યાંન આમન બાન્ગોઈ જેમ દૂશરામી (જીવનદજીવહેન)
તેઓ વખત જે (કોઈ) જમ રાંમશાની જીવે જીંદગી
આશાંની

[illegible]
પદરૂદ પનાહ પજોરૂનત બના દમ પવન બાન્ગનત વીમાર વ નજાર
(ગુજેરો) બુલંદ ગામો . બખત થી થાઈઉ વીમાર અને દૂબલ

[illegible]
દહશાન ગોશરપનહાંનજે આન તોના ગોપત ઈઝન
પેદાઈશ ગોશરપંદાંની તે ઈમાને ગાય કહીઉ તેથી

[illegible]
ઝરમાહ્રીન પહરેજ ઝરર ઝોરસીન વરમોશાન
ઝરમાવતી પરહેજ ઝાંમ ઝરવામો તેનાંવોને

[illegible]
(ગરેજી) અનઝોમા ગાઈઓમરદ મો મતરૂ મશ્રવીન
પશીનો ઝોરમન્દ ગાઈઓમરદ તે મેઢેર ઝઆગલ

[illegible]
ચચશોતે દરાના ચંદ દદરૂનત પનાહ ગાઈઓમરદ મદમ
વેઢેન (દરાઝ) (ઝેરદ) (વેઈગાન) બુલંદ ગાઈઓમરદ ઉપર
હતી

[illegible]
જેકે અનકોમા બેરેહીનદ મમનજમનવેદ બના પાઞ
તો કોરમજ્દ પેદાઆંધૂં રંર પરછે બાઞ

[illegible]
શાગલક વઈ ગોશ્ત ગુરય ગાબાંવપલ્લન પેદઈ
વરશાનો પંદર જ્વાંન શશ્ત મરદ માંર પશૂનો

[illegible]
બુદ પનાહ ખિઈ મન ગાઈમઅમત બૂલંદ રોશન
થાકી બૂલંદ પશૂનાં વા ગાઈઓમરદ જે બૂલંદ રોશન

[illegible]
જમીક સેસીમા ચગીન તારીક અશાવંદ ખાંન
જમીન સાત જેમ કુળધારુ જોઈ ઘર

[illegible]
મઅંનદ વા નાદ રાોજન ખરચશાવાંન ચગીન
રેઠો નદી તરવાર શરેક ખરવશાતરો જેમ

[illegible]
મેા માઠ ન ખુરશેદ ઝારદશાન મેા શાવદાર
તે માહાત ખુરશેદ ઝરતો તે મ.શામંન

[illegible]
દરાફશાન મન ગોહાંન જવનીમોના સોખશાન
બોળવાં કે જ્નીમાં કેહેલ સાચતો
ઉગા

[illegible]
અખતરાન રોતમન ગોખશાન શકુંન મારઁદગાન
શેતારા શારથે જોરેશા દેવો મરઁદરાંની

[illegible]
અનહોમા દામાંન અયઝા ગોનામહોનદ મીનીદ અનશા
હોરમઝદનાપેદાઈશ ઈમાને ગનામીનો વમારશી તેઉ

[illegible]
અનશા ગાઈઓમરદ મનનીદ અઝારીનીદ હમાઝ
(તેઉ) ગાઈઓમરદ કે શેયાઈ ખરાબજાયાતમાંમ

[illegible]
મરગ શેદા રગ, રોતમન પશતોગોઆદ
મોત દેવ ૧૦૦૦ શાથે અસ્તગવાદ

[illegible]
અનશા શોઝુનન પનાહ ગાઈઓમરદ પનકરદારાંન
તેથી મેલીઉ બુલંદ ગાઈઓમરદ ઉપર કરનારા

[illegible]
યારે ફુવજદન જઝુનીમ્નીદમદ લા બલીનજમાંન
સારા ખરાબજર વાળો છે પોટો સેહ નહી બુલંદ વખત

[illegible]
ગનાજમહોનદઅમતખ્વાન જાનરનેદ યગીન ઈઅરત
ગનામીનારે કે ઈબારે કેટલેક જેમ ચાંમેઓ જી

[illegible]
જીવનદગી ગાઈઓમરદ જો ઓમાંત મર પતફારઝ
જીનદગી ગાઈઓમરદ તે વખત પોહોચાત

[illegible]
મન આફ્રૂ બરેહાનીહ શ્રત રઝ મો ખુદાઈ
થી પછી પેદાઆઈઓ વરશ ત્રીશ તે શાકુઓ

[illegible]
ગોયત અવ્હ જવરાત શ્રત રઝ પતફારઝ મદને
ઝફીઉ તેઉ જેવો વરશ ૩૦ થાત — ગોઈર પોહોસ્યા

[illegible]
હમાક મરદુમ મર ابغریشنی برزیر અમત આગ ગાઈઓમરદ
تمام مردم પોસેઉ ડેરેમન જે ઈઆતે ગાઈઓમરદ

[illegible]
અમત રાગીર ગોમનઅમનહોમેચ બાનૂનદ ર તોખમે મન
از تخم من بوف و چیز این وه که

[illegible]
આતશ મો આફૂરપ ચાગઝદ કરશે ઝાર
آتش او پس و کند کار

[illegible]
ગોમીખત મરમ તારીકી પહુ અસ્ત મદ
رسید ازش هوا : تاریکی بر امیخته

[illegible]

[illegible]

પતઝોસ્ત શ્રાપીહૂ ઓ શશ્રો ફ્રબદ અવાખતરાંન

(મલેક) આશામાંને તે દેવ ઘણાં અવાખતરાંન

[illegible]

દહીશન દરુશીય ફ્રમનદ ગોમીખ્ત અખતરાન

પેદાઈશ તમામ છે મેલવો અવાખત્રાંન
શનતરરાકૃતો

[illegible]

(જનાક દમાક આતશ અમત મગનઘ બ્નીદ અકુ

જગો તમામ આતશ કે બેમ બરદ કિશ

[illegible]

શઆબીન રોશનયદ ખેર્હેદ મદમ ... બ્નીદ અકુ

રાતો રોશનેશું છે ઊપર ધૂમાડુ બરદ ઇશ

[illegible]

શરૂંન અદમશીદ ગનાકમદોનદ મીનીદ માનશાન

દેવો મારફીને ગનામીનો (વમાફીને) મનમો

[illegible]

શરતોગોમાહ ફ્રમનદ બનરહન ફ્રમઝોખશાન શરતા દયીન

(استنکار) છે થાઈષા કિશ્વરોઝશેશનાં દુનીઆં માંહે

[illegible]

દરુજશની રમીતનદ દોશાંન ઓ

દરુજશની નાંખે દોજખ તે

[illegible]
ગોમેખતન ખુબી પતહારઝ ચદ અઝરદ આરામાંન
મેલવવી સુબી ઘાતનો તો ઈમાને ઝીધો આરામાંન

[illegible]
તમમન દમીઝ મઝુંઅદ દહીન દોશાંન તોખાંન લા
તેજગો જમીન માંહે માંહે દોજખ રાખેઃ નહી

[illegible]
દહીન ચદદશ શોરત દમીઝ ગનાઝમહોનદ આઝ
માંહે તેથી ઝાઝી જમીન ગનાહમીનાઈ ઈમાને

[illegible]
ચચન શાના ચખને દ્રમાઝ ચગીન દોખારશીદ
માંહે દુનીઆં ચણોનો તમામ જેમ દોઝખો

[illegible]
સાલા દ્રમઝોખશાંન દ્રમેઆલ ચરદશની દશીઓરા
ખુદાંદ ઈઝતેઝેશીમાં ફરમાન ઝરદું દરવેશ

[illegible]
જાનનેદ ગોમનચ જાનેદ પેદાઝ ગોમેઝાન ઝશેદ
એકેક કે ઉપર જોડે મચાવ્યા નાખે

[illegible]
દશાન ચદદદ ચકાન તોનાઝમેઅબ્દીઆન અમન અઝાઝ
(જ્ઞાઝીઝઝ) ખુદાંદ ગાચદીઆઠાર કે ઈમાને
હુંઝ

[illegible]

હુદે પથનપદરદ અમરનમ..દૂર ગાહઅહોમ્ વપલ્લનશાન કેહમન

દાએ થી ગુજ્જરે કે પછી ગાહઆઓમરદ પેરઆઓ કાન

[illegible]

તેના મહ અહુરદાદ નાનાદ રોબરાંવપગાન ગોશાહોરેવદહમન

[illegible]થી ગારવઇઅઓજદાદ રવાંન જેમ ગોશાકો કાન રૂન

[illegible]

જે નીમ્બાદ બના તોના રવીન ભરરનન બાદુન નરના

ક્રીન ગાથાની અરાગ અરાઇઝે બાદુર ગાથાનાં

[illegible]

દાદીનદ પાંગ અહુજબાર પવનઅમન ગાનબારગ સંદ

રાખે પોઝાર ઇજબારગી થી કે મરદ કુણાર કેરણા

[illegible]

પવન દામઇન શેરોદરઇ આગનગારજદ અનકોમા મો

માટે પેદાશ શરદારી ઇમારજે પોઝારે કોરમનદ તે

[illegible]

મોરવર દબજનદાઇન વજનદ બીજ અમન શેરોનાન બના

ઉરવર તોઈ મોઈ અરઝારજીન કે નેલે

[illegible]

ગોપન મપનનગાબનજે અઈન આરા વજનદ ખોરશ

ઝડાઇ કેરિ મરદ તે છે ઇમાઇ વાઇમાં ખુરશ

[illegible]
અન્દ્રે અનઝોમના પાડોરેન પદ દામુનમ અગા
તેથી જેહે ય પરહેજ તો આપુ ઇઆરોને

[illegible]
અન ગોશડોરૂન વીમારાનેદ અનડોમા ગોપત
થી ગોશડોરૂન બેમાર ઇઆઠે હોરમજ્દ જહ્રાઓ

[illegible]
હુમનદ દદરૂનન અદમ વીમારશ ગનાઝમહોનદ જે
છે બોઇગીજાગોબૂનંદ બેમારી ગનામીનો તે

[illegible]
આનાજ ગોઅઠદ્વીન દમીજ ગોઅઠદ્વીન ગાબ્નાજે અદ
આંનાં કે માંહે આનીન કે માંહે મરદ તે આગર

[illegible]
શતરઅજ ગોઅન ગનાઝમહોનદ દામુનન શાટ પનાહ
જેહાન કે ગનામીનો આપણ બોઇમ બૂનંદ

[illegible]
પદ રાદ ગોશડોરૂન પનાહ હુમનદ અનશન લા
લાગી રાજ ગોશડોરૂન બૂનંદ શકેલો હતો નહી

[illegible]
પદ પનાહ આગાગાજા રેહે દમ પવન ગરઝેદ શતરપ.દુજ
તો બુનંદ હિજ ની થી પોઝારેહ શતરપાઠિઆ

[illegible]

[illegible]

પતાર અહુરમઝદ ગરજઈ પાકજ માદ

આગા તરેહ ની પોઝરહે પાકિઝ માહા ખુરશીદ ભની

[illegible]

ઝરોકરે અવર અવર પાકિઝ ખુરશીદ પદ

ઝરોકર પછી [illegible] તેહની ખુરશીદ પાકિઝમા લાગી

[illegible]

આો દાદારમ બના આગા નમૂદ બના જરતોશ્તરાન

તો આગે ઈઆતો દેખાડીતે જરતોશતાન

[illegible]

નાતત ખુરશીદ ઓરતીદ બના પરીરેણ અપર શરાન

થઈને ખુશી કેટે પરહેણ કે દુનીઆં

[illegible]

પરવરમ બના દોમ આગ મઝદરુનત ગોશરોઈન મદીનત

પાલતે પોતીશતે ઈઆતે ઝબુનઝીદ ગોશરોઈનો મીનો

[illegible]

દદશાનર શરા આો રબારર શરાન પપન આગા

પોતાની દુનીઆ તે પાકિઝે દુનીઆં માંહે ઈઆતે

[illegible]

આપાયતગીથ કેપત નાતત હમદાદાનશાન

આવાયતની શાત થાકિઆો રાજ

[illegible]

અખત્રીઝ રાયઝાયદ હ્યત રંત ઓ રાસ્તાકૂવદાંન

શીતારા રોપેદેરાસ્તાર રાસ્ત રાસ્ત તે રોપેદેરાસ્તાર

[illegible]

વેહેરાંમ તેશતર ઓ અવાખતર નીર મગાન
મંગલ તેશતર તે અવાખતર નીર જેમ
બુધ

[illegible]

અવાખ્તર અનહોમા હ્યતોઝરંગ ઓ અવાખતર
અવાખ્તર હોરમજ્દ હુક્તોરંગ તે અવાખતર
તરશાત

[illegible]

શતોરૂશ ઓ અવાખતર જાહીદ પનંદ ઓ
શાહુસરા તે અવાખતર શુક્ર પનંદ તે

[illegible]

આરશમાંન મઝાન માહ ઓ અવાખતર કેવાન
આરશમાંઇ દરમીઆંઇ મો કુનાયને તે અવાખત્ર શનીશ્ચર

[illegible]

ખુરશદ
ખુરશેદ

[illegible]

ખુરશીદ જીવનીજનદ મદ શતારગાન ૫ માહ ૫
ખુરશેદ છે પોયેના શેતારાઓ અને માહ અને

[illegible]

[illegible]

છે   પોતે શરાબિતે

[illegible]

ઉરદન તોબાીકઅ પનાહ વદ આગ્ગ હુમપદમાંતો પતન
કરવો શકે મગ ઉનાહ તો ઇઆને ઉઝદાઅંદાન થી

[illegible]

ગોરાંન પેરામૂન આગ્ગ પેદાજ અલબુરઝ કોપે
ઉનીઆંની આરાશપાર ઇઆઉ જાડ અલબોરજનુ પાડુ

[illegible]

ઉારદીન ખુરશીદ ગોરાંન મહાંદે કોપેતારકે
રસ્યું ખુરશેદ ઉનીઆંની દરમીઆંન કોડેહીર

[illegible]

પરે મઉ અવીજ્દ ઝીણ ગોરાંન પેરામૂનો ભીઆ સાગીઉ
ગોરાથી ખરલેશ માંહે ઉનીઆંની આરશપારી પાણી જેમ

[illegible]

ઉરદેદ રપાર તીર પેરામૂન અલબુરઝ કોપે
ઘેરા પાણી તીરની આરશપાર અલબોરજ પાડુ

[illegible]

ખુરશીદ ર જે મપન અલબુરઝ તીરકે આગ્ગ ભારતી સાગીઉ
ખોરશેદ માહ તે કે અલબોરજ તીર ઇઆઉ જેટેમ જેમ

[illegible]

મમઉ :૧૨૬૬ રમ૨૨ મન શેતાનગાનેબાના

શર કરે પાછા પછવાડે થી શેતાનરાવો માહા

[illegible]

રેલ ખોરાશાંન પવન=પછીન રોજન ફેશતાદ ૫ ૨લ

હિઝરો ખુરશીદ માંહે છે બૂરજ ફેરી અને હિઝરો
ઉગામણ

[illegible]

ખુરશીદ અળબોક પવન ખોરપશાંન પવન ફેશતાદ ૫

ખુરશીદ અલબુરજ થી ઉત્તરશાંન ફેરી અને
આથમન

[illegible]

રોજને પવન નારનેદ દક્ષિણ રોજને પવન નમઝુનાર

થી આવેસ માંહે માંહે દોડે ફર

[illegible]

ઉમાક અવાખતર અખ્તર.ાન બાના વશ્ઝેનેદ બના

તમાંમ અવાખતર શેતાના માહ નાહિય

[illegible]

ઉમા નીમ ફેશધર ૩ રોજ ફેના વરમઉઓ રોબાશ બુર્ણેદ

તમાં ફરશોમૂરજ તરાન દોડે ફર તે તે સાલબૂ વાઈ

[illegible]

ફેના પવન પૈદાક દીદ ચશમ પવન ચગાબ નાર્નેદ

ફર નાફેર દીથા આંખે જેમ ચાલેય

[illegible]

[illegible]

ગુન પસઉ મમન રાશાત ઉગમાય રોજ બાર દો શાયા
બુન થી શર બરાબર રાત મહેદાડે દિમૂસ્ત વરશે

[illegible]

ઉગમાય ઔપરપત પનાહ ખોરદ નજદશાત મઉ મપન દરશે
રાત મહે દાડો રાત આગળ અવલ થાકે બેક
વીજળા

[illegible]

નજદસ્ત ઓ મયૂબુદ વહાર દુજાગીમબુદ રાશાત
અવલ તે કે થાઈ બાદ્દારનો વખત થાઈ બરાબર

[illegible]

ગુનહગ મકેશાત ઔમાંને નામતુનેદ ઝરઝંગા ખુરદ
તમાંમ બજેરગા વખત પોહરેસે ઝરઝનાં વીજળા

[illegible]

જવમ નામતુનેદ તરાજુ ખુરદ ઓ મપઉદ્રામાન
દરદ્રાજે પોહોચે તોલાનાં વીજળા ઓ કેફુનાયાતો

[illegible]

વદ્રી ખુરદ ઓ મપઉ ચાહોર ગુન રાશાત ઉગમાવ
મઝ પંઝના તે કે અણ શરૂ બરાબર રાત અહે

[illegible]

મીર મપણ - દમેશાતાંન બુને મેહ દાવ નામતુનેદ
તે કે ઠંડ શરૂ મોહોરી રાત પોહોચે

[illegible]
[illegible]
થઈ પાછો બરાબર [illegible] રાત પોકોયે મેખમો

[illegible]
[illegible]
મેખમોતે પાછો તો [illegible] મેખ થી જે જેમ

[illegible]
રોજ [illegible] ૩૦૦ [illegible]
[illegible] પાંચ તે [illegible] આવે

[illegible]
[illegible]
[illegible] આવે માંડે [illegible] માંડે [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] છે [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] થી [illegible]

[illegible]

[illegible]
જુશસ્ત જ્યમે પ્યન ૧૬ જાતુનેદ મહમ મહશત રોજ પ્યન
નાંધળા દાડ્યામાંહે લગી આવે જુબેદ મોહોટા દાડ્યા માંહે

[illegible]
તમમઈમન ૨૧૫૬ જેશાવર ખોરાશાંન જાતુનેદ મહમ
તેજગોથી શાવેહ્રે મુલક ખોરાશાંનનો આવે જુબેદ
આતેમુલકનાંનો — ઈમાનેઈગ્રામનનો

[illegible]
જ્યમે પ્યન ૧૬ જાતુનેદ મહમ જુશાશત જ્યમે પ્યન ઝોરાગ
(દાડ્યામાંહે લગી આવ્યો જુબેદ નાંધળા (દાડ્યામાંહે ઈમાઈ

[illegible]
૨૨૬૬૫૨ જેશાવર નીમરોજ જુસ્તે વજેનેદ બના જેર
૨૨૬૬૨શ મુલક દર્યાગ તરર જાહે નાંધળા
મુલકને

[illegible]
મહશ રોજ પ્યઈ આગ તમમઈ મન ૫૬૬૨૨
મોહોટા (દાડ્યા માંહે જે તેજગોથી ૫૬૬૨શ મુલકસોથી

[illegible]
પ્યઈ આગ તમમન મઈ અરજ જેશાવર ઓરપરાંન વજેનેદ
માંર ... તેજગા થી અરજે મુલક આઇમાગાનાં જાહે
મુલકએ કોલા

[illegible]
મહે જ્યમેપ્યન આગ તમમઈ ૫૬ જાતુનેદ દહેન મહશો જ્યમે
મોહોટા દાડ્યામાંહે જે તેજગો લગી આવે માંહે મોહોટા દાડ્યા

[illegible]

વોરોજરેશ્ત વોરોબરશ્ત કેશ્વર અરઝહ પશ્ચેનીદદશ્ન

વોરોજર વોરોબરશ્ત મૂલક અતરનાં જઈ અંદર શતમૂલ મૂલકપાંચમો કહ્યો

[illegible]

શવહ કેશ્વર જાત્નેદ મદમ ખુરશીદ અમત

શવેહમૂલ મૂલક આવે ઉપર ખુરશીદ કે ઊગે

[illegible]

મદઊ તાખેદ ખુનરથ મઊ નીમ વીદદપશ્ ઝરદદરઈ

કે તમેમ ખુનરશ મૂલકશ થી હરદ વીદદરશ ઝરદદરશમૂલ કે નીમ તમ

[illegible]

કેશ્વર પશ્ચેનીદદશ્ન તારીક ઝુશ્તાક જે પવન

મૂલક જઈ મોટો કનધારી તરર તે થી

[illegible]

તાખેદ ખોનરથ મન નીમો વો:ોબરશઊ વોરોબરશઊ અરજ્હ

શેરાત ખૂનર થી તરર વોરો અને વેરોબ અઠે અરઝહ થાહિય શની જરશ નની રશત

[illegible]

કરદો મદમ સેવીઆ તમમઊજ્યમ રતામઊ અમત

જે કિ ઉપર રાત તેઓ હાટાગોઉ ઓ

[illegible]

ગનાઝમઆવરપતઝરશ્ત શેતમઊ શતા દહશ્નાનાં

ગનાકમીનો ઘાતનોકરનાર શાથે કનીઆંની પેદાઈશ લખાશતે

[illegible]

[illegible]
હોરમજદ દઈન ચગીઈ ગનાજ નદાનદ આગા, દીન પન અમરવંદ
(હો)મો અંદર જાને ગનાહગારીનો ઈમાનેદીન માંહે કેદ્ય

[illegible]
નયશામન જોરશા ગઝાન ઈપવીઝદે ચારી મદમ મમા
પોતાનાં જોર (દુનીઆંમાં)લેશ ગાસેબી ઉપર શર

[illegible]
મહોનદ ઝામીશાન હોરમજદીતન રપાર દીદ
મીનો ચારીઈ (હો)માએનું પાછો દીઠો

[illegible]
મયન અરથેશતારાંન જે ચગીન ઈપારશમાંન
કે પેહેલવાનની તે મોશાળે આરાશમાંન

[illegible]
આરશમાંન અવીત જ્રશમઈ જેનીમૂનાદ પદમોખત
આરશમાંન છે પોતે

[illegible]
મદમ શાતેજ પયન વનારદ ગનાજમદોનદ પદારે
(બુલંદ) (જાગા) માંહે (ગાહ) નારકી ગનામીનોની મોજાએ

[illegible]
શાન્તર દરમૂશ્તી અનાઝોમા અમત વદ દહૂનન
હોરમજદ કે જાગા (નેઈગાહ)

[illegible]

ઉરદ બના પેરામૂન આસ્માન પદીરજ આશમાઇમન

ઝદ્યો આશીપારી|આશીમાન મૂઝબેળ આશમાનથી

[illegible]

રોબાન અરેદેશનારાન ઝરોફાર અદૅ

રૂવાન પેડ્ડેસવાનો ઝરોફર તેથી

[illegible]

કુમાનાઝ આશીમાન પેરામૂને ફ્રેમન

કે મીશાલ આશીમાન|આશીપારી હાત

[illegible]

ફરવોશીનરમપન વરમોશાન અંગોશીદેહ રોફ્રીમદેવાન

ફરવોશીનાઈ કે તેનાંવો શાર અંદર

આનેઝોટ

[illegible]

ગાનાઝમહેમાદ્દઈઆરત પા અદૅ પદરવંદ પરશી

ગાનાઝમીનો સામેરુ નહી તેથી ઉઝરવ પરશીઆની

[illegible]

અદૅ હોઆરેશાત રબાર મપન વદરગ ગાનાઝમહેમાદ

(તેઈ હેડૂઆ પાછો કે શરણ ગાનાઝમીનો

[illegible]

અજુ દરૂ શાડાન અવખ્શાનદન ઇરેશનુ બના

બાઝારઈઆ દેખાન પરાબઝરવ નેઇગ

નોનાબુદ્થાનું

[illegible]

[illegible]

નપશ્નામહ પારોન્દ્રા ઝરનામ ક્ષ્પનડોમા ચગીન નપશ્નામહ

પોતે સ્તેઈમનદ્દ આઝબાતહોરમજ્દ જેમ પોતાના

[illegible]

રોબશાની દમા દમા વદ ઉરદ ઝરશાગારદ

જારી ઉમેશે ઉમેશે તો ઝોઉ ઝમાંમત

[illegible]

મગાહ જે મહ ઉરદ મીમા રાતમન ઉરદો દદીગર

જેમ તે થા ઝોઈ ચાંગી રાથે એકુ બીજા

[illegible]

ચપન મીમા ઝરંજા ચપન શાતર તેશાતર

ચાંગી ઝરઝ થા શાતારો તેશાતર

[illegible]

અઈઆગદ અમાનમ દગ ચીન જૂદ દાંના ઉશાતનદ

(પુરજોદુરેમહઉ) (દા) તેઓમાંહે ફરતો દાંના પરેશ

[illegible]

(ઝશાતે ચપન ઓ રપાર દોજારેશ્ના દર્જ

તર, થા તે પાછો ડોઉમો અંદર

[illegible]

(ઉના મહ જાતરન પેદાગ્રશ્ન ઓ મદમ ઓરમઝાંન

ઉર શર આઈમો જાડુરે) તે ઉપર આઈમગા

[illegible]
બીના પહારોનાં તીર બીના અખતરે નાપશામને બીનાકુ
માંહ ચોથો તીર માહે શેતારોહે પોતે મહીનેકુ

[illegible]
પગીન વરક મન અખતર પહારોમ ઝરમંગ શસ્ત મન
જેમ મેખ થી શીતારો ચોથો ઝરઝ પરશા થી

[illegible]
દખશીહે ...હીન તેશતર મવનશ ઝરમંગ નાપશામન
પછાત ધુરી માંહે તેશતર જેતે ઝરઝ પોતે

[illegible]
મદમ વારવા મીમા અબ્જ નામ્રદ ઝરદાર વારાંન
ઉપર વુરૂંદ પાંગી તેહે દેખાડીી ઝરઝ વરશાદ

[illegible]
તેશતર રોતમન હમારાંન વાદ નીરૂ પવન દદરૂનન
તેશતર શાથે ડમઝારો પવનની ઝડીમત થી ફોડીગરૂ

[illegible]
પરવાંનગી પવન ગાદન હડ્ડમનઉમનદ નેઝનીહનાદ
ઉપા થી ઉંબદ બડમન હુ હિંગોતાં

[illegible]
વાનારશીન પદમાંન પવન અરદારરોહાર નાન મુરદ
અનદાગ થી અરદારરોહર અડે ઉંબદ મુરદ

[illegible]

[illegible]

ઝરપ ગાબના દાદ બના ઝરપ તલત પવન તેશાતર
શરસ્તે મરદની પેદાઝીધો શરસ્ત તરાગ થી તેશાતરને

[illegible]

ઇદને શાબાન જમપ રજ ઝરપ તોના ઝરપ મશ્પ
એદર રાતો (દારૂાગ)તરીશ શરસ્તે રાગની શરસ્તે થોડોની

[illegible]

પારાંત શાબાન જમપ ૧૦ ઝરશે ઝના પવન (વજદ) રોશાનશ
વરશાવ રાત (દશાદા)શરસ્તફિકેદર થી જાતાથકિ રોશાનીની

[illegible]

ચાખશે ઝના આગ જમનરંદ ચગીન ઝરદ
શેતારો દરફિકિઇઆઇકેડેચ જેમ ઝીધૂ

[illegible]

શારશાકે ઝેના પારાંત જે દરીનદ ઝરપ તપાતા
છાંટે દર વરશાદનાંતે રાએમ શરસ્ત તરાગ

[illegible]

ગાબના દમીઝ ગોમવ હમાક્ર દાદ રબા તરશાતે મંદ
મરદ જમીન ફ તમાંમ મારેઓ બળોરગ તરાત ઝેરજ
પરરાજે
દુરોદપર્શ્યાતતરપાતી

[illegible]

ખારપશાતરાંને જે જઝેનીમનેદ બના મામા બાતા
ખરવશાતરાં તે ઊતો પાણી વરસંદ

[illegible]
પવન જેતરૂનત બના પારાન જે પવન કમાત જમીં પવન
(૭) તોડેઆં વરશાદ તે થી તમામ જમીન માંહે

[illegible]
મહોનદ આહર ફુમનદ પજેનતદબીન દમાત શરરાબે
મીનો પછી છે થાહસાં મેહે જમીન શરરાબ

[illegible]
ઘૂન આદા પગીઠ જુનીમુનો ગોમેખત પા મગીઠ પાદ
માંહે જાંન જેમ છે મલેલો નહી જેમ ગોમઃ

[illegible]
જમબનેદ પનાહ અંદરપાદ પાદ જમબનેદ તપન
હીલેઆ . . બૂલંદ પવનમાં માંહે પવન હીલ તનની

[illegible]
અો બના મોશાતબના તમાત મીઆજે અબ્ને
તે હાજત તમામ પાણી તે તેથી

[illegible]
અબ્ને જરદપરશંજરદ જાહીતગોનાદ દમીત જુનારે
તેહે જરદેરશંજરદ જાહેમીનો જમીન જુનાર

[illegible]
દવીનદમીત પવન મુરદે અંદર ખરપશાતર જે જાજનાત
જમીનમાંહે મુવેલાં ખરપશાતર તે આડેઆ

[illegible]
ગોરેમેખતહુઈદમીજ પવનગાનદગી વ જાહેર અવલમાંનદ
(મહ) અંદરજમીન મોહેગાનદગીઅને જાહેર તેથી રહેમાં

[illegible]
પવન તેશાતર રા દદરેનતઈ બના દમીક મનવશા જેજ
થી તેશાતર વાસ્તે સોઈજાવાને જમીન થીજાહેર તે

[illegible]
રેશોદ જાહેર દઈનશરમલ દરાજ શાંપીદે ઉશરે અશીય
નીચે જોઈ અંઘારસમધો રાનીય લી લાંબી શરેદ શકરત ઘોરાની

[illegible]
(કુમાંનાઝ પવન શરદા ગ્રુપવશા આફર વજરેનેદ
મીશાલ થી દેવ અપવશાદે પછી ગીઓ વનરાંમહ

[illegible]
બના જાતનત પહીરદ શરમબ ઊોઝ શીશ્યાદ અશાયે
અરૂમિઓ મોઝાવજશરમનો ગોલ ઝરસો ઘોરો

[illegible]
ستور શાતઝે તેશાતર ઝરશીંગ અહુઝ અજ્ઝ(નજદ
ગં.. તેશાતર ઝરશીંગ હુઝ તેથી જારીયાહુઓ

[illegible]
પીરોજ્ઝ બનાકોમા મન તેશાતર તાજાંનીદ બના
ઝતેહેમંદી ડોરઅજ્દ થી તેશાતરે દોડાવેઓ

[illegible]
જાન્નતોમઝીલ દાબ્નુતાત ગોર ઉઝ અનાફોમા પાકત
કેઉરૂ લેખ અપોરૂ ગોર કુઉમત ફોરમતેદ ચાકી

[illegible]
ગોશાન શોશામા ૧૦ ફમજાન પવન તેશાતર અગા
જ્યાંત દ્યોરા ૧૦ તેફજ્વમત મોંડે તેશાતર ઇમાઉ

[illegible]
મોજ રોઇ ૧૦ ઝોપ ૧૦ ગોરુઉ તોનાડ ૧૦ ગોશાન જામનાડ ૧૦
ફઝુઉ નાઇ ૧૦ પાડુ ૧૦ જ્યાંત ગાદ ૧૦ જ્યાંત ફૂટ ફશા
(મત

[illegible]
શાફા અપવશ ઝરશાંગા મજો દદરૂનાત મદમ
દેવળે અપવશા ઝરશાંગા તેથી ભોજગાર બુલંદ
[illegible]

[illegible]
પવન ઝંઝારા તારીફ જાના નાઇડ શાતોફ રવન
શાગથ ઉરગાહા ફેરવેઓ કુઉમ અગાજે શા
શાતે તે

[illegible]
પાઉ [illegible] જમતેદ તેશાતર મઢા તીર ચમ ઝુ
પડી કેઉરૂ તેશાતરની શાગથે નીર [illegible] તે

[illegible]
ઝાર જો ઝુરે મદ પદમાંનફે મો મપર
ઝોમ તો દરીઆ અગાર અંદાજે તો પાડલ ~~[illegible]~~

[illegible]

[illegible]
શરોશપતે સંદ બોશાગુનાદ મદમ મીઆ બમનુણદ અદરુંન
અણઈબા કેરબ લાઈ બુરોદ પોગી કેદેચ ઈરવેશી

[illegible]
શરોબનગાબીરોદિશામન તોબા શરશકે પવન પારાંનેદ
શરે મરદને શરનાં (ગાગુનાં કતરા થી પરશાવેય

[illegible]
બે દઈન જશીમ પ મશાય બરોક દિમંદ બશક મોશત
તે મોડેનાંધેલા અને મોકોરા દાત અણાઈમશી

[illegible]
શફા અપોશ અશીપોબશી (કરદન વરશાંન
દેવ اوش نام دیو اسپوزش نام دیو કરવા વરશાદ

[illegible]
બાતુનો દઈન વાબશન ઓતશ ફરમનદ ઓઅશોઈ
આવે મોડે વરબશત આતશ દ્રઇ લડાઈકરે

[illegible]
કરદ કારતા ગરશાંતોમ માઈત્રિનશની દદ બેકે મન
(શ્રી) પોઝાર અાગુનારી મારવામો દાંઝ તે થી
[illegible]
દાંઝ કરવા વરશાદ થી બેક તે મોઈદેયે બેમ

[illegible]

(અકુદનો જે પછી જમ (લોક)મા અજોરા પેદાકે   રોદ

તરેડ઼ો તે માંડે (દુરો) રતન   તેથી જીતેર   રોદ

[illegible]

અરપશાતરાંનજીહાર   જીહા   પશ પજા ઉરદ પારાંવ

અરપશાતરોજ ,, ,,   જીતેર દુઓ (ઉરદુ) પરશાવું

[illegible]

ગઠમાખત બના મીમા જે દપીઠ દમાક (બુદ દમીક દપીઠ

મસીદ્દી   ચાંગી તે   માંડે   તમાંમ(કુરાન જમીનમાંડે)

[illegible]

બના દમીક દપીઠ મસદ બાનતા બના રોર મીમા જે

જમીન માંડે શર   ચડીઓ   આકે ચાંગી તે

[illegible]

દમા   અરપશાતરાંન તોખમે જે મન માંનદ

તમાંમ   અરસશાતરો તોખમ તે થી રહ્યો

[illegible]

જમાને બુનાદની પદ દસઅકુદતે પછી મીમા જે પાદ માહેર

ઉ તમાંમી લગીતે જારેહે થા ચાંરાંન તે પચ.ળ પછી

(દાહડાની મત)

[illegible]

વધાતા દારાત રખાર દમીક ઉસ્તે (ઉસ્તે) પપન

તરાઝ રખીઓ ચરાડુ જમીનની તરફ   તરફે થા

[illegible]

દો ઓવરતા અવસ્ત જહ ઓઇ (૨૩) અવ ઓઇદે

દિબે થાહ્રિઆ તેથી નાંધળ દરીઆ તેવીશ મોહોટા દરીઆ

[illegible]

અહુકુ ફ્રમવદ ઓવરતા પેદાક અવસ્ત ઓઇ પશામે

ઉકુ દો થાહ્રિયા પેદા તેકુ દરી પશામાં
આવ્યાં

[illegible]

ઓ હૃમાઇબુન મવનશરાંવ શોવખ અહુકુ વ સેચશરતવર

او دریا اصل તેનાવોકે શોવબર દુકુ અને સેચશાતેવર

[illegible]

ઝુશ્તે ઓ અવસ્ત ઓજીમંદ પતોશાવ ઓઇ પશામતે

چشمه زره پیوست ایستید ازان او طرف

[illegible]

અહુકુ ખોરાશાંન અહુકુ ઓઇ ઓવા રોદ દો અવયવન્ત

او اختر رود به دوید یک خراسان یعنی یک
شرق

[illegible]

વરાશોદ રોદ અહુતરે ફ્રમહે વખ્રિતા અવરવરાદે અવો

او اوروزان شاره اند ناهیمند ود
یعنی غرب

[illegible]

દુનદ ઓઇકુ અંગોરિતા ઓકે પરશ આવાગ ઓવરનીદ પગુન

چون گوید که به آن انگشت جای اند

[illegible]

[illegible]

هر [illegible] آب دوید (تازید) فراز کشان هر دو رود به

[illegible]

[illegible]

هر سر زمین به گردد (سردینید) زره پرانکرد

[illegible]

[illegible]

باز (تنزید) او آب اندر امیزد آن [illegible] رود به دوید

[illegible]

[illegible]

از هم بخش دریا او او روشان ناجره رود

[illegible]

[illegible]

از ایها باقی بس شد و جاری به (تنزید) تاودان

[illegible]

[illegible]

آن [illegible] به جاری شد بهت روشان نام

[illegible]

[illegible]

باز او اروند رود و وه رود ریزد که

نام رود که او را ارگ نام کنند

[illegible]

ایشان مشرق داشتن دنیا ازو بر ارگند خواور نام رودست

گناه مینو با زمین کرد چیان گناه مینو

اندر دوید زمین به جنبید آن منبع کوه

از زمین داد الیتیم اول البرز کوه

ساخت پس باقی کوها کاه سیانه زمین

چه چیان البرز بلند زیاده شد تمام کوه او

جاری است اند چه تمام از ریشه البرز سخ

البرز بلند زیادکند هست به آن زمین از زمین

[illegible]

[illegible]

بر آمده هست درخت مثال که تا او بر

[illegible]

[illegible]

رضا او زیر روئیت ازیشان ریشه یک اندر دیگر

[illegible]

[illegible]

به گزارد به هم ببندهشتنی به گزارد

[illegible]

[illegible]

رست پس از آن زمین به آن شکافت جاری کردن

[illegible]

[illegible]

گوید که کوه به تمام زمین آن راه آبها

[illegible]

[illegible]

اندر کوها ریشه کوها زیر زبر به

[illegible]

[illegible]

هشته کو ازان اندر جاری شود چون ریشه

انگوشیده پذیرند

درختان اندر زمین پذیرند همگوشه خون اندر رگ

مردمان که زور او تمام تن داد جدا

از البرز به هجده سال تمام به کوه از

سود پرهیخته

زمین روارت هست که پرهیزیدن فایده فایده مردمان

ازان هر رود وروران کرد آن که خشک

به بوم امرداد امشاسفند نیکونکی زد و بران

طرف با آب نشتر آن آب به تمام زمین

ستاند به آمیزد نشتر

[illegible]
[illegible]
به باراند به تمام زمین اورور به رست چیان

[illegible]
[illegible]
که اندر سر مردمان ده‌هزار ازان یک سرده

[illegible]
[illegible]
حفت فراز افزوده بهت به باز داشتن

[illegible]
[illegible]
ده‌هزار سرده بسیاری گناه مینو او پیدایش

[illegible]
[illegible]
فراز کرد از آن ده‌هزار یکصدوبیست‌هزار سرده

[illegible]
[illegible] وخشید [illegible]
اورور فراز افزوده بهت از آن کامه تخم

[illegible]
[illegible]
اوروران درخت تمام تخم فراز داد اند زره

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فرانکرد بلند رست که تمام سرده اوروران

[illegible]

[illegible] نزدیک

تخم ازان تمام افزاید نزدیک اوآن درخت هروسپ

[illegible]

[illegible]

تخمه گوکرد درخت به داد به باز داشتم

[illegible]

[illegible] پرهختشن [illegible]

مرگ پرهیز کردن دینا ازان

[illegible]

[illegible]

بوسه چه اردو با گاو یک داد سرص

[illegible]

[illegible]

چهارم فراز گرفت اورور و [illegible] را از هم اندام

[illegible]

[illegible]

گاو پنجاه و پنج سرده جوردا دوازده سرده

[illegible]

[illegible]

اورور تندرستی از زمین بلند افزود ازیشان روشن

دهنده

[illegible]

[illegible]

زور آن تخم گاو یک او ماه پایه

[illegible]

افسپارد پالود [illegible]

سپرد آن تخم به روشن ماه صاف تندرست

[illegible]

[illegible] کان ویراست [illegible]

به بهمان گونه آراست جان اندر تن کرد از انجا

[illegible]

[illegible]

دو تن یک مرد و یک ماده پس از هر سرده

[illegible]

[illegible]

دو صد و پنجاه و دو سرده به زمین بسیار به بود

[illegible]

[illegible] اندرفا [illegible]

هند مرغان خانه دار به اندرون ماهی

[illegible]

[illegible]
[illegible]
به اندر آب زیوستن زمین به دین کوید که

[illegible]
[illegible]
زمین ستی و شسته سرده آن روز که تشتر باران

[illegible]
[illegible]
کرد که او زره ازان بوم هند تام

[illegible]
[illegible]
جای نم آب کرفت به هفت پاره به

[illegible]
[illegible]
بود پاره این چند نیم میان ششن پاره

[illegible]
[illegible]
کرداکرد آن ششن پاره چند [illegible] ازان

[illegible]
[illegible]
کام نهاد پاره پاره به پوه بچین

[illegible]
[illegible] گشت [illegible]
پاره یک طرف خراسان شوه کیشور اوروران

[illegible]
[illegible]
ارزه کیشور دو پاره به طرف نیمروز

[illegible]
[illegible]
فرددفش و ویددفش کیشور [illegible] پاره به

[illegible]
[illegible]
طرف اواختر وروبرشت وروزرشت کیشور

[illegible]
[illegible]
آن میان [illegible] زره دارید

[illegible]
[illegible]
ص مهره از آن زره پرانکرد گرداگرد به

[illegible]
[illegible]
گشت وروبرشت وروزرشت کوه بلند به رست

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که او از کیشور او کیشور شدن نه توان

[illegible]

[illegible]

از این هفت کیشور تمام نیکی اندر [illegible] نام ملک

[illegible]

ویش [illegible] کرینید

زیاد داد گناه مینو او خنزت زیان کرد

[illegible]

[illegible]

بدی را زبان ازان دید چه کیان

[illegible]

ویران [illegible]

مردان اندر خنزت داد وه دین مازدیسنی

[illegible]

[illegible]

به خنزت داد پس باقی کیشور برد

[illegible]

[illegible]

سوشیوش اندر خنزت زاید که گناه مینو

[illegible]

[illegible]

ناکار کنند و رستاخیز تن پسین کنند

[illegible]

[illegible]

اول که دیدم آ کوید کوهان چکونکی ج

[illegible]

[illegible]

کوه بلند رسته اند به هجده سال

[illegible]

[illegible]

البرز تا تمام هشتصد سال تمام رست

[illegible]

[illegible]

وصد سال او آب [illegible] دوصد سال او خورشید

[illegible]

[illegible]

یاب و هفتصد سال او اشریخ بیشمار روشنی چون دیگر

[illegible]

[illegible]

کوهان از البرز رست اند به ملک دوهزار و صد

شمار [illegible] اسی

[illegible]

وچهل و چهار کوه هست هوکر نام کوه بلند تیر نام کوه البرز نام کوه

[illegible]

چکاد نام کوه دایتی نام کوه پشت هوسندوم نام کوه کوه

[illegible]

کوه اپارسیند که ؟ کوه پارس کوید

[illegible]

زیرپز که هست کوه منوش کوه اکرز کوه

[illegible]

کف کوه بادکیس کوه هوشدادار کوه

[illegible]

ارزور بوم کوه روشنمند کوه پدشخوارکر

[illegible]

ه که بزرگ اندر حارش کوه چین

પાહડોની ઈઝાઅત

[illegible]

કોફ અજ઼ર દારશાનેદ કોફે રેવનદ કોફ ક્ષીરજ઼નેદ

حوانید کوه ریوند کوه دارسپید بغیر کوه

[illegible]

કોફે કોફે શરાકેત અદ કોફ

کوه کوه وس شکفت کوه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

દાદાર રાંમશ્ન ફ્રમનદ અનારશાની અગર અનરહેદ

گوید که انسانی اندر رامش دادار

[illegible]

અનરણનાદ આરીઆનાં કોફ શરવીર

کوه اریان دوکان دوطرح کریم

یعنی دیگر بار

[illegible]

અનારાશાનો દમીગ ગોઅન રેરાસુને કોફ અલબુર્ઝ

البرز کوه گرداگرد این زمین و اسمان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بیوست

پیوست است مقابل البرز آن که ستاره

[illegible]

[illegible] وديرزيد [illegible]

ماه خورشید بدان اندر گذرد و بدان باز

[illegible]

[illegible]

آید هوکر بلند آن که آب اردویسور

[illegible]

[illegible] فرود [illegible]

ارزان زیر آید هزار مرد بالا هوسیدوم نام کوه

[illegible]

[illegible]

کوه آن که از نیک نشان از گوهر آسمان سیان

[illegible]

[illegible]

زره پرانکرد که او آب از هوکر بدان

[illegible]

[illegible]

زیر زریزید چکاد دائتی آن سیانه

چکاد دائتی نام کوه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دنیا صد مرد بالا که آن پیش ودیول بیدان

[illegible]

[illegible]

است روان به آن جا شمار کند البرز

[illegible]

[illegible]

کوه که آن کهان در په

[illegible]

[illegible]

همه شه دیوان دویدن انجا کنند

[illegible]

[illegible]

کوه این گوید که این البرز و ابارسین کوه

[illegible]

[illegible]

بزرگ است ابارسین کوه کوه پارس خوانند

[illegible]

[illegible]

ازان بن په سیستان ازاو سر په

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مشرق که او کوه مانش کوه هینوچهر

نام کوه

[illegible]

ورموشان من فرهست [illegible] ۴۶۲۱

بدان زاد باقی کوه بسیار از اوشان

[illegible]

روست هوند چیین جنونید آغ

رسته اند چون گوید که

[illegible]

بیرامون کوب ویش جست زگینموند

گرداگرد کوه بسیار رسید هست

[illegible]

کوبه ایرج پوانی مهانه آمدان ود خوارزم

کوه ایرج به میانه گیلان تا خوارزم

[illegible]

من کوب اپارسین روست زگینموند کوبه مونش

از کوه اپارسین رست است کوه که او

[illegible]

بوانی خوراسان پوانی جنوند تورستان اوج

به خراسان به گوید ترکستان اوج

طرف

પાદ્યાબોની કુશ્તીન

[illegible]
કુમાજ મન ઝુપ [illegible] જ્ઞનીઝ્નેદ પટોરાન ઝપારેરીન
તમામ થીજુર પાદ્યા છે મલેલા અપારેરીન

[illegible]
દોશદારાનાર ઝોય જ્ઞનીઝ્ન રોશાન ઝોય
દોશદારસ્તારઈઆને પાદ્યા છે ફેલો પાદ્યા
અવલખોરદ

[illegible]
ઝુશાતે પથન જ્ઞે અરજુર ઝોયે રાશાનાંન પથન
નરર માંહે તે અરજુર પાદ્યા રાશ્તાંન માંહે

[illegible]
પથન જ્ઞે ઝોય પદશખ્વોઆરગાર પ અરેઝ
નવશ્તાંનમાંહે તે પાદ્યા પદશખ્વારગાર અઠ ઝુમની

[illegible]
પથન ઝોય રેપનદ ઝુશાતે જ્ઞે ગાસાંન નવશ્તાંન
માંહે પાદ્યા રેવંદ નરર તે ઝીલાંન

[illegible]
નરાશાન પદશ આત્નેબ્યુરજ્ન મથનર ખ્વોરારેશાંન
બેઠા તેમાંહે આદરજુરજ્ન ઝેને ખ્વોરાશાંન

[illegible]
ઝોય વારદઝશા રેફ્રમંદ આગ મના રેપનદ અવને
પાદ્યા આગ રે ઝરમંદ ઇમાંઠે રેવંદ તેથી
૮-૧૦/૬૮

[illegible]

[illegible]
પુરદાર પુરાન જે આજરદાદગાશન પદન જે
(જાદુગરેષ) નર તે ઝેઇ પાદઝઅશાન માંહે તે
ઝંદા

[illegible]
પરાશન આવેરુ જે ઝોપ ગુરદરમન
(અઝરાશ આવરઝમ તે પાદુ) જાદુગરેસ

[illegible]
ઝરદ મહ્દેશ્માન જે અખે ઝરદ દરસ્તી પદન
ઝોપાંતેમાંહે ધર તે તેથી ઝોધો ઝોર માંહે

[illegible]
મતા બાદુર શાતન રોમનરોજ અખે
ગામ ૧૦૦૦ શોહેર ફીરોઝ તેથી
હદો

[illegible]
શાગપત ઝુબદ ઝોપ રમીતનોદ મદમ શાતનશાતાન
અબુખિનઘાગા (પાદુ) નાખેઆ બુલદ મોઝાંશીહે

[illegible]
ઝોપ અપારશીન દુમઝોપ મન પારશે પદન જે
(પાદુ) અપારશીન ડિઝહાપા થી પારશ માંહે તે

[illegible]
નમાન પદ પદસ્તીનદ ઝુબદ ઝોપ ઝુમનદ શતદા
તેનાથી તો નાંખે ઘાગો પાદુ છે ઝાખો

[illegible]
જ્ઞનીમ્નબી રોશન મહલ્લે ઉશતાગાહ જે કાબૂલ
છે ફિરોસ્તા તેથી તરફ તે કાબૂલ

[illegible]
રેવન્દ પર પયન કોય શાયનદીઆદ મીન ખુશત વદ
રેવંદ ગોરે માંહે (પાણી) શાયંદીઆદ વનની તરફ તો

[illegible]
શોબર મયંશ શારન વશ પયન કોય જનદરઅશાય
શોબર કેતેને શોહેર તરફ માંહે (પાણી) જનદરઅશાય
[illegible]

[illegible]
અશાવંદ અજરાંનવેલ પયન કોય જનદરાશ શર પયન
અશાવંદ છરાંનવેલ માં પાણીના કંદરાશ શર માંહે
[illegible]

[illegible]
જે કોય રોદશાનકુમનદ આતનઆદગાંન પયન કોય
તે પાણી રોશિશાનોમંદ આદરઆદગાંન માંહે (પાણી)

[illegible]
કોય નયન જેનીમ્નબી રોશન વદર મોરવર નયન
(પાણી) કેતે છે ફિરોસ્તાં તેથી ઉરવર કે

[illegible]
જ્ઞમ જ્ઞમ શારન શારન ઉજાક ફ્માક પયન જે
જેગો જેગોઈ શોહેરે શોહેરે જેગો તમામ માંહે તે

[illegible]

શામ ઝવદ લાગુનદ પદ્દી આપવાનાંની વરણ અનદ

ગામ થાણાં કરે તેથી આબાદાંની ખેતી તેથી કરવા

[illegible]

જીઝનીમનેદ રોશત ગોપીદ્દ ગોમન હમ મન મળઝ ઝવદ

છે ઉઠેળા પાદ્દાહો કે ની થાગલઝ થાણા

[illegible]

ઝોય રદ્દારગાર ઝોય અશરાપરોઝ ઝોય ગનાવદ ઝોયે

પાદ્દા રદ્દરગાર પાદ્દા અશરાપરોજ પાદ્દા ગનાવદ પાદ્દા

[illegible]

દશાબદ્દત ઝોયે બીન ઝોયે રાઉઝ ઝોય હમાવનદ

દશાબદ્દત પાદ્દા બીન પાદ્દા રાઉમ પાદ્દા દમાવંદ

[illegible]

મન દ્દમાઝ મવન મરે ઝોયે મેઝન ઝોય દાવદ ઝોય

થી તમામ જે મેરે પાદ્દા મઝન પાદ્દા દાવદ પાદ્દા

[illegible]

આવાંનીમવનર જીઝનીમનેદરોશાત અપારશીન ઝોયે

વતન જુતો છે ઉઠેળા અપારશીન પાદ્દા

[illegible]

ઝોય દાવદ મારૂ જીઝનીમનેદ દ્દોશાઆરદ ઝોપીદ્દ

પાદ્દા દાવદ રદ છે ગાળેલો પાદ્દા

[illegible]

ઝોપ અપારશીન મન કુમ જ્ઞાનીજનેદ રોસ્ત ઓળ્શાતાંવ

(પાઠુ) અપારશીન ની ની છે ઉગોળી બુલંદ તે

[illegible]

જ્ઞાનીજનેદ બસ્ત પદશ બેવરઅશાતે જ્ઞા જ્ઞ દમાવનદ

છે બાંધેળો તેમાંહે નોહાઝનો જગો તે દમાવંદ

[illegible]

ઝોમેશ ઝોપ મો ઝોપ પદશાખારગાર હુમ મન

ઝોમેશ (પાઠુ) તે પાઠુ પદશાખારગાર ની થી

[illegible]

વશરનારશાપ મન્ઝ. ઝરીત્નદ મહોપરીમાદ ઝોપે

નારેશાનારશાપ તેથી પછેસ મહોપેરીમાદ પાઠુ

[illegible]

મહાંને ઝોપે શાતોહુઇનાદ પદશ અરનશાપ

દરમ્યાંઈ(પાઠુ) આનોનછે તેમાંહે અરનશાપ

[illegible]

જમરનદ જ્ઞાનીજનેદ નશાસ્ત નમન ઝોપે દસ્ત

ઝેર્ય છે બાંધેલો તેનામે (પાઠુ) જોડાય

[illegible]

અહિરાંનગાંપવન શાતોગ મવન દીન ઝરરનર પવન

હેરાંનીયને આનેછ ઝે દીનની પરુચરી માંહે

[illegible]

[illegible]
[illegible]
بود از آن کوه به نشست میان دشت رفرود

[illegible]
[illegible]
آمد ایرانیان بدان خلاصی اند ازیشان

[illegible]
[illegible]
رسید او پرشت خواند کناود کوه ت
نام

[illegible]
[illegible]
هم انجا به پوشته ویشتاسپان او خانه

[illegible]
[illegible]
آذر برزین مهر نه فرسنگ او اوروران

[illegible]
[illegible]
راوولش به زراود ایشی جای هست که ایرول

[illegible]
[illegible]
لوید زرود هست که بشن مست که

[illegible]

મહાંને ઓપ જસ્તે દા ગોમનમન ઝરીતુનદ ઝારા

દરમીઆંન પાદ્દુ તરફ બે ઉ થા પઝેય ઝારા

[illegible]

જનીમુનેદ ઝરદ નમમન દયાગ ઇપનારા ઝરોદ દને

છે ઓછેજ તેજો ઝે ઉદિલાવા ઝરોદ દને રત નીચે

[illegible]

શરજ્મે દર્ઈન જનાઝ ગોમન ઝરીતુનદ ઝરાઝદને રા

શરજ માંહે જોરે ઉ પઝેય ઝરાઝદન તેહને

[illegible]

દેશાન મેધશાન પરે મન ઇપરાપરોજ ઓપે ઝરીતુનદ બુમ

શાન મેઅસ્તે ગોશાથી અશરાપરોજ પાહાર પઝેય જમીન

[illegible]

ખોરાશાંન પવન પહારગાર પારશા પવન

ખોરાશાંન માંહે પહરગાર પારશા માંહે

[illegible]

નરઝરાનાંન પવન જીન ઓપ રારાંન પવન મારદ ઓપે

ઉરઝરાનાંન માંહે જીન પડ્યા. રારાંન માંહે મરે પાડ્યા

[illegible]

મારે ગોમેહમન અરાચાંની શરાપાઝાંન પવન ઝોપે

ફરમાન ઉ થા વાત અશરાપાઝોન માંહે પાડ્યા

[illegible]

દઈન અંગારરીનદ બનાર અમ કોપ ઉમનદ પરવરશન મયન

که پروشن ار کوه بوم به انکارند اندر

ناه

[illegible]

પારહ પારહ જે પીજ પોરદદે મારહીતાન હીન

કટકો કટકો તે પાટા બાંધેલા મારહીમસરાની હીન

[illegible]

બરહીશ પનુનશ મદમ બેઝનીમૂનેદ રુશાન બનાક પયન

દરીઅપ્રકેટકુટુક ઉપર છે ઉજાળ બગો માંહે

[illegible]

રુશાન પયન બરદપરશંઝરદ હીન પયન બમનદ

તરર માંહે બરહેપરાંઝરદ હીન માંહે કેહેપ

[illegible]

બેઝનીમૂનેદ ઝરદ અર્દૂન ઉ આબબોરઝનારહે નીમરોજ

છે હાથેળો તરહે તરાગ આબબોરઝીનારો દહ્યાગ

[illegible]

અર્દૂન બેઝનીમૂનેદ હાસ્ત ઓમાસર રગ આગાશ

ફિરેશ્તો છે રાખેલ પાંગ ઓરાડુબર છેપરહીત

[illegible]

બમનદ બર પાંઝે મયન અપદુન અપરેદુશર ઝાંમહે પગીન

કેહેપ ગોરા હર જે છે અરદુહીશ્તર મોરાદ બીન

[illegible]
અવલ ઈસ્વર મદી મન રોતમનઅફુદ્દતઈ રા વરે જના
કે છે મેરા થી શાચે તરેહે વાસ્તેઓગ્રાનેહરદીઃ

[illegible]
રોગેશીઆદ્ર રોતમન ગાબાદુ અમલ અંદ મચલઅઘીત ઝરી
ઘોરેરોહિર શાથે મરદહિર કે કેટલા કે છે નાંદેલા

[illegible]
૭ રગા ભારતેં અવલ ગરદદે બના વેરામુલ મનદીમદ્લ
શા દુઝટ્ટથ્રાદી કે જરે આશાપાશ વાબ માટે
ત ભાર

[illegible]
ખલાદરી ૫ ગારમહ ૫૫ન આભ્ભે મશ્ન પરશાંગ ૨૦ ૬૦૦
તરી અને ગારમી માટે વાંગ તે મોટા જરશાંગ શો

[illegible]
મનદીમેરના આપાંનીઝમન ઝરરા ઈઅલોઅમાદારર
વાબ ઉર વરાંગ આગોથી ઝરાર. મોઅંદ વાકુ

[illegible]
નીમરોબ (નદદ)
દમાંગ તે બઈઠારી તમામ અરદોઈશુર વધીમાં થી

[illegible]
ઝરદ ભીવ બાદુજ્જને હબાર ૨૦ તમામ દ્વાલ્લોરજાએ
ઉદેલાશલ્ગાં શોરૂલરદીઆ તેઓ ઓથાલોરફ વાકુ
તેભાર
૧૦૦૦૦૦

[illegible]

દરીઆનીઇઝત

[illegible]

૫૫૧ ૮ ગારમન પવન મીમા જે જનીમનેદ

ગારમી માંહે ત્યાગ તે છે

[illegible]

આલેસ્તે પવન વજરેનેદ બુલંદ કોગરે જે મો મદમ

બુલંદી માંહે જઈ બુલંદ હોજર તે તે ઉપર

[illegible]

ઈમોજદારાર રેજેદ પર જ દઈન ઈપદીત પર કોપ જે

રાજ રેડે ગોસાતે માંહે છે ગોસો પાદશા તે

[illegible]

જાતનેદ રપાર જોન જોઈદ પવન જાજનેદ બજાર

સાથે પાદશા શરજાંતે જેઠે થી થાઈ મ

[illegible]

નાઝ જે મન આપા ગાબંતારગા પવન

ઉ રસુ તે થી બુલંદ મરદ હુજાર

[illegible]

મઝાંનો કોરે મો પનાજ જોન

بانی شاید هوشنگ پાદશા તે બુલંદ શરજાન

[illegible]

ઈમોજાઅદારાર જ જનાઝ જે મન પરઝાંઝેદ જરદ

را برانکد از آن جا پیخمبر پا

[illegible]

અીજ ગોમનદમાઝ પવનબહારે અરદ મો પનાભરા અરદ

زره رافزاز او زره بهار آ ام ریفر زمین

[illegible]

અનકોમા દદુરીનરી [illegible] پشیجید નામબપવન

ام هورمزد پیدایش نام نم پ

[illegible]

અરદ અજુનરૂનેદ બના દરઓમંદ અમઅત ચેરાહરા

દરીઆ માટે આરે તેથી દદરોરાતીઆ

પનાર

[illegible]

ઉ ઓ જુસ અધિત રફ્ર મહેપર ફ્રમનદ ૩ શરર

તરાના તે નાંધવાછે તેવારે ઓરૂં છે ત્રાગ અરારા

[illegible]

ઓરઅર્જુ ઝમરૂદ અર્જુ રોતોજ અર્જુ માદપર

ઝરણો ર્દીજ ઝમરૂદ ર્દીજ પોતી ર્દીજ ઓરૂં

[illegible]

પદરે ફ્રનગર ઉર મરી પોતીઝ ૩ ઝના મન વ્યન

તેથી ફ્રાર મોરો પોતી તરાર ઉર થાવ્યન

[illegible]

અરદપરઅંજુરદ મો અરદપરઅંજુરદ ઉરતઓ ઉમ

અરદોપરાંજુરદ તે અરદોપરાંજુરદ તરર ની

[illegible]

[illegible]
અરફપરફાંઝરદ ગોસબમફાંન અઝનીમૂતેદ પતોશત
અરફેપરાંઝરદની કે દરમેઆન જે મલેલા

[illegible]
પરે મપન અશરલેદ અરફ પરલ્ગ પોતીઝ છે
ગોશો કે રાખેય દરીઆ શરઅઈ પોરૂતી તે

[illegible]
કરણ ઝરીતરનદ શતવેશ
થી પ[illegible]ખેપ શતવશ

[illegible]
પનેરૂનનુઝઅદ અરફપરફાંઝરદ ઓ અરફપોનીઝ
અરફ પાઝેય અરફેપરાંઝરદ તે અરફેપોરૂતી

[illegible]
રફ્તાર શતવેશ પરે ઓ મઠ બુલંદ રવા પવન
પરફ્ઝો શતવશ ગોશો તે થાબુલંદ બનેરગ

[illegible]
રોશન દરીઆમઅન ઝના ગાનદગી ઝના મઈરતેદ
રોશન પાઝી ઝઈ દર ગાનદગી દર મારેય

[illegible]
પનરેતેદ અરફશરર પશામરે પરફાંઝરદ ઓ દીન
અરફે અરફદોઈશર પશઆમો પરાંઝરદ તે માં

દરીઆની દુઆ ઉત

[illegible]
ખુનાદે રેહેદ પોતીઝ ઓ રફાર દરીગાર બુજે
તમાંમ રોડેય ઃ ડિતીઓ તે પાદ્દ્ય બાજુ તે

[illegible]
પવન બુજાનુનો પતોઈન વદ મઝાન ઓ બરે ગોઝન
છે મસ્સેસો પવન દરમીઆને દરીઆ ડ

[illegible]
પબોનોદપરોદ બાતરનોદ રફાર ઝરૂરાન અવરાદરાન
નીચે અરાવે ફોરુ દાટવા વદેવા

[illegible]
રાતપેરા વર ગરદરાની મમનર
તે શતઅશ ગોરા ઝરવે રતે

[illegible]
બરફોહો મવનર બુજીનુનોદ અદરાઝોદ રરગરઝ
દરીઆવો જેતે છે બાંધેલુ રોતારા

[illegible]
દહન અવાઅન (ઝુરાતરે ઓ વદરીનદ અવાનત ઝુરાતર
મારે અવાઅન તરર તે ઝુબરેલ બાંઝા તરર

[illegible]
રવીને મન અાગ બમજનોદ રી બુડગાર રવાર વનાર
નાગશ જે જેટેલ બો દો વનાડી

ર૬)

[illegible]

اه بر گاهی دو وقت تمام بخش‌کرد ازیشان

[illegible]

خانه اندر ور ستونش یک زیر خانه یک
دیگر

[illegible]

بالا خانه خوانید که آن بالا خانه

[illegible]

وزیر پیر
بخش‌کرد پیر بخش‌کرد هوکار
نام

[illegible]

بید به باقی دریاها از آن پوشش

[illegible]

وکردش اه پیران نهست نه

[illegible]

بود زره کرود آن به اواختر به
نام

[illegible]
મન મઝગ પવન બુન જડ્રા જ્રે વદારીનદ નવરેરીનાંન
જો કેમ માંહે રાન પોહોળો તે ઝુજરે નાનરશીનાંન

[illegible]
અઈઆનઠનદ નવેશીનોમ જ્રે જડે જરહીદા
ઝુઆંનશી જેડે લખેઆમે તે નાંદ્યના દરીઆયો

[illegible]
મારે ખરપશીનર પરદોમ શનશીનાંન પવન મગીન
શરાંપ ખરવશીનર અલખ શનશીનાંન માંહે જેમ

[illegible]
આવાનામ શનશીન મીઆ બકુનન ના દરીવજડા
બીન માંહે પાંણી ફીરો જડી માંહે દેડકો

[illegible]
ગાનદની નનદીન પવન વર દરીગાર જરહીદા
ગરનશીના અલખ માંહે ગોરા બીન દરીઆવો

[illegible]
પવન દનદ વજોન નાવાંન ના નજીક આે વદારીનદ
માંહે છે ગરીના શરણે જડી નજીક તે ઝુજરે

[illegible]
આમત નશીનેરશી ગાનદની જ્રે મીર પમાન નેશીનાશી
જે નશીરશી ગાનદની તે વજન દેખાયા

રોહોનીફઝાકતરરીથાથોડીફીકરી

[illegible]
બાદ્રનોદ રખ્યાર શરીફ બાદ્રનોદ ઝરશીગારદ
(શાહ પારસાં માહાં શાહ ઝમાંમત

[illegible]
ગોમેન આગ દીન પવન બાદ્રનોદ રોદાહા મગાનશ મદમ
હિ કે દીન માંહે કેઉમ નદીઓ કોઈ ઉપર

[illegible]
પનાન અનશોમા અલાઓ મન નીમર અલ્લાહ મન રોદ દો
ગુરો હોરમદે અસ્લાઓ ઉતરર અલ્લાહ અનાદી દિન

[illegible]
મો અઉરુ આગ પહેલાન ઝરપરાન મો અઉરુ તનદ
તે કુરુ ઉચ્ચારેગોરી અરઝુ માઝમાંહે તે કુરુ અપાવી

[illegible]
મગાનશ મદમ પદારદ આગ પહેલાન પોરઝરાન
પકડીરોદ ઉચ્ચાર ગોરી પોરઝરાંનમાંહે

[illegible]
અમત આગ દીન પવન બાદ્રનોદ અઉરુ દાન પદમ ગોરીરાન્ટ
کوسپند پنج اینه کوید آ دین کو که

[illegible]
બાના મહગા આગ નમન પદદ બના અઉરુ ઝાદ તોનાકે
کاو یکداد به گذشت آنجا کو وفو به

ગાયત્રી. ઝાહીદ

ગોશ્પનદોનીઇઝશ્ન

[illegible]

શરદ પન્જ પન્જા રોશ્ત જ્વાર જોર્દા મદ

رسید جوردا باز رست پنجاه و پنج سرده

[illegible]

દ્વાજદહ સ્તોત રોશ્તે ઓર્વર શરદ ચૂન

دوازده سرده اورور شتروشت دهنده رسته چون گوید

[illegible]

મગ્ઝ પદ મદ મન દોસે જુદા જુદા દામે મજદ મદ

کو از مزد دام جدا جدا هر چیز که به مغز

[illegible]

તાકામ મદ સરવ મીવ મદ બીએ શરદ મદ અંગૂર

تا کام از سرو میوه از بیی از انگور سرد

[illegible]

રઝ અંગૂર શરાબ એતરા કરે તેથી

انگور که شراب ایترا کره تهها شراب به انگور

[illegible]

અફઝાઇદ મદ ગોસ્પંદાન મદ મીઆને સર અઝ પીસ્તાન

افزاید از گوسپندان از میانه سر ازیستان

[illegible]

કિકે કિકે ... રોજ્વાર

کی کی ... ...

[illegible]

[illegible]

મહમ તોના શશેશર પાદરજ અવશ્તા પવન મગીન

ખુદાઈ ગારવની મની જાહેર આ.વ.શતા માંહે તેમ

[illegible]

ગોશાંદ ખાલ્દ બના તમમન બોરદ મહારાવીમઝ અો

ગોશાંદ ઉંગઠી તેઓ કોઈગશ માડાપશઈડ તે

[illegible]

અહુરતોના દો પશ્દોમ બરેહીનીદ પનાહ શશ્દ નૂર

ઉકે ગાયઠિ અવધ પેદાઝાદાં ખુદાઈ જનનાં નુર

[illegible]

દોખતો શશ્દ ઉના મન આદર વજુદ અહુર જઉર

જોઈઉક જન ઉર થી પછી ઉરન ઉકે મરદ

[illegible]

ફરમાનજ ઝરશંગ ક મધ હાશીર શોકોનન નાઉક દણીન

તમાંમ ઝરશંગ ચાગ કે ઝરશંગ મેઝુઠી નાઈઉ માંહે

[illegible]

વજુદ હુમાગ નામજનેદ પગીન વુદ પેદાઉ ઈશાનવેહ પયુન

માદે ઈમાઉઉઝઈય તેમ છે પેદાથાઈ ઈશાનવેશ માંહે

[illegible]

તોના પનવાર અહુર દાનુન દોવાર શ તોના

ગાયન માંહે વાર ઉકે આની બોમસ્તાનો નો ગાર

[illegible]
વરમોશાંવશ્રાવાંન ગવમ મયનશાંન પવન બાર ઝંદુઝ
તેનાયો રાત હાઝુગ્રીઝીતેનાયો માંડવાર ઉંઝ

[illegible]
આાદર મીઆ ગલ્દશાત અલ્શાંન ફ્રમનદ બુદ અખુરદાર
પછી પાંગી અચલ તેનાંથી છે ખરિણાંખગારખાવે

[illegible]
ગોશ્પંદ શરદ ઉ આદર અઙ્ઘ પશાતમ્નત અરવર
ગોશ્પંદ ગાવાંત્રાગ પછી તેથી પાદેં ઉરવર

[illegible]
મીશ બુદ ગલ્દસ્ત આગ ઓમંદ હાન બરેદીનીહ પતાન
ગેર બઝી અચલ કે ઝેઠેસ હાન પેદઝાદેં બુંદ

[illegible]
મમનટ હમના શોશનઆ ઝાદર પોગ ઓમના આદર
શુંતે પઅર ધોરો પદ? તૂણ ઉઠ પછી

[illegible]
રા પવ્ય ઝન ઓઝ પરમઝઅરણાનીઝ હાવ્નત પરહોમ
તે માંહ્રેથી તે પરઝઅરણાનીઆં આરોમાં અચલ

[illegible]
ઓઝે હાવાનત દહીગાર ગઝનીમદ હાશ્રત
તે આપરી ચાલો છે રાખોનાં

[illegible]

ગોરીયજનદોનીકઝીઠન

[illegible]
અો અનદજ પરેઘરતાર અષિદ શરદેદ
તે થોડી પરસ્તનાર છે જન

[illegible]
દાબુનન શાદીગાર ઇશ્રામોખ્ત દિદમન પા વરમોશાંન
આગાહી નરીજ શરમ્હેમાં કાત નહીં તેનાંચો

[illegible]
એજે અહૂદનદ પરદોમ અહૂદનદ મગીન જુને આવુ
اب خون چون اینه اول این ان

[illegible]
વરમોશાંન મન મપન ઝરઅઝઅરણાંનીઝ
چرک ارزانیان که از روستان

[illegible]
દહીગાર નાદદ નોઇ ઝ.શા શગોશનઆ મન મશા લમના
اشتر مه از اسپ که نو زاده دودیگر

[illegible]
શગોશઆ વરમોરશાંન મન મપન પદ દમના અહૂદનદ
این استر خر بای که از روستان اسپ

[illegible]
એજે અહૂદનદ શાદીગાર નીતોમ દમના મદ ઝમાર
زبار مه خر زیر سدیگر این ان

[illegible]

મઝ ઝનાભ્ય પરમોશીઆંન્મન મનીપનમ્ પનમ્

پنج اوینه پنج که از اوشارد سک ــه

[illegible]

મહુદનુદ પરકરમ નીતોમ રરોમ મેરીઝા

میشکا فرخ زیر چهارم ایتان

[illegible]

ગોરશીરનમ્દ શاسین

کوسیند که ازو شاشه سه اینه

પારીતન

[illegible]

آن آئین سج زیر ــه

[illegible]

آن که اپروښان ــه

نام

[illegible]

روایست

دوصلہ

[illegible]

برسهنید

بپداکرد به سرده ۹ هشتاد

٢٨٣

[illegible]

[illegible]

بز

અસરણ ઞાતની ચાંચ ઞઝરી હે

[illegible]

ર્ડ હિંદ બ્રુંગ નરૂરૂ ચારણ ઞોરીરવંદ

[illegible]

هیش پنج سرده ب ذنب آن که

[illegible]

ذنب نه دارید سک هیش هیشی نکر

[illegible]

کس رنگ هیش هیشی سه بزرگ

[illegible]

او آب مثال سه کوه دارد زبا

[illegible]

او باره سکند چون کرید کو که هنوشیحه هنوچهر

[illegible]

کورسکي   آ   باز   داشت   سیوم   بیشتر

[illegible]

سرده   کوه   چره ارزانیان   یک

[illegible]

آ   کوه   شاید   داشتن   یک

[illegible]

آ   داشت   هست   یک   کوه   دو کوه

[illegible]

چهارم   گاو   پانزده   سرده   سپید

[illegible]

اشکن   سرخ   زرد   سیاه   بیسه

[illegible]

گوزن   گاومیش   اشتر   گاو   پیل گاو

[illegible]

[illegible]

ماهی خو بنان گاو کجاو

[illegible]

ادر گاو سرده پنجم اسب هشتاد

[illegible]

سرده سپید سیاه زرد بور کمیت

[illegible]

خرگور [illegible] اسب ۲ آبی بر اسب

[illegible]

سرده کان ششم سگ ده سرده

[illegible]

[illegible] [illegible] هو ماه وان

[illegible]

[illegible]

راسو روباه ·

چه زوزه که خار به پشت دارید

اندر مشکان فراخ که اوشان دو

سه ده سور آموخته یک روباه

یک راسو بینش آموختن

چون اندر که خار به پشت دارید

چه چ هم هفتم زیاکی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

یک مشک نافه که ایشان (گیشا) بوی خوش

[illegible]

اندر زیاد مشک که بش خرد مشک

[illegible]

سیاه که بهش مستار کرد پ

[illegible]

دریاویش بهود بر مشکان

[illegible]

سرده دهم مُرغان صد ۱۱۰ ده

[illegible]

سرده پرنده چون سیمرغ کرشفت نام

[illegible]

نام نام که نام خواند

تمام شد

[illegible]

کلاغ نام نام نام نام

[illegible]

از اوشان دو اند که شیر دارند

[illegible]

به پستان بچه پرورند سیمرغ

[illegible]

سیاه که به شب پرند چون گوید

[illegible]

کو سپا را ،، سه سپرده داد

[illegible]

ارت سگ دندان مشک آیین

[illegible]

صد نام چون نام خانه

چون منک بیش این صد ده سرده

خوب به هشت آیین بداد بیش

ایدون به پرکند آن تخم اندر

انگشت به او زمین گذارند بزرگ میان

که دوازدهم ماهی داد ده

سرده نام ماهی نام نام

نام نام نام نام

۲۵.

پس اندر هر ذات

ذات اندر سرده داد اند

بودنی دوصد هشتاد دو سرده

سک را گویند که از ستر پای

که از آن طرف ستاره هفتورنک

آنرا از مردمان به زور قوت

فراز داد پاسبانی گوسپندان را

[illegible]

چون پاسبانی از گوسپندان مردمان

[illegible]

را سگ خانه اند چه سه یک

[illegible]

از مردمان اروند خشموک

[illegible]

خویش جامه اخی تو شا ویراد

[illegible]

چهارده دندان تیز دندان رمه

[illegible]

سالار چه رمه گوسپندان آنجا

[illegible]

پناهی اند که سگ دیگر است

[illegible]

[illegible]

پ آن مه بیم هست گفتش هورمزد

[illegible]

که مرغ نام داد

[illegible]

هست مرغ شکار کرس داد ای تو

[illegible]

مرغی بارش کرس از تو آزار

[illegible]

زیادبوهت هست که ستایش چ

[illegible]

کام گناه مینو بیش کنند که آن

[illegible]

مس جهان مردم دروند که از آنهاست

دوم در-

سیر نه بود تو ایچ از مردم

زدن سیر نه بوی به اگر من نه

دادی تو مرغ .وارش او

داده گناه مینو مرغ تو گرفته

او دام دیولست نه هست پویش

گوسپنده به تمام سرده

را داد گو که گناه مینو یک

માંનેદ એ ઈમ્મર અવશોદે એ

به کم شود یک به مانند

દીન પવન મનદોમ બના ગોશપંદ ૫ મરદોમ રદીહે મદમ

بر ردی مردم و گوسپند به چیز آ دیگر

બેરેહેનીદ ગયોમર્દ શાહર મરદોમ મર્ગ ઓમનેદ

گوید که مردم سردکان کیومرد پیدا کرد

અપશાતનેદ બના મશી મો મવન દોશાર શાવીદે રોશન

روشن سپید دو سر که او مه به بینید

چشم

રદીમ મનદોમઉમાર ઓરતોશાતરતોમ રતામઅર ઓ

او اینجا زرتشتروتوم کام چیز ردی

ચશો શાર ૫ શાપેદ અરબોદ ઓનના ઓરતોશાત મન

انبا زرتشت بود میش سپید و سر فرود

ઓરદગાન વરમોશાન પરદોમ ૨૬ બુન ઓરરનેદ

دارید بزرد اول روشان سردکان

[illegible]

મેશ

میش سیاه‌سایه دور سپید ایروار

[illegible]

અને શરદગાન વરમોશાન મત પરદોમ રદ મેશાન

میشان رد اول از روشان سردکان او

[illegible]

હુશ્નૂવ અોઈ શગીદ ઓશતર દાદુનત

داد اشتر سپید موی زانو

[illegible]

તોનાઈ પરદોમ રદ اشتران. હેત અને દાદુનત

داد او هست اشتران رد اول گاو

[illegible]

અહેન ઝર્દ દાદુનત હોશનૂ ઝર્દ

سایه‌مند زرد زانو داد آن هست

[illegible]

ગોશ ઝર્દ શોશનઅસ્પ રદ તોનાઅસ્પાન

کاوان رد اسپ الوس زرد کوس

[illegible]

બરેહીનાદ પોશેત ચશમ વરશ દાદુ

داد ورش سپید چشم پشت بیراکه

[illegible]

[illegible]

શ્રીપાદ ઇમનાઈ રદ અશ્રાપાંન અહીન ઓઝ

آن دست اسپان رد خر سپید کرب

[illegible]

ઝલબાઈ ઝલબાઈ પરદોમ રદ ઇમનામાંન સુગારમન

پای خران رد اول از سک سک

[illegible]

રદ ઉલબામાંન અપહિન ઓ બરેહીનીદ મોઈ ઝરદ

الوس زرد موي بيداکه او دست سکان رد

[illegible]

અહીન ઓ બરેહીનીદ ફ્રાઝ ખરગોશ

خرگوش پور فراز بيداکه او دست

[illegible]

દદાંન વરમોશાંન રદ ઝરાખરસતારાંન

فراخ رفتاران رد اوشان درندگان

[illegible]

પરદોમ

نه دست خره مند چه يد مند اول

[illegible]

રતમમન ઓ સ: દરજૂનઅદદને 3 શાન મોરૂમાંનમન

از مرغان سکه سه پاين داد نه او ابجا

[illegible]

اینجا چه گرشنید رد که چرک خواند آن که

[illegible]

دیپن گوید ورجمکرد برد اول از

[illegible]

نام قاقم سپید پیداکرد او هست

[illegible]

پرنده رد چیش گوید کو قاقم

[illegible]

سپید که اوستان انجمن امشاسفندان به

[illegible]

اوانیکان

رسید کلب ماهي از داماه آبي رد

[illegible]

داریتي رود آب روان رد داریج آ

نام

[illegible]

بلخ زرتشت

[illegible]

خانه پدر زرتشت اجوران رد

[illegible]

بهوکر بلند که آب اردویسور ارزان

[illegible]

روید داد بارستان رد چه که ستاره

[illegible]

ستوش گردش زبر کوبران نیو ستاره رد الهوم

[illegible]

تازه بچکان اوروران رد کندم ستبرک

[illegible]

دانه جوردایان رد درمنه دستیج اچکا نام

[illegible]

رد ـ بروم ناس که یکی تواند

[illegible]

کودک دانک جوردایان رد کستی جامها رد

[illegible]

بازالوه زره رد دو مرد که یکبار

[illegible]

فراز رسد آن داناتر راست کفتارتر

[illegible]

رد این کوید ـ دینی که خانه تمام خانه

[illegible]

استوه مند همرز داد کو تمام

[illegible]

یک اند ـ نور خره خویشکاری آ

[illegible]

[illegible]

دینا بسیار هر که آن وه اختیارکند چشم

[illegible]

آب هر چه آب نه تمام داد چه

[illegible]

اردویسور آب که بزرگ آب هوکرش

[illegible]

آسمان زمین جدا از ارغ نام رود

[illegible]

وه رود خرماهی اوروراز رد خرما که نام

[illegible]

اورهور بلند کرده گوید اورور خرث

[illegible]

جد از ان خرما که خردکان بدان

[illegible]

آرایند از کوتا کوه اپارسند اصل دارید

[illegible]

اوجستان

سر به بلندي هست تمام کوه پارس

[illegible]

کوید تمام کوه رد جدا از البرز از مرغان

[illegible]

چروش رد که او تمام مرغ پد خضرت

[illegible]

هرزید جدا از نسی ... آئین هوکرد ایشی کو هر

[illegible]

که که وه کیرد السرس کسپ وه

[illegible]

مردم کار آغم دام

بر کار دس کوید به دین که من بیدایش کیتی

[illegible]

[illegible]

انکارد جوم هوشیا

په سیصد و شصت و پنج روز تمام داد

[illegible]

کاسانبار

هست شش گاه گاهنبار په سال تمام

[illegible]

نامارینیدن

هست که اول روز باید اشمردن

[illegible]

په پس شب چه اول روز به شود

[illegible]

پس شب به آید و از میدیوشهم گاه

[illegible]

هست ماه . تیر آغاز روز خورشید تا میدیارم

[illegible]

گاه هست ماه دی آغاز روز بهرام روز

[illegible]

ماهیگ ... افزاید و از میدیارم گاه شب

[illegible]

پ کاهید روز اوزاید روز تابستان چند دو روز

[illegible]

زمستان چند دو روز زمستان کاهید شب

[illegible]

تابستان کاهید روز تابستان دوازده هاسر شب

[illegible]

شش هاسر شب زمستانی دوازده هاسر

[illegible]

روز شش هاسر زمان زمین هم آئین پ

[illegible]

اهمسپمدیم گاه هست پنج پ

[illegible]

ماه سپندارمد سر روز شب

[illegible]

راست باز بید چون از ماه

[illegible]

تا بهکی

فروردین روز هورمزد آغاز تا ماه

[illegible]

واجب

مهر روز انیران ظاهر بید هفت

[illegible]

همان

ماه رفتن از ماه آوان روز هورمزد

[illegible]

آغاز تا ماه سپندارمد ظاهر پنجه

[illegible]

به ماه سر بود پنج ماه زمستان یعنی دیگرباون

[illegible]

آدانی / پرچر

نبیرید حکم ... وغیره بچیز به

[illegible]

همن

رفتن و دیگرباون از این هنگام یا:

[illegible]

به آن پنج ماه گرمی یعنی رفتن (هامین) گاه روزان

[illegible]

و شبان پنج چه رفتن او ایزید

[illegible]

چون بامداد گاه هاون نیمروز گاه

[illegible]

رفتن سه پهر (سپاره) گاه اوزیرن که

[illegible]

ستاره او آسمان پیدا (پیدا ای) رسد تا

[illegible]

شب گاه ایوه‌سروترم و از نیمشب

[illegible]

تا ستاره ناپیدا بود گاه

[illegible]

هوشین اندر زمستان چهار گاه

[illegible]

چه بامداد، تا اوزیرن تمام هاون

[illegible]

وغیره چنانکه (حکیم) گفت آن چنان اینی که زمستان

زیانکار به طرف اواختر کو کیشور

وورو برشت وورو زرشت هستند (گرفته) اینی بکم

به نیمروز کو کیشور فرددفش وویدفش

به ماه آبان واجواکناز روز هورفرص

زمستان زور کیرید به دینا آید

مینو رفیتن از بالا (از زیر) زمین او زیر

زمین شوید کو چاه (آبهیه) آب کرمی و تری (خویدی)

به آب اندر هلید اندر بیخ (ریشه) کرم به

[illegible]

ખોરશેદ

મહીનો શરઝાઈ જહી ખુરાઝાઈ શરદી

[illegible]

ચેરા

થાગી થી નાહુયુ તે આદર રોજ શરૂ દેઈ

[illegible]

૦૬ ૮ પોહોરો ઈરાંનવેજ તે શરદી

[illegible]

પારસીગી

માંહે જમશેતાંન આખરવાની જહેર શાપેરવરસદ

[illegible]

અનારશ

મહીનો ઈતવારવાસ્તે પોહોરો ૮ જેહાંન નમાંમ

[illegible]

અજરોજનદ

રોશનઝરે આતશ જગો નમાંમ આદર રોજ દેઈ

[illegible]

નીહાં

પાંચ જે સી પોહોરો નાહુયુ જે ઝરેષ દફ્રી

[illegible]

ઝતશા હુનીઝ

શાવાજોગરમ નમાંમ ઝારનાનાં ઝુવાનાં પાંગી મહીના

[illegible]

પવાહી

તરી ગરમી તેજ્જો છેહે રપીથવન

[illegible]

[illegible]

ઈચ્છે

ઈચ્છે નહી રપીથવન ગેહે રાએશ

[illegible]

થાહિ હોરમજ્દ રોજ રપથરદીન મહીનો

[illegible]

જાદમન નારૂ

ખારેશ રપથરદીન થી રાએશ ઝઉઅત અમેશાસ્પંદ

[illegible]

પાતોખ્શરાહે

શહરેવારી ઝઉઅત આવે અંદર પોતાની તો

[illegible]

દસ્તુર

ઉપર અમીનની નીચે હે પરશાની જખ્મનજરે

[illegible]

પતઆમીનેદ

ઉતાશ્પાયસ્તીપજાદેમ નાહુરોતાં રત આએમ

[illegible]

હાનીઝ આવે હમીન

રપીથવન શર શરદ ઝૂમારાં પાંગરપીથવંત માંહે

[illegible]

તે રપીથવન મહીનાં પાંચ તે નથી તેઓને

[illegible]

પોહોરો, અમીન તમામ માંહે ગરમી છે

[illegible]

મંત્ર તમામ તેઓએ શરીરતાંણ તરફ થી

[illegible]

હમેશાર

ગરમ નહી શરદ નહી હમેશ ઘાગીન ગરમી

[illegible]

શાનવાર જે વખત તે થી ગરમી

[illegible]

વેશ

ન ઘાગી ગરમી વરશાત હમેશે ગરમી

[illegible]

જુતરૂતેર

જેમસતાંન માંહે થાઈ. નહે જાહેર મારિયે

[illegible]

વારશ

નહી જાહેર ઘાગી શરદી વરશે નહી વરશાત

[illegible]

ખોરાસાંન ઈમાઈ મવાખતર તરફ માંહે થાઈ

[illegible]

જે માહેતુનાળા થી શરૂ શરદ હમેશો તાહેર

[illegible]

શરદી માંહે તેઓએ તાહેર ઘાગીન

[illegible]

૮ ગરમી કે મારવાની તાજત નહી કિરવેશો

[illegible]

નાકુકાની શરદી જોગેની દરમીઆન ૫જરે

[illegible]

જોરકમનહીકા

આરાઘે ઘાગળજોરમંદ કોનાવાળાની ગરમી

[illegible]

વરદરાની ઉફે

શરાથે માફાતાઅનાંપાસ થી વરશા બીજ

[illegible]

કેનો બરાબરનહી મહીના શરાથે વરશી અંકેવરશાની

[illegible]

નાપરે

પરાકરો અરોગતતરાશ થી કિજમરતબેમાફા શરત:રીતે

[illegible]

ચોઆર કિજ તે તેથી વારા થી કિજમરતબેથાકી

[illegible]

દરગજોનેવ વારાય

પછે તમામ કર ઇઆને થાકી ઘાણો વખત

[illegible]

ઇઆકે કેકેય ' કે કેકેય માફાતા થી કે

[illegible]

માહ્રા ઝરતુ થી વરશ કે વાર રેદાહ્રો શાહ્રાઉ
તાખની

[illegible]

મહિ તાહ્ર તાહ્રા મહિ કુનાસા રાંમેશ

[illegible]

વરણી આમેજેદ
બાહ્રેર ઝરથશ્તી મહીનો ઈઆવે કે મશીનાફિ કુનાળો

[illegible]

બાહ્રાર ખુરદાદ મહીનો અરદીબેહેશ્ત મહીનો

[illegible]

શહ્રેવર મહીનો અમરદાદ મહીનો તીર મહીનો

[illegible]

પાહ્રાન
પનજહ્રા આદર મહીનો આવાં મહીનો મેહેર મહીનો કુનાળો

[illegible]

શ્પનદારમદ મહીનો બહમન મહીનો દેઈ મહીનો

[illegible]

બરેશ ખોરશેદ
મેગ વાઝળા તે થી ખુરશેદ તાહ્રા

[illegible]

ખુની
શાહ્રાઉ તરાશ્શી થી વાસેશ રઝ તે તાહ્રાં

[illegible]

ثانیه

[illegible]

(પુરદદે) દમાન

ક્રિજ્યરશ્રી છે વાઝ્યા શાહિતદશુ અમેદાદ્યુરાંસ

[illegible]

આ અહીનો પોહોમે જણો તે તે સ્વરદુ

[illegible]

પોહોમે જણો તે તે પરછો દાદ્યુ ડ્રેક્રુ શરો

[illegible]

ફુારરર જુનશી

ઓનમંઝો અંદારો આવે ર શ્રરૂ થી ઉ

[illegible]

اندازه اند فرسنگ دوپای ૩૬મ ૧૦૦૦ સરરોડા

[illegible]

چند مرد دور بیند به بیند که سیاه

[illegible]

یا سفید شناسید بر چونی

[illegible]

متون ایبغد

اومیوران گوید به دین که پیش از رسیدن اهریمن

[illegible]

اورور از زمین رست بران نه بود پس

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۲ پیشاره ب او هر چیز آمیخته از

[illegible]

آن بیش آمیخت تر چون بالا

[illegible]

کیلی که زهر مند هر مردم که

[illegible]

خورد میرد گوسپند هامکوته با بنجاه

[illegible]

وپنج سرده غله دوازده سرده اورور تندرستی دهنده

[illegible]

از گاو ایوداد بوم هست هزار ذات

[illegible]

ماده ور

اندرسرده ازاین اورور جفت صدهزار سرده

[illegible]

اندر اورور زیاده اند از زمین تمام

تخم درخت جدا آزار بسیار تخم اندر زره پراکند

رسته اند که اینها تمام اورور

تخم ازان با آن از گاو ایوداد

بوم هست هر سال آن مرغان شاخ

خراب کنند (اوسینند) آن که هم تخمها اندر آب آمیزد

تشتر آب باران ستانند آن آب

بارانها بارید نزدیک رو آن درخت هوم

سپید تندرستی دهنده هست کرده ایستید

اندر چشمه آب اردویسور هر که خورد

بیمرگ (اهوش) بید ازان کوکرد درخت خوراند

چون گوید که به دین که ازان په (فرشکرد) قیامت

انوشه (انوشه‌ی) ازان آراسید اوروران رد

هست که اینز اند آیین رو بید دارو

درخت میوه غله گل (سپرم) ریحان

گیاه بهار دار و جدا تمام به او روغن

رنگ جامه ازان دوگونه گویم هر که بر

به فر بردار مردمان شه نیک سالار

هست چون سرو و چنار نام

نام

نام

نام دیگر از این آیین دار

و درخت کنار تا هر چیز بار پ خر

بار مردمان نیک سالار هست چون

خرما و مورد و کنار و انگور بهدانه (سپل جلیبا)

سیو (توپا) بادرنگ انار شپتالو و انجیر

وجوز و بادام دیگر پ اینی آیین میوه

خوانند هر چی پ پنهان

روزگار شاید پنهان بر ستاند (جو سکوند) اصل به (رها)

خراب کند هست چون گندم جو (شک) بلند جدا

جدا مودان نخود دیگر به این

آیین جوردا خوانند هر برگ بهدانه یه

دست زراعت مردمان نه اختیارکنند همواره هست

خوانند هر چه شکفته هولوی دست زراعت

مردمان هنگام هنگام بید یا اصل هستشه

هست به نو شاخ شکوفه شکفته شود شکوفید هو

بوی چون گل گلاب ورک یاسمن سترن

نام طرف نام نام

نام نام نام نام

[illegible]

دیگر ازاین آئین گُل

[illegible]

خوانند هر چیز هوبوی یا شکوفه

[illegible]

هوبوی نه دست زرامت مردمان به هنگام

[illegible]

بید بهار خوانند هر چه به یکباره

[illegible]

گوسپندان و ستوران نیک گیاه

[illegible]

خوانند هر چه به پاهرگاه

[illegible]

اندر شنوید او داوریها خوانند

[illegible]

هر چه به نان خوردن نیک چوشش

[illegible]

دستاک

انگور نام ۲ دیگر

[illegible]

از ریش آیین تره خوانند هر چ که

[illegible]

چون پنبه دیگر از ایز آیین

[illegible]

جامه خوانند هر چ آ بچرلی

[illegible]

منزر چون گنجید ام شاهزانه

[illegible]

زد دیگر چیز آیین روغن خوانند

[illegible]

هر چ جامه بدان شاید رسیدام

[illegible]

چون ام ام ام

[illegible]

دیگر از ه ایز آیین رگ خوانند

[illegible]

هر چ ریشه یا ام یا ام

[illegible]

چون

[illegible]

دیگر از این آئینه سپند

[illegible]

خوانند هر چه از دوشیدن از اورواران

[illegible]

ب آید زده خوانند درخت

[illegible]

اوشان اورواران به آید که او

[illegible]

یا خشک یا تر هیزم خوانند

[illegible]

این تمام اورورها به یک یک که اورا

[illegible]

در خوانند میوه جفت سی این

[illegible]

ازان ده سرده اندرون بیرون شناید خوردن

[illegible]

چون انجیر شبو بهدانه بادرنگ انگور

[illegible]

شه‌توت نام دیگر از این آیین

[illegible]

ده بیرون شاید خوردن اندرون نه شاید

[illegible]

خوردن چون خرما شفتالو

[illegible]

زردالو ده دیگر از این آیین

[illegible]

آن اندرون شاید خوردن بیرون نه

[illegible]

شاید خوردن این جوز بادام

[illegible]

انار نام که

[illegible]

بیش از این در بسیار جفت میوه

[illegible]

بر چونی کو هر گلی امشاسفند

[illegible]

خود چون

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بر یوی رستاخیز تن

[illegible]

پسین په دینی کوید کو از ان چیلی

[illegible]

منش و منیان که از نیرو بر رست

اند نخست آب پس اورور پس

شیر پس گوشت خوردنی خورده اند

مردمی که ایشان زمان مُردن رسید

نخست گوشت پس شیر پس از نان

خوردن به ایستند تا که به میرند

آب ما خورد ایدون به هزاره

هوشیدرماه قوت از ایدون به کاهید

که مردم به یک پیشین خوردنی خوردن سه

روز شبان به سیری ایستند پس

[illegible]

از گوشت خوردن به مانند [illegible] اورور

[illegible]

شیر خورد پس از شیر خوردن باز

[illegible]

مانند از اورور خوردن باز مانند

[illegible]

[illegible]

آب خوردنی بود پیش آ ده

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

یاد برد آب نه از که باز گیرید

[illegible]

જ્યાવ ફ્રેરમન્દે થાકી જેમ રશતાખેજ

[illegible]

અચ્ચેશતન

મીનો માંહે બગારથાંડું આશામાંનમે જે જે દીદો

[illegible]

રાજ

ગોહુર થી રોશન મીનારે હુર અશતશની

[illegible]

બાન

હુનીઆં થી ફ્રતી બ્મીન મે જે સોડાંનાં

[illegible]

દાસ્તેદર

રાખનાર તેથી સેઠીઓ અશાતોઅંદ

[illegible]

શેતારા માહુતા ખોરશીદ મે જે નથી હુનીઆં

[illegible]

ધન્દે

છે જરી રફ્રત રોશન અંદર માંહે

[illegible]

જ્હાન માંહે ઉમેદાબઆયેધ મનાજ મે જે

[illegible]

મ્રીનાર

થાઈ પાકી જમાદ થી ઉરોઆં રાહશાં પુરે

ની

માંહે મે જે તરેહે તરેહેઆરાયેઓ રંગઉપર માંહે

તહુબાલતાર આરાયેઓ આતશ [illegible] ઉપરની

داد ہم پرس [illegible] داد

سره تید پست خون بار

چشم وکوشش دیگر چیز پیش به

داد که من که او آب پاي داد

کو به جار شد ابر داد که آن

کیتی آب برد آجا کو که مراد بارد

که من [illegible] داد که چشم دید [illegible]

[illegible]

باد قوت او بر چون مراد جاری شد

[illegible]

به دست فراز نه توان گرفتن یک یک

[illegible]

از اوشان که من داد بدان بر دوستخوارتر

[illegible]

آسان تر بیند کو رستاخیز

[illegible]

یاری چون او هست

[illegible]

که اوشان کرد نه بیند از بوم

[illegible]

بر نگر کو که آن نه بوم ایدون

[illegible]

به کرد آن بوم چه من یاز نه شاید

[illegible]

کردن چه به آن هنگام از مینو زمان

[illegible]

[illegible]

هست از آب خون از اورور موی آتش

[illegible]

آتش چشم چون ایشان به بندهشتن پذیرفت

[illegible]

خواست نخست هست آن کیومرد بالا

[illegible]

انگیزد پس آن هستی پس آن

[illegible]

دکر مردم به پنجاه هفت سال

[illegible]

سوسیوش تمام مرده آرایند تمام

[illegible]

مردم بر ایستند که انوشه که

[illegible]

دروند مردم هر کس از کجا بالا

[illegible]

انگیزد کو شان جان نیز شوید

[illegible]

که شان تمام دنیا استومند

[illegible]

تن صورت باز پیش ایشان روشن

[illegible]

به داد آن روشن با خورشید

[illegible]

نیمی به او کیومرد نیمی به دیگر مردمان

[illegible]

به شناسد کو روان تن به

[illegible]

شناسد کو این آن من هست پدر این آن

[illegible]

من هست مادر این آن هست برادر این آن من هست

[illegible]

زن این آن من هست هر کدام آن نزدیک

[illegible]

پیوندتر پس بید انجمن اسدواستر

[illegible]

طاهر مردم به ایزن رهاین تمام

به ایستید اندر آن انجمن هر کس نیک

کنشنی خویش بد کنشنی بینید

پس اندر دروند طاهر چون گوسپند

سپید اندر آن سیاه بید اندر آن انجمن

اشو که او به کیتی دروند دوست بود

دروند نحروش کتد از آن اشو گو چرا که

اندر کیتی . از کنشنی نیک خو اختیار کرد .

آگاه نه کند اگر آن ان اشو او نه

[illegible]

آگاه کنم ازان به آن انجمن شنوم

[illegible]

ایدون آوایه گذاردن پس اشو

[illegible]

از دروند جدا به کنند پس اشو

[illegible]

رو گروشان دروند باز رو دوزخ

[illegible]

افکنند سه روز شبان تن اهومندیها بیمرگ

[illegible]

اندر دوزخ پادفراه کنند پس

[illegible]

اندر گروشان تن بیمرگ آن سه روز

[illegible]

خورشت بینید چاشنی کوید کو به

[illegible]

آن روز که اشو از دروند جدا بیند

هر کس پارس تا زنک بران

فرود آید که پس از هم یاری

پدر برادر از او برادر خواست از او دوست

جدا کند هر کس آن خویش گتتی

گذارد دروند اشو اندر دروند دروند بر

خویش چه هست که پدر اشو پسر دروند

هست که برادر اشو یکی دروند ایشان

که ایشان خویش گتش را کرد ریستید

چون ضحاک افراسیاب دیگر از این

آسینه چون مرکزران پادفراه

کزارند پنج مردم نه کزارد پادفراه

سه شب

خوانند اندر آن قیامت کردن او

روشان مردمان انوشه خویشتن کو

زنده هست پانزده مرد و پانزده زن

او یاریا سوسیوش بی رسد

کرزدار چون سویار از تیغ

آ ماه او زنین اوفتد رهیا مثال

[illegible]

درد چون میش که گرگ افتد ۱ پس

[illegible]

آتش ویوخشت اندر کوهان

[illegible]

گران گرم کنند به این زمین رود ایستید

[illegible]

پس تمام مردم اندر ایوخشت

[illegible]

گداخته به گذرد پاک

[illegible]

به بوی که اشو ایدون خواهید

[illegible]

چونکه اندر شیر گرم تمام رویه که

[illegible]

دروند ایدون به آن آیینه خواهید پس

[illegible]

به آن مهست عزیزی تمام مردم

[illegible]

او هم رسند پدر و پسر و برادر و جفت

[illegible]

یک او دگر پرسد که این اندر سال

[illegible]

که بود اندر هفت تو به روان حکم

[illegible]

چه اشو بودی یا دروند نخست

[illegible]

روان بینی جدا از او پرسید به آن گفت

[illegible]

مردم تمام بانگ بود بلند ستایش

[illegible]

او هورمزد امشاسپندان

[illegible]

دروند هورمزد به آن گاه پندارد

[illegible]

دام بسید که آتش کار هر شه

[illegible]

آواید کردن اززر آن که شان . دست

[illegible]

پیراسته کاری بر . نه آواید کردن

[illegible]

یزشن به آراستن سوسیوشن

[illegible]

یا یاران کنند گاو نام

[illegible]

به آن یزشن کنند از پوشی

[illegible]

آن گاو وهوم سپید جان آرایید رو

[illegible]

تمام مردم دهد تمام . مردم بیمرگ

[illegible]

بود تا همیشه همیشه زمان ایمن گوید .

[illegible]

گو که مهر اندازه بود ایستید ایدون ار

به عمر چهل سال باز آرایند

آن آن خرد نه مرده بوند اندر

اوشان به عمر پانزده سال باز

آرایند و هر کس زن دهند

فرزند با زن هایشن کنند

چونان کنون اندر گیتی به فرزند زادن

نه زایند پس سوشیوس از دادار

هورمزد فرمان تمام مردم یزدان

و خرد دهشنی دهد به کارکنش سپاسی نا

این است اشو کو کوید کو

یزد او بهشت گروثمان بهورمزد

چهارم خورشید اوراید صورت بلند ستاند

تا همیشه همیشه رفتن به آن پاکی

تمام رود اینه گوید کو کو

یشت نه کرد ایستید گیتی آرایید خرید

نه فرمود ایستید وصامه به اشو

داد نه داد ایستید انجا بهرسته اورا.

بهورمزد یشت کرد ازو ۰۰ دنیا کار

جامه او گیرد پس هورمزد گناه

مینو بهمن اکومن اردیبهشت اندر شهریور

ساول سپندارمد ترمتی هست

اوتکتتش خرداد تاورز

راورز راست گفتار اکن

دروند گفتن سروش و خشم گیرد

پس کو دروج فراز ماند اهرمن او

هورمزد او کتی روید نمود

زود سروش راسپی راسپی

به دلت دارد گناه

مینو باز به آن دنیا تیتریک زده زاریها

ناکاری تر کند آن راه

آسمان بدان اندر دوارد باز

او تاریک تر دوارید کوزدار مار

به آن ایوخشنت گداخته سوزید

آن گندگی و ریمنی اندر دوزخ بود به

آن ایوخشست سوزید پاک به

بید آن اهریمن گناه مینو بدان

[illegible]

اندر دویده به آن ایوخشت

[illegible]

کیرد آن زمین دوزخ باز او فراخی

[illegible]

دنیا آورد بید قیامت

[illegible]

اندر دنیا به کام دنیا بیمرگ تا

[illegible]

تمام تمام رفتن اینه کویه

[illegible]

اینه کوید کو این زمین تمار

[illegible]

اماوند به کوه چکاد

[illegible]

سر بلند دارشتی فرود دارد

[illegible] ٥ ٥

نه بسید

[illegible]

પેતેરરીપ પોરોશરૂપ વેહ્રેડી

[illegible]

દ્રેપદરીપ ઓરૂઆદરીપ

[illegible]

પિતિરરીપ પખશાનોરશ

[illegible]

શપેતમાંન ફરદાર ફરદરશાન

[illegible]

રવ્શાન અહીંકીનેમ વેદેસ્ત

[illegible]

ઝરેકુન કિરપ મીનોયેહ્ર દોરાંશારૂન

[illegible]

પેતરશાપનાં જેમ આરદ્વીઆનં

[illegible]

કિંકુ અને પોરોશારીપ કિંકુ વોટા જે

[illegible]

પોરોરશારીપ થશે આરારાશતે

زاده هست از آراست میدیوماه

زاد زرتشت که او دین آورد

اول ایرانویج فراز داد اول

میدیوماه دین ازو پذیرفت مانندیعنی موبدان

پارس تمام باز او اویش تخم

که هست دوکانه یعنی دیگر گویم از

زرتشت زاد سه پسر و سه دختر

[illegible]

દિશાદ્યારશાતર ફિમ ખ્રૂરશોદયેદેર

[illegible]

લગી.ફતો મોવર મોવર્દાન રદ અશોરૂવાંને

[illegible]

اوروتور نثت દીન પરશા દાનો

[illegible]

زیر زمین ورجکرد رد واستریوش

[illegible]

سپاه اردیشتار خورشیدچهر

[illegible]

માંદ ગોરીશાનશાયાંન ચશોતન سالار

[illegible]

ફજ પરાન ફજ બેટી ચાહ શેકુઅો ફંગદેન

[illegible]

છો ચાહુસ્નાન પોરસેશાન ફેંક શાહીન

[illegible]

ના ખોરશેદસ્પેદેર અને ખોરપરરર

[illegible]

[illegible]

અશેરત થી છે આફ્રિંગા ગજરશ્મા અશેરત
નેવાતરેની

[illegible]

કીશાદવાસ્તુથી ઇશ આફ્રિંગા પાદશાહ

[illegible]

હુર નામ અશોરેજેન જેરે. ઓરોંમ.

[illegible]

કેનો ગઝરેશ અસરનેઓઅરેદા

[illegible]

ઉરવેશીતેનાંપોશઆફ્રિંગા ગજર અશેરત થી જે

[illegible]

શાતોરી
મેલ કીશાદવાસ્તરન. ચાનમ માટે

[illegible]

બેશા ચણ ઇમાને ઓરોંગે ઈ

[illegible]

હોશેદરમાહ અને હોશેદર ઓમ ઓરતોસતન.

[illegible]

કેઇય ઓમ બારી કુપહોવે ઈ શોશીઅશેરા અને

[illegible]

નબર
નાન્દીજ તે મરતબે ॥ નરતોશાત ઈમાન

[illegible]

તોખમ તે મરતબે દુર કરમા તે ફ્રોયોયે

[illegible]

રોશની નેરીઓશાંગઈજદે કીધુ માંહે જમીન તે

[illegible]

નેહા માંહે ઉબ્બુલઝાદા તેમાંહ તોખમ તે જોર અને

[illegible]

માંહે રાખવ.

[illegible]

નવ મસે માંહે તે ને વખત

[illegible]

નવ અને નવ નેવુ શો નવ અને હજાર.

[illegible]

સારાઓની માંહે અશોનો હજાર

[illegible]

નહે દેવો ઈમાન છે મેસેલા

[illegible]

અમીન પનાશીનદ
હોરાહેરવ જરતોશતની મામેન્ર ખરાસુરે

[illegible]

જરતોશતની માહીનો બાર ફ્રાં નામ

[illegible]

વરશ ફ્રા નામ ઝરહોમરવા

[illegible]

કેહેદ ફ્રવાં વરશ ૧૨૦૦૦ જમાંન પાદશાહ

[illegible]

ઝાહિમ મીનો વરશો ૩૦૦૦ ઇમ્માને દીન માંહે

[illegible]

નદીસ્તાનહાર નદીસ્તાસ્તાર પેદાઈશ ઇમ્માને થાઈ

[illegible]

ગાહઆનેહહ વરશા ૩૦૦૦ ફ નાં ઉહ્તાનસ્તર

[illegible]

ભાગ ઉમીસો દુનીઆમાં માંહે ૨૨૩૬

[illegible]

الحمد خدای هزاره پتیاره

[illegible]

[illegible] [illegible] بود هند چون سال

[illegible]

۵۰۰۰ سال که هزاره خدای یعنی صاحب

[illegible]

او [illegible] رسید پتیاره اندر دوارید

[illegible]

کیومرث اندر زوری ۳۰ سال تنوه زیست

[illegible]

پس از ۳۰ سال [illegible] اور

[illegible]

زیست هند پنجاه سال آن پس که

[illegible]

ایشان زنی شوئی نه بوصند

[illegible]

۳۰ سال آنین زنی شوئی بوده - اند

[illegible]

تا آن که هوشنگ چهل سال طهمورس ۳۰

سال جمشید تا خره به شد ششصد

و ده شش سال و شش ماه پس از آن

صد سال اندر نهانی بود پس هزاره

خدای او کردم رسید ضحاک هزار سال

که پس هزاره خدای او

رسید فریدون پنجصد سال اندر هم پنج

صد سال فریدون و ایرج ده و دو سال مینوچهر

صد و بیست سال اندر هم خدای

مینوچهر که

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

او آسمان هفتاد و

[illegible]

پنج سال هفتم و پنج سال پس از آنکه

[illegible]

جمله صد پنجاه سال کیخسرو شصت سال

[illegible]

کی لهراسپ صد و بیست سال گشتاسپ تا

[illegible]

رسید دین سی سال جمله صد و بیست سال بهمن

[illegible]

اسفندیار صد و ده دو سال همای بهمن جنت سی

[illegible]

سال دارا

سال دارا داراب ده‌چهار سال سکندر

رومی چهارده سال اشکانیان بہ

دوصد

هشتاد چهار سال اردشیر بابکان

نام یہ درود

شادی و رامشنی هر فراروں کنشنان

اندر دین گفت هست کو خشم

دویدن او آهرمن پیش ازو گفت کو

من اندر دنیا نه شوم چه هورمزد خدای

اندر گیتی سه چیز داد هست که من

چیزی کردن نه توان آهرمن گفت

کو گو کو آن سه چیز چه خشم

گفت کو کاهنبار و یزد و خیتودث

آهرمن گفت کو اندر گهنبار

به رسید از اوشان یکی به

درید گهنبار به شکست کار به

مراد تو به یزد به رساد

پیام یزدان ایتااهو ویریو

هیچ به ... جای و چیز به کار

چیش کفش یک که او انجمن

بیش بزرگان و سرداران یا به کار ۱۳۸۹

فراز شود که او خواهش خواستن

شوید که گنکار گذارید به این

هر جای یک گفتن تا کار

روا تر شوید آفرینیان آفرین تر

بیید ایزا دو گوید چه آفرین

آیته یک آن به گفتن ای که او

کهیار آفرین نر به رسیدان را

پنج که او گناه گذاریدن شوید

[illegible]

دروج به یزدان را چه پادفراه

[illegible]

به دستوری این پنج کس شاید

[illegible]

گزاردن مانبد ویس بد دهیوبد

[illegible]

زرتشتروتم یا از اشیم وهو پنج

[illegible]

به سر نشن ـ او

[illegible]

سهاوندید خوراستن شوید او تارزد

[illegible]

تا فروزکرتر [illegible] هفت ـ او

[illegible]

ایرشن ایزدان کردن شوید ایشانشدال

[illegible]

اوابرشن [illegible] رسید هشت که

[illegible]

او ایرشن اردافروهر کردن شوید

سنتن که او غله کاشتن شوید

این را گوید چه جوردا به نه

ماه به رسته غله بیش رسد

خروستران زبان کم به لیند ده

ار زان به کار بید ده که

او ستور و گوسپند

او ده

آن بلند کوه شوید ده اسـ

[illegible]

آفرین کنند یار یوص دوازده که او

[illegible]

آن [illegible] دو

[illegible]

[illegible]

ده[illegible] که او

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مهرنوروزسار

pp.204.7-215.4:Bd. ch. 25. Matters of Religion.

pp.215.4-215.7:Bd. ch. 26. Standard of measure.

pp.215.7-227.7:Bd. ch. 27. Nature of plants.

pp.227.7-246:Bd. ch. 30. About Re surrection.

pp.247-252.3:Bd. ch. 32. Kindred of Pourušasp.

pp.252.3-256.6:Bd. ch. 34. On the millenniums.

pp.256.6-258.6: Conflict of the Creation with the Evil Spirit (Cf. Antia, Pazend Texts, pp.59-60.6, incomplete).

On the texts, see Mary Boyce, 'Middle Persian Literature', in Handbuch der Orientalistik iv, ii, 1 (Iranistik), Leiden/Köln 1968, 40f. and 39 with notes. For Šnš ch. 19, see F.M.P. Kotwal, The Supplementary texts to the Šāyest nē-šāyest, Copenhagen 1969, 76-80 110-11.

Kaikhusroo M. JamaspAsa

pp.82.2-87.3:Bd. ch. 22. Nature of lakes.

pp.87.3-89.3:Bd. ch. 23. Nature of apes and bears.

pp.89.4-155.1:Bd. chs. 1-10. Knowledge of the tradition , the function of Light , the rush of the Evil Spirit at the creation, fight with the primeval Bull, planets and constellations, the Evil Spirit's conflict with the heavens, conflict with water, conflict with earth, conflict with trees.

pp.155.1-158.1:Bd. ch. 11. Nature of land.

pp.158.2-171.3:Bd. ch. 12. Nature of mountains.

pp.171.3-179.1:Bd. ch 13. Nature of seas.

pp.179.5-197.1:Bd. ch. 14. Nature of five classes of animals.

pp.197.2-204.6:Bd. ch. 24. Chieftainship of men and animals.

Introduction

The codex MU49 presented to the First Dastur Meherji Rana Library, Navsari, by Mrs. Meherbai N. Dordi in memory of her brother, Dr. J. M. Unvala. The ms (22.8x14 cms) contains 263 pages written 7 lines to the page on handmade paper. It bears no colophon. The ms contains the disjointed and incomplete text of the Indian Bundahisn with interlinear Gujarati transcription and Persian translation. The Persian translation is discontinued between pages 79-146. Pages 258.7-263 contain ch.19 of the Šāyast-nē-šāyast. The text of the Bundahišn is given in the following order:

pp.1-26.2: Bd. chs. 15-16. Nature of men and children.

pp.26.2-35.2: Bd. ch. 17. Nature of fire.

pp.35.3-61.1: Bd. chs. 18-19. The Gokarn tree, the three legged ass and the Bird.

pp.61.1-82.2: Bd. chs. 20-21. Nature of rivers and liquids.

Printed by Pahlavi University Press in Shiraz.
1976 .

The Pahlavi Codices and Iranian Researches

M S. MU 49

Incomplete texts of

INDIAN BUNDAHIŠN

&

Šāyast ne šāyast

Edited by :

Dastur Dr. Kh. M. Jamasp Asa　　Professor Mahyar Nawabi

With the technical assistance of

Dr. M. Tavousi

Published by the Asia Institute of Pahlavi University

37

Shiraz 1976